



دانشگاه ابن سینا
دانشکده انجیری
دیارتمنت مهندسی

عنوان
طراحی الگویی برای مسکن روستا شغان بدخشان

استاد راهنما
دکتر صدرالدین تاجیک

نگارش
شهپر کارگر

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی
مهندسی معماری

۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چو از شهر یکسر بپرداختند
به گرداندرش روستا ساختند
(ابوالقاسم فردوسی)

تقدیم به پدرجانم و مادرجانم
که صبورانه در پیمودن راه همراهیم کردند.

سپاس گذاری:

سپاس فراوان از خدای مهربانم و نهایت سپاس را دارم از همه ی اساتید محترمی که قطره ای از دریای بی کران علم خود را در طول این چهارسال در اختیارم قرار داده اند به خصوص استاد گرامی ام دکتر صدرالدین تاجیک که بار سنگین راهنمایی مرا در این تحقیق به دوش کشیده اند وقت گرانبهای خویش را در اختیارم قرار داده اند. و نهایت تشکر و قدردانی را از زحمات تمام اساتید و مسولان دانشکده که در تمام دوره پرمشقت تحصیلی مارا راهنمایی های خویش بهره مند ساختند، اظهار می دارم .

امیدوارم روزی برسد که باعث افتخار ایشان و تمامی اساتید گرامی ام در راه علم و دانش باشم و وسیله ای باشم در راه خدمت به وطن

تشکر بسیار از دوستانم که در تمام مراحل کار با کمک های بی دریغشان به من شوقی دوباره می بخشیدند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱- فصل اول	۲
۱-۱- پامیر	۳
۱-۲- ولایت بدخشان	۴-۵
۱-۳- ولسوالی شغنان	۶
۱-۴- موقعیت جغرافیایی	۷
۱-۴-۱- شاخصه های طبیعی	۷
۱-۴-۲- موقعیت، نظیر سیل برف کوچ	۸
۱-۴-۲-۱- سیل	۸
۱-۴-۲-۲- برف کوچ	۸
۱-۴-۳- اقلیم	۹
۱-۴-۳-۱- درجه حرارت	۹
۱-۴-۳-۲- یخبندان	۹
۱-۴-۳-۳- بارندگی	۱۰
۱-۴-۳-۴- باد	۱۰
۲- فصل دوم	
۲-۱- موقعیت روستا	۱۱
۲-۱-۱- موقعیت مکانی روستا	۱۱
۲-۲- شرایط فرهنگی، اجتماعی روستا	۱۲
۲-۲-۱- فرهنگ	۱۲

۱۲	۲-۲-۲-۲ دین
۱۳	۲-۲-۲-۱-۱ آشنایی با فرقه اسماعیلیه
۱۳-۱۴	۲-۲-۳ زبان
۱۵	۲-۲-۴ پوشش
۱۵	۲-۲-۴-۱ پوشش مردان
۱۶	۲-۲-۴-۲ پوشش زنان
۱۶-۱۷	۲-۲-۵ باور ها و اعتقادات
۱۸-۱۹	۲-۲-۶ جماعتخانه
۱۹	۲-۳-۳ سنت ها و آیین ها
۱۹-۲۰	۲-۳-۱ مراسم تخت نشینی
۲۰	۲-۳-۲ عیدقربان
۲۱-۲۹	۲-۳-۳ عروسی
۳۰	۲-۴-۴ خانواده
۳۰	۲-۴-۱ جمعیت و بعد خانواده
۳۰-۳۱	۲-۵ روابط همسایه گان
۳۱	۲-۶ ساختار اجتماعی
۳۱	۲-۶-۱ میرها(خان ها)
۳۱	۲-۶-۲ سیدها
۳۱	۲-۶-۳ شه ها
۳۱	۲-۶-۴ اعوام
۳۱	۲-۷ اعیاد و آلات موسیقی

- ۲-۷-۱- فرهنگ نروزی ۳۵-۳۲
- ۲-۷-۲- آلات موسیقی ۳۵
- ۲-۸- ویژگی ها سیاسی، اجتماعی روستا ۳۶
- ۲-۹- معیشت روستا ۳۶
- ۲-۹-۱- کشاورزی ۳۶-۳۷
- ۲-۹-۲- دامداری ۳۸
- ۲-۹-۳- صنایع ۳۸-۳۹
- ۲-۱۰- ویژگی ها منطقه خاص روستا ۴۰
- ۲-۱۰-۱- مکان روستا ۴۰
- ۲-۱۰-۲- وجود چشمه ها ۴۰
- ۲-۱۱- مکانیابی روستا ۴۱

۳- فصل سوم

معماری روستا

- ۳-۱- عناصر فضایی معماری ۴۲-۴۳
- ۳-۲- نظام فضایی ۴۴
- ۳-۲-۱- قلعه (سرای) ۴۴
- ۳-۲-۲- دیوال ۴۴
- ۳-۲-۳- دیوال گواره دار ۴۵
- ۳-۳- سازمان فضایی روستا ۴۶
- ۳-۳-۱- بافت پر روستا ۴۶
- ۳-۴- ساختار فضایی خانه ها روستا ۴۶

۴۶-۴۷	۱-۴-۳ عوامل موثر بر شکل گیری فضاها روستا
۴۷	۲-۴-۳ شناخت و مفاهیم کالبدی
۴۷	۳-۴-۳ سازماندهی فضاها پروتھی
۴۷	۴-۴-۳ ساختار عمومی بنا
۴۸	۵-۴-۳ جهت گیری خانه
۴۸-۵۱	۶-۴-۳ تغییر در مسکن و سیمای روستا
۵۱	۵-۳ تجزیه و تحلیل اندام خانه ها روستا
۵۱	۱-۵-۳ اصول فضایی اندام های
۵۲	۶-۳ معرفی اندام خانه ها
۵۲	۱-۶-۳ حولی خانه
۵۲-۵۳	۲-۶-۳ خانه اصلی
۵۴	۳-۶-۳ فضاها داخل خانه
۵۴	۱-۳-۶-۳ ورودی
۵۵	۲-۳-۶-۳ نشیمن مردانه
۵۵	۳-۳-۶-۳ نشیمن زنانه
۵۵-۵۶	۴-۳-۶-۳ تنورخانه
۵۷	۵-۳-۶-۳ انباری
۵۷	۴-۶-۳ اطاق ها
۵۸	۵-۶-۳ آشپزخانه
۵۸	۶-۶-۳ انباری مواد غذایی
۵۹	۷-۶-۳ کناراب

۵۹	۳-۶-۸- طویلۀ خانه
۵۹-۶۰	۳-۶-۹- کاهدان
۶۰-۶۲	۳-۷- نظام ساختمانی
۶۳-۶۴	۳-۸- پی(تهداب)
۶۵	۳-۹- اجزای معماری
۶۵	۳-۹-۱- دروازه
۶۵-۶۶	۳-۹-۱-۱- دروازه بیرونی
۶۶	۳-۹-۱-۲- دروازه داخلی
۶۶-۶۸	۳-۹-۲- کلکین های
۶۸	۳-۹-۳- طاقچه ها، آلماری ها
۶۸	۳-۹-۳-۱- طاقچه های
۶۸-۶۹	۳-۹-۳-۲- آلماری های
۶۹	۳-۹-۴- نوه(ناودان)
۶۹	۳-۹-۵- لبه ها بام
	۴- فصل چهارم
۷۰-۷۲	۴-۱- فرآیند طراحی
۷۳-۸۲	۴-۲- مدارک و نقشه های پیشنهادی برای خانه های پامیریان
۸۳	فهرست منابع

مقدمه

واژه روستا در زبان پهلوی رستاک یا روستاک و معرب آن رستاق میباشد که معنای وسیع تری از ده داشته است (لغت نامه ده خدا) روستا را مجموعه ای از مزارع، دهات و قصبات و نیز دارای زیر بخش ها از قبیل قصبه، قریه، قلعه، ناحیه، قشلاق و مزرعه میداند.

بررسی ویژگی های مسکن روستای شغنان (پامیر) علل تغییرات آن در طول زمان و در نهایت یافتن الگویی که علیرغم تغییرات به وجود آمده به حفظ ارزش های فرهنگی بومی روستا بینجامد. به عنوان اساس کار طراحی الگوی مسکن روستای شغنان (پامیر) در نظر گرفته شد. در فصل اول به تعاریف روستا از نقطه نظرات مختلف اشاره میشود و سپس به بیان علل و عوامل پیدایش و پابه تغییر و هنجارهای شکل یابی روستا در طول زمان پرداخته میشود. در فصل دوم تعریف پایداری و یافتن مصداق بارز آن در ویژگی های زندگی و معماری روستایی و آرایه مثال هایی از راهکارهای معماری روستایی تحت عنوان دریافت رموز پایداری در معماری روستایی شرح داده میشود. در فصل سوم به شرح تغییرات در زندگی و مسکن روستایی و دسته بندی مداخلات صورت گرفته با آرایه نمونه هایی از افغانستان و جهان پرداخته میشود. و به معرفی موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روستا شغنان و نیز مطالعات کالبدی روستا تحت مقیاس، مکانیابی در منطقه مورد نظر، سازمان فضایی روستا، ویژگی های بافت پر روستا، ساختار فضایی مسکن روستا و تجزیه و تحلیل کمی و کیفی سه نمونه خانه برداشت شده، بررسی جز فضاها، معرفی اجزا بنا و مصالح مورد استفاده پرداخته میشود. و در فصل چهارم می پردازیم به یک طرح پیشنهادی که برای الگوی مسکن شغنان (پامیر) در نظر گرفتیم تا یک تعداد مشکلاتی که در معماری این روستاها در نظر نگرفته شده تا ما بتوانیم این مشکلات را با همکاری مردم این منطقه حل نماییم.

چون بدخشان از نگاه منابع طبیعی و ثروت های زیر زمینی بس غنی است و از سوی دیگر در چهارراهی مسیر مهاجرت ها و تجارت در آسیای میانه قرار داشت، بنا بر آن از قدیم بیش از همه توجه مهاجمان و فاتحان، سیاحان و تاجران، حجاج و حتی ماجراجویان را بخود جلب نموده است.

در نیمه دوم سده نهم بدخشان در آسیای مرکزی در خط مقدم رقابت های استعماری بریتانیای کبیر و امپراتوری روسیه تزاری قرار گرفته و توجه شخصیت های سیاسی روس و انگلیس، نویسندگان و پژوهشگران را بخود جلب نمود. شماری از سیاحان، کارمندان استخباراتی و اطلاعاتی روس و انگلیس از این کشور دیدن کرده خاطرات و نبشته هایی درباره آن از خود بیادگار گذاشته اند. هم اکنون بیشتر از صد ها اثر و منبع و ماخذ در موضوعات گوناگون در باره بدخشان وجود دارد. همچنان نوشته های دیگری درباره تاریخ بدخشان در آثار و منابع تاریخی و جغرافیایی که بصورت خاص یا عام راجع به آسیای میانه، ایران، افغانستان و مناطق شمال غرب هند نشر شده، نیز بمشاهده میرسد. این منابع و آثار از نگاه زمان، جهات و اهمیت گوناگون بوده و به زبان های مختلف نگاشته شده است.

فضل اول

پامير بدخشان
(شغنان)

۱-۱- پامیر

پامیر نام مجموعه رشته کوه‌های متصل به هیمالیا و مشرف به زنجیره کوهستانهای تیان شان، قراقرم، کونلون و هندوکش است و در میان بلندترین مناطق کره زمین قرار دارد. از گذشته‌های دوری این مناطق را با عنوان بام جهان که اصطلاحی در زبان فارسی است، می‌شناسند. قسمت اعظم این سرزمین متعلق به تاجیکستان و قرقیزستان و متباقی جزء افغانستان و پاکستان است. در مشرق به دشتها و ریگزارهای ترکستان چین منتهی میشود و در شمال به فرغانه و به مغرب در طول سیلابهایی که آمودریا از آنها تشکیل می‌شود به پستی می‌گراید و در جنوب آن رشته‌کوه قره‌قوروم واقع است. کوههای پامیر در حدود ۷۰۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد. ارتفاع این سرزمین که از سطح دریا در حدود ۴۰۰۰ متر است باعث سختی آب و هوای آن شده‌است. پامیر هوایی خشک دارد و باران و برف در آن بندرت می‌بارد. بادهای آن بسیار سرد است ولی شدید نیست لکن با خشکی آب و هوا دریاچه‌های متعددی در آنجا هست که برخی وسیع میباشند لیکن آب این دریاچه‌ها روبه نقصان است چنانکه بعضی بکلی از میان رفته‌است. از جمله دریاچه‌های آن قره‌کول با ۳۰۰ هزارمترمربع مساحت و ساری‌گول با ۴۲۶۷۷ مترمربع مساحت است.



غالب رودهای پامیر به‌طرف مغرب یعنی آمودریا که به دریاچه آرال می‌ریزد جاریست و بقیه به‌طرف شرق یعنی رود تاریم متوجه‌است. بلندترین کوهستان‌های پامیر از این قرار است: قله اسماعیل سامانی با ۷۴۹۵ متر ارتفاع (نامهای دیگر آن از ۱۹۳۲-۱۹۶۲ قلهاستالین، از ۱۹۶۲-۱۹۹۸ قله کمونیسیم)، قله ابن سینا با ۷۱۳۴ متر ارتفاع (به طور غیر رسمی با نام قله لنین شناخته می‌شود)، قله گرژنسکایا با ۷۱۰۵ متر ارتفاع. در قسمت شرقی پامیر قله چینی کنگور تاغ با ۷۶۴۹۹ متر بلندترین قله پامیر محسوب می‌شود.

۱-۲- ولایت بدخشان

یکی از ولایت‌ها کشور افغانستان است. بدخشان در شمال شرقی افغانستان واقع است. بدخشان به داشتن معادن لعل، لاجورد، زمرد، فیروزه و طلای خویش دارای شهرت است. عمده‌ترین مخزنهای طبیعی آن، در یمگان لاجورد به حجم سه صد کیلومتر طول و ۴۷۷ کیلومتر عرض، و معدن لعل در سرگیلان که ازان به علت عدم مشخص بودن محل آن استفاده صورت نمی‌گیرد، می‌باشد. این ولایت از نظر موقعیت جغرافیایی بین خطوط طول البلد شرقی ۷۰ درجه ۴ دقیقه و ۳۶ ثانیه و عرض البلد شمالی ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه و ۱۶۶ ثانیه واقع است. بدخشان از سطح دریا ۱۸۰۰ متر ارتفاع دارد و مرکز آن شهر فیض آباد است. (شکل ۱)

این ولایت در ۶۷۰ کیلومتری کابل واقع است. بدخشان از جنوب با ولایت‌های کنر، لغمان و کاپیسا و از غرب با ولایت تخار هم‌مرز است. مساحت بدخشان افغانستان ۴۷'۴۰۳ کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن بالغ بر ۸۷۴'۰۰۰ نفر است، بیشتر باشندگان این استان را تاجیک‌ها تشکیل داده و به زبان فارسی سخن می‌گویند. در بدخشان زبانهای دیگری به نام زبانهای پامیری (از خانواده زبانهای ایرانی شرقی) هنوز زنده هستند، و مردم به آنها تکلم می‌نمایند. همچنین گروهی نیز به زبان قرقیزی سخن می‌گویند.



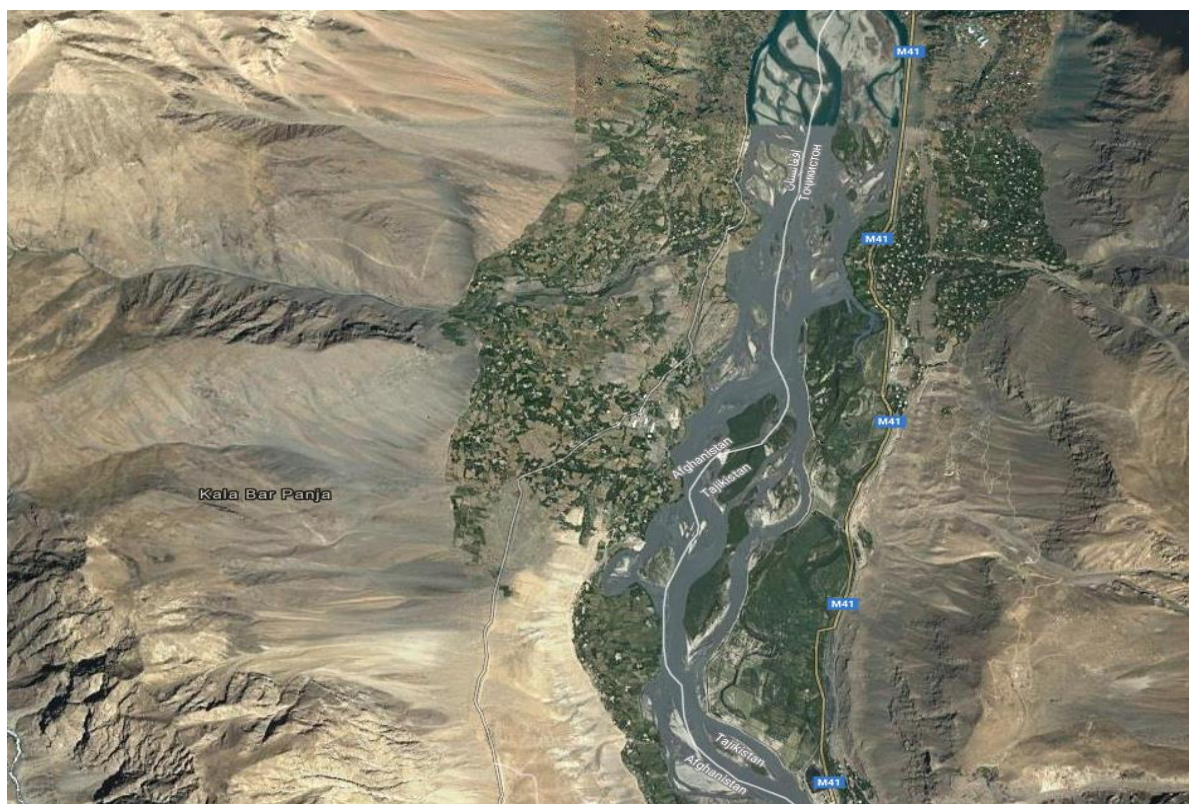
شکل ۱

همچنین گروهی از پشتون‌ها و ازبک‌های کوچ نشین و نیمه کوچ نشین نیز که به اینجا مهاجرت کرده‌اند نیز در این ولایت ساکن هستند. عده کمی از مسلمانان روسی نیز بعد از جنگ شوروی و افغانستان در دهه ۸۰ میلادی نیز در این ولایت ساکن شده‌اند. دین بیشتر مردم مسلمان سنی است بجز عده‌ای از پامیری زبانان که پیرو مذهب شیعه اسماعیلی هستند.

این منطقه در سال ۱۸۹۶ میان دو امپراتوری بزرگ (روسیه تزاری و بریتانیا) به دو بخش تقسیم گردید. یک بخش این استان تحت نام بدخشان روسیه و بعداً منطقه خودگردان کوهستانی بدخشان شوروی با مرکزیت شهر خاروغ به روسیه تعلق گرفت، و بخش دوم با مرکزیت شهر فیض‌آباد به امارت افغانستان پیوست.

روسیه و انگلیس دریای آمو (جیحون) را به عنوان مرز طبیعی پذیرفته و توسط ستون‌های مرزی نشانه‌گذاری شد. در سال ۱۹۱۷ بعد از پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه بدخشان روسیه به شوروی در تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان تعلق گرفت.

تاریخ بدخشان بزبان شکر ریز پارسی محلی به قلم میرزا سنگ محمد بدخشی و میرزا فضل بیک سرخ افسر نگاشته شده که بگمان اغلب در آن زمان زبان نوشتاری نه تنها در بدخشان بلکه در تمام قلمروی سیطره زبان پارسی در آسیای میانه انکشاف نیافته بود. تاریخ بدخشان یکی از نخستین اثر نوشتاری است که در آن گفتار عامیانه بکار رفته است. این اثر که با آیات قرآن مجید، اشعار شعرای پیشین چون سعدی، حافظ و همچنان اشعار خود نویسندگان آمیخته است که یکی از یادگار های بس مهم تاریخی و فرهنگی سرزمین بدخشان بشمار میرود. باید گفت که تاریخ بدخشان یگانه اثر یادگاری است که تا زمان ما باقی مانده و نه تنها معلومات گرانبهدر باره تاریخ سیاسی بدخشان ارایه میکند بلکه مواد مستند در باره ترکیب قومی و دینی مردم بدخشان و حیات اجتماعی و فرهنگی این کشور را دربر دارد. بنابراین شناسایی با این کتاب پخش و تکثیر و استفاده از آن در پیشرفت دانش در این عرصه تاثیر بسزایی دارد.



(شکل ۲)

۱-۳- ولسوالی شغنان

شغنان امروزه سرزمینی است کوهستانی که حالا این سرزمین در بین کشورهای افغانستان و تاجکستان و چین تقسیم شده است. سرزمین شغنان از قدیمی ترین سرزمینهای آریایی ها بشمار میرود. که این نام همزمان با پیدایش اقوام آریایی سرزبانها بوده است. یکی از نکات اساسی تاریخ این سرزمین نام آن در خود زبان شغنانی میباشد. کلمه شغنان از زبان خود شغنانی ها نبوده و از زبان فارسی و زبان دیگر گرفته شده است. این نام در زبان شغنانی (خرنان) تلفظ میشود. مرکز آن بهشار بوده این دیوار از دوسیرسرک ابتدائی وصل گردیده مشکلات شان تا اندازه از سرک مرفوع گردیده است. باشندگان این شهرستان را تاجیکان تشکیل میدهند که به زبان شغنی حرف میزنند و بیشتر مردم شهرستان شغنان به زبان فارسی دری آشنایی دارند. مردم این شهرستان اسماعیلیه مذهب هستند. شماری اندکی از باشندگان شهرستان شغنان شیعیان دوازده امامی می باشند. شهرستان شغنان بنابر داشتن کوه های بلند بسیار دشوار گذر است ، به ویژه در زمستان با ریزش برف تقریباً همه راه مواصلاتی این شهرستان بند می باشند که دشواریهای زیادی را متوجه مردم آن می سازد. شهرستان شغنان دارای تابستان کوتاه نسبتاً گرم و خشک و زمستان بسیار سرد و دراز مدت است. (شکل ۳)



(شکل ۳)

۱-۴- موقعیت جغرافیایی

شغنان یکی از ولسوالی های ولایت بدخشان در شمال خاوری افغانستان است که به فاصله (۱۵۰) کیلومتری بطرف شرق شهر فیض آباد موقعیت دارد. جمعیت آن نزدیک به (۳۹۰۰۰) نفر و در (۱۹) قریه وبا مساحت (۳۱۲۵۵) کیلومترمربع در مسیر رود پنج واقع گردیده و ارتفاع آن از سطح بهر ۲۲۰۰ متر میباشد. بین ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض البلد شمالی و ۷۱ درجه و ۳۳ دقیقه و ۲۷ ثانیه موقعیت دارد. ولسوالی شغنان در میان رشته کوه های روشن و شغنان واقع است. این ولسوالی متصل است از شرق با رود آمور مرز خاروق مرکز ولایت خودمختار بدخشان جمهوری تاجکستان، غرب ولسوالی ارغنجخواه، شمال ولسوالی درواز بالا و رود آمو و جنوب ولسوالیهای اشکاشم و شهدا. از شرق ولسوالی شغنان یک دریای (دریای آمو) میباشد. که این دریا مرز میان افغانستان و تاجکستان را در این ولسوالی تشکیل داده است.

۱-۴-۱- شاخصه های طبیعی مهم شغنان:

مهمترین شاخصه طبیعی این منطقه دریای آمو و دو حوض در خود جا دارد که یکی بنام جهیل شیوا و دیگری بنام حوض یارخ نیز شهرت دارد. این حوض ها بزرگترین محل طبیعی پرورش ماهی بوده دارای ماهی های بزرگ نیز میباشد.



(شکل ۴ جهیل شیوا)

در کوه های سربفلک شغنان جانوران وحشی از قبیل گرگ، خرس، روباه، خوک، خرگوش، پلنگ، پلنگ گلداز، آهو و آهوبره ها زندگی دارند و جوقه جوقه در دامنه کوه ها و جنگلات در گردش میباشند که چشم تمام بینندگان را بخود جلب مینماید. همچنان این سرزمین دارای پرند های وحشی مخصوصی از قبیل عقاب سیاه، عقاب ابلق، شاهین، باشه، چرخ، کبوترها، بوندنه، کبک دری میباشد که در کوهسار شغنان موجود میباشند. نباتات آن ارزشمندترین منابع طبیعی مردم شغنان محسوب میشود.

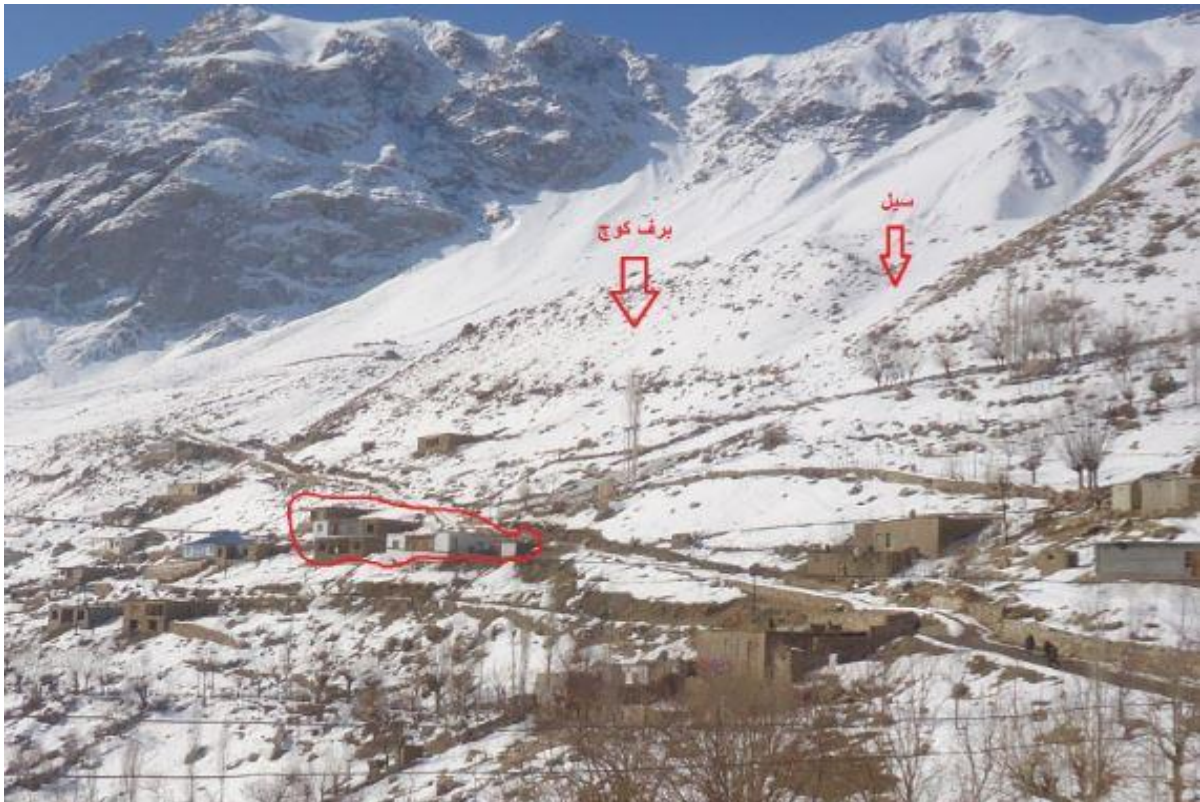
۱-۴-۲- موقعیت طبیعی نظیر سیل و برف کوچ

۱-۴-۲-۱- سیل

بوجود آمدن سیل معمولاً در فصل بهار (ثور و جوزا) که در اثر باریدن تند باران در این ماه ها میگیرد. در اثر سرازیز شدن سیل خسارات طبیعی و جانی میگرد که در سال ۱۳۹۴ ما شاهد سرازیز شدن سیل ها در این ولسوالی شدیم که همچون سیلی در قریه روشن (چاوید) که به تعداد بیشتر از ۳۱ خانواده بیجا و به تعداد ۵ نفر جا باختند و اندازه ۱۵ هکتار زمین زراعتی خراب شد بود.

۱-۴-۲-۲- برف کوچ

تمام مناطق کوهستانی مخصوصاً در مناطقی که شیب دامنه ها زیار باشد و همچنین دامنه هاییکه فاقد پوشش گیاهی باشند احتمال سقوط برف کوچ وجود دارد. ولایت بدخشان چون یک ولایت کوهستانی و در ردیف اول ولایت ها است که بیشترین حوادث برف کوچ در آن ولایت رخ میدهد. و می توان گفت نسبت به کل ولایت از نظر ریزش برف کوچ با بیشترین خطرات مواجه است. متأسفانه هر سال ما شاهد افزایش آمار تعداد تلفات مربوط به رخ داد حوادث ناشی از برف کوچ در این ولایت می باشیم. و در این ولسوالی سالانه بیشتر از ۱۰ یا ۲۰ نفر در اثر لغزش برف کوچ جان ها شیرین خویش از دست میدهد. در ولسوالی شغنان تعداد زیادی ناحیه ها وجود دارند که در زمستان خطر آمدن برف کوچ و در بهار خطر آمدن سیل میباشد. رابط برف کوچ بامحله های که مسکن در آن احداث میشود دلیل عهده آن دانستن زمین در جایی که از برف کوچ در امان باشد



(شکل ۶)

۱-۴-۳- اقلیم

شغنان یکی از بزرگترین و زیبا ترین ولایت بدخشان افغانستان بوده دارای مناظر طبیعی دلپذیر و سرسبز ، آب و هوای گوارا میباشد. که تابستان آن ملایم و زمستان های خیلی سرد و طولانی دارد که نزول برف های سنگین دارد. آب و هوا پامیر نظریه سایر مناطق افغانستان به سرمای زیای معروف و مشهور است. که زمسان ها آن شش ماه به طول می انجامد. چنانچه گویند:

ز عقرب تا به جوزا زیر برفیم

بهار و تیره ماهی چون نیست ماره

۱-۴-۳-۱- درجه حرارت

متوسط حرارت ماکزیمم گرمترین ماه (جوزا و سرطان) میباشد که در این ماه ها درجه حرارت تا 35 درجه سانتی گراد و معدل حرارت مینم سردترین ماه های (قوس ، جدی و دلو) منفی 25 تا 35 درجه سانتی گراد میرسد. و در این ولسوالی ها کوهستانی به هراندازی که درجه حرارت در تابستان گرم باشد به همان اندازه در زمستان درجه سانتی گراد به منفی میرود. (شکل ۷)



(شکل ۷)

۱-۴-۳-۲- یخبندان

در منطقه مورد مطالعه از ماه ۶ سال یخبندان صورت میگیرد. یخبندان از اول ماه میزان شروع تا آخر ماه حوت به طول می انجامد. که بیشترین یخبندان در ماه ها قوس ؛ جدی ؛ دلو و تا ۱۵ حوت به ثبت رسیده است.

۱-۴-۳-۳-بارندگی

بیشترین میزان بارندگی در این ولسوالی در ماه ها قوس ؛ جدی ؛ دلو و حوت میباشد و کمترین برفی که در این ولسوالی می بارید ۱ متر میباشد و بارندگی باران در ماه ها حمل ؛ ثور و بعضی وقت ها در ماه ها جوزا و سرطان نیز میباشد که این بارندگی باعث از بین بردن زراعت و میوهها و هچنان باعث سر را زیر شدند سیل هم میگیرد.

۱-۴-۳-۴-باد

در ولسوالی شغنان به خصوص در قریه ده مرغان باد سه جهت است باد شمال، باد جنوب و باد غرب می وزد. باد مطلوب در تیرماه باد غرب و باد جنوب میباشد به خصوص در هنگامیکه مردم محصولات کشتاورزی راجمع نموده برای پاک کردن خرمن هایش از این باد ها استفاده میکند . اما با غرب در زمستان باد مضر میباشد. به همین علت است که خانه ها طرف غرب باز شو ندارد. چون در این منطقه ها برف باری زیاد است و خانه ها یک منزله است و باد غرب باعث آوردن برف داخل خانه میشود. باد مزاحم در این مناطق باد شمال میباشد که در هنگام رسیدن کشت و کار دهقانان تمام کشت شان را از بین میبرد . (در شکل ۸)



فصل دوم

۱-۲- موقعیت روستا

این روستا در ولایت بدخشان ولسوالی شغنان موقعیت دارد. این قریه در شمال و شرق کابل و در شرق ولایت بدخشان موقعیت دارد. (شکل ۹)



(شکل ۸)

۱-۲-۲- موقعیت مکانی روستا



قریه سه نورگ در حدود ۱۷۰ کیلومتری بطرف شرق شهر فیض آباد مرکز این ولایت و در ولسوالی شغنان واقع شده است. دسترسی به این ولسوالی از طریق یا دوجاده که یکی بین شیوه شغنان و ارغجخواه و دیگری آن از بین اشکاشم و وردوج مسیر میباشند.

به لحاظ تقسیمات سیاسی، قریه سنورگ در مرکز و درجه اول این ولسوالی قرار دارد.

(شکل ۱۰-۱۱)



۲-۲-۲- شرایط فرهنگی اجتماعی روستا

۲-۲-۱- فرهنگ

در وادی واژه شناسی، بسیاری از واژه های کلیدی که هرکدام درهای فراوان دیگری را می گشاید، دچار نوسان در تعریف و تشریح اند. آزادی، استقلال، مدیریت، تکنولوژی، حقوق و سیاست واژه های از این قبیل اند. که به بررسی های عمیق و عالمانه نیاز دارد. فرهنگ آن جمله ویا یکی از پردغدغه ترین واژه هایی است که در عین کوتاهی، معانی متفاوت و بسیار گسترده ای برای آن گذارش شده است.

واژه فرهنگ در زبان فارسی با مفهوم (culture) در زبان انگلیسی و فرانسه شباهت نزدیک دارد. (Culture) از فعل لاتینی «culere» به معنی «پروراندن» گرفته شده است. این واژه در لغت نامه علامه ده خدا چنین آمده است: (فرهنگ) در فارسی از «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است «فر» پیشوند است، و به معنی جلو، پیش، بالا و «هنگ» از ریشه اوستایی است به معنی کشیدن، بنابراین فرهنگ، یعنی: بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن است.

در «دایره المعارف فارسی» از آغاز پیدایش نوع بشر، فرهنگ مایه تمایز انسان از گروه های حیوانی بوده است، آداب، عادات و اندیشه ها اوضاع که گروهی در آن شرکت دارند. از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابند و این انتقال پیش از آن که از راه وراثت باشد، از راه آموختن است پیروی از این نمادها در دیگر نمادها آداب و عادات با نظام پاداش و کیفر مخصوص به هر فرهنگ پیدا می کند.

در میان مردم شغنان فرهنگ جای شایسته ای دارد. همچنانیکه این ودیعت راهمه مردم بدخشان بخصوص مردم ولسوالی های (آموی علیا) باامانت داری حفظ کرده اند. وقتیکه ما راجع به فرهنگ شغنان صحبت مینمائیم باید بگویم مه در حقیقت درباره فرهنگ بهم پیوسته همه «پامیر بدخشان» صحبت مینمائیم. مردم شغنان از قدیم فرهنگ نیاکانرا خویش را دوست داشتند آنرا با شفافیت حفظ کرده اند.

۲-۲-۱- دین

دین پامیریان عموماً اسلام و مذهب شان شیعه اسماعیله و عده کمی از برادران شعبیه اثنا عشری نیز در میان شان زندگی میکند. در حال حاضر، اسماعیلیان که عمدتاً به شاخه نزاری این فرقه تعلق دارند، در بیش از ۲۵ کشور در قاره های آسیا و آفریقا و اروپا و امریکا پراکنده اند. عمدتاً در هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان در آسیای مرکزی و پامیر چین زندگی می کنند در افغانستان در بلخ و بدخشان و در آسیای مرکزی در خوقند و قره تکین هستند و در افغانستان مفتدی خوانده می شوند و عده ای بسیار از ایشان در (نورستان) و جلال آباد و در حوزه جیحون اعلی و ساری گل و خوان و یاسین زندگی می کنند.

۲-۲-۲-۲ آشنایی با فرقه اسماعیلیه

اسماعیلیه، شاخه‌ای از مذهب شیعه است که در میانه سده دوم هجری شکل گرفت و در واقع نام عمومی فرقه‌هایی است که بعد از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به امامت فرزند بزرگترش اسماعیل، یا نواده‌اش محمد بن اسماعیل اعتقاد دارند.

اسماعیلیه در طول تاریخ و نواحی گوناگون عالم اسلام به نام‌های مختلف معروف بودند که این نام‌ها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: یکی نام‌هایی که آنان بر خویشستن نهاده بودند و دیگر نام‌هایی که دشمنانشان به ایشان می‌دادند.

اسماعیلیان خود را به نام‌های سبعی، سباعی، اسماعیلی، باطنیه، اصحاب تعلیم، اصحاب الدعوة العمادیه، اهل تایید و اهل تاویل و غیره می‌خواندند. اما دشمنانشان ایشان را به نام‌هایی چون ملاحده، زنادقه، حشیشیه، مزدکیه، ثنویه، اباحیه و مانند آن می‌نامیدند که البته در مورد برخی از فرقه‌های فرعی اسماعیلیه چندان بی‌دلیل هم نبوده است، زیرا از مرگ اسماعیل تا برافتادن دولت فاطمی در مصر (۵۶۷ق) برخی از این فرقه‌ها خود به دینی تازه مبدل گردیدند.

اسماعیلیه نخست به دو فرقه اسماعیلیه خالصه و مبارکیه تقسیم شدند. فرقه نخست یعنی اسماعیلیه خالصه معتقد بودند که امام پس از جعفر صادق علیه‌السلام فرزندش اسماعیل بن جعفر است این گروه مرگ اسماعیل را در زمان پدرش انکار کرده گفته‌اند این امر بر مردم مشتبه شده چرا که امام به خاطر حفظ جان فرزندش، او را از دیدگان مردم غایب کرده است. این گروه مدعی شدند که اسماعیل نمی‌میرد تا زمانی که حاکمیت بر زمین را در اختیار بگیرد و او امام قائم است.

فرقه دوم یعنی مبارکیه معتقد بودند که پس از امام جعفر صادق علیه‌السلام محمد بن اسماعیل امام است. اینان معتقد بودند که امامت در زمان حیات اسماعیل از آن او بود اما چون او قبل از پدرش در گذشت امام جعفر صادق علیه‌السلام امامت را به محمد بن اسماعیل سپرد.

بنابر آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که تفاوت اساسی این فرقه با شیعه دوازده امامی در این است که فرقه اسماعیلیه به هفت امام معتقدند و به جای امام موسی کاظم علیه‌السلام، اسماعیل و یا محمد بن اسماعیل را پس از جعفر صادق علیه‌السلام امام خود می‌دانند. (صدیقه رحیمی ثابت)

۲-۲-۳ زبان

زبان های پامیری، به گویش های مضافات و ماحول فلات پامیر اطلاق میگردد و این زبان ها به گروه آریانی زبانهای هندو اروپایی مربوط اند و در ماحول سطح مرتفع پامیر و قسمتی در سلسله کوههای هندوکش، گویندگان آن در چهارکشور سکنه گزین شده اند. در گروه زبان های پامیری هفت زبان متفاوت شامل است که عبارت اند از:

- 1- زبان واخانی در چهار کشور: افغانستان، پاکستان، چین و تاجیکستان؛
- 2- زبان شغنایی در دو کشور: افغانستان، تاجیکستان؛
- 3- زبان سریقولی در سینکیانگ چین (یکی از لهجه های زبان شغنایی در چین)؛

4- زبان اشکاشمی (بشمول لهجه سنگلیچی ورنی) در دوکشور: افغانستان و تاجیکستان؛

5- زبان منجانی در افغانستان؛

6- زبان بیدغه در پاکستان (لهجه زبان منجانی در پاکستان)؛

7- یزغلامی تنها در تاجیکستان تکلم می گردد.

زبان شغنایی یکی از زبانهای پامیری میباشد. زبانشناسان آنرا در بخش شرقی زبانهای آریایی می آورند این زبان از آن دسته زبانهایی است که در مدت طولانی در انزوای کامل از دیگر زبانها قرار داشته است و این باعث گردیده که خود زبان با زبان اوستایی قرابت خود را نگه دارد. در این مشخصه نه تنها زبان شغنایی بلکه دسته زبانهای پامیری این ارتباط نزدیک را با زبان اوستایی دارند.

گیگر در این مورد مینویسد: زبان غلچه که به تازه گیها مورد تحقیق دانشمندان قرار گرفته به لهجه های گوناگون تقسیم شده است این زبان ارتباط نزدیکی را با زبان ایرانیان خاوری کهن داشته و به همین دلیل شباهت زیادی نیز به زبان اوستایی دارد.

گروه زبان ای شغنایی - روشانی، زبانها و لهجه های ذیل را در بر میگیرد: شغنایی (بشمول لهجه بجویی)، روشانی (بشمول لهجه خوفي، برتنگی، و آراشاری) و سریقولی تمام این لهجه های زبان شغنایی به استثنای سریقولی در ولایت خودمختار کوهستان بدخشان تاجیکستان، سواحل دریای پنج، غند، شاه دره و برتنگ مروج است و در افغانستان زبان شغنایی و روشانی در ولسوالی شغان ولایت بدخشان تکلم میشود.

زبان سریقولی در نواحی جمهوری خود مختار سینزیان (سینکیانگ) اویغور چین معمول است. زبان سریقولی از دیگر زبانهای این گروه متفاوت و مستقل تر است؛ زیرا زبان سریقولی در نتیجه نداشتن ارتباط نزدیک با دیگر زبانهای این گروه در مدت چند قرن بحال طبیعی خود مانده است.

تاکنون زبانهای پامیری رسم الخط مشخصی نداشته اند. نظر به نوشته پاخالینه، در سال های 1930 میلادی کوشش برای ایجاد رسم الخط زبان شغنایی صورت گرفت، مگر به نتیجه ای نرسید.

زبانهای پامیری بین خود به اندازه ای متفاوت اند که گویندگان آنها سخن یکدیگر را فهمیده نمی توانند. با آنکه فرق زیاد بین زبانهای پامیری وجود دارد. (نوروزعلی ثابتی)

۲-۲-۴- پوشش

پوشش یکی از جلوه های برجسته فرهنگی، مذهبی، ملی و قومی گروه های انسانی است. در بیشتر موارد با دیدن لباس افراد می توان تعلقات فرهنگی مذهبی و قومی آنها را شناخت پس لباس های پامیریان (شغنایی) ولایت بدخشان افغانستان بدین صورت است.

۲-۲-۴-۱- پوشش مردان

پیراهن: بلند و دراز و از دو طرف دامن می باشد. این پیراهن ها در گذشته خیلی دراز و فراخ بوده ولی آهسته آهسته این پیراهن هم تنگ و کوتاه شدن.
تنبان: شلوار مردانه بسیار گشاد و فراخ است، و کمر آنرا با تار محکمی بنام ازار بند و یا شول بند می بندد که این ازار بند هم ده خود منطقه جور میکردند و این ازار بند را بیشتر از پشم گوسفندان می ساختند. (شکل ۱۲)



اسکت: تعداد از مرد ها بزرگ یا همان کلان ها منطقه روی پیراهن واسکت ها پشمی را می پوشند که این اسکت ها را نیز از پشم بره یا همان چوچه گوسفند است جور میکند.
کرتی یا چکمن: پوشیدن کرتی نیز در میان همه مردم رواج می باشد در سابق ها بیشتر مردم از پوشیدنی بومی خود استفاده میکردن ولی امروزه استفاده مواد پوشیدنی بومی خیلی ها کم شده چون در گذشته ها تمام پوشیدنی مردان از پشم حیوانی بوده است.

(شکل ۱۲)

کرتی هم در گذشته ها از پشم برک (پارچه دست بافت محلی از پشم خالص گوسفندان) می ساختند. ولی امروزه ساخت این نوع لباس خیلی کم و بی رنگ شده است.

۲-۲-۴-۲- لباس زنانه



(شکل ۱۳)

پیراهن: پیراهن زنانه تا زیر زانو و حتا از بغضی خانم ها قدیمی تا سر بوت و یا کفش ها شان هم پت هستند. و ساختن اینها قسمی میباشد که تنه و دامن آن بصورت یک تکه دوخته میشود. (شکل ۱۳)

کلاه: کلاه یکی از فرهنگ ها قدیمی مردم پامیر میباشد کلاه را بیشتر زنها کلان سن استفاده میکند وچندین نوع کلاه زنانه وجود دارد و میتوانیم گفت کلاه تاجیکی کلاه واخانی کلاه شغنی و... نامبرد. به گفته این زن ها روستا نشین استفاده این نوع کلاه ها بیشتر در زمستان صورت میگیرد چون این کلاه ها گرم میباشد.

چادر: زن ها روستا نشین بیشتر چادر کلان و دراز دارد استفاده چادرها دراز در روستا ها پامیر خیلی رواج میباشد و زنها همیشه چادر دراز استفاده میکند چون بیشرزنها در کار ها خانه مصروف هستند و میتواند در بعضی مورد از چادر خود به عنوان خلتیه استفاده کند .

۲-۲-۵- باورها و اعتقادات

باوریکه در ذهن هر فرد میباشد متعلق به فرد اشخاص و جامعه می باشند این باورهای نیز از چند لحاظ در ذهن قرار میگیرد میتوان گفت باورهای عنعنوی. فرهنگی. باورهای دینی. مذهبی باورهای سیاسی و غیره که هر کدام این باورهای را انسان میتواند با گذاشت زمان عوض کند تنها باورهای عقیدوی را انسان نمیتواند عوض کند از ان بگذرد. آنچه که مردم ها پامیر(شغنان) و به خصوص شیعه اسماعیلیه به آن اعتقاد دارد به شرح زیر میباشد:

۱- یکی از اعتقاد این مردمان مراسم آتش پرسی که تاکنون در این مناطق مروج است. روشن نمودن چراغ مخصوص در شبهای عید میباشد. در شبهای عیدچراغی در هدیره ها (قبرستان ها) در داخل خانه ها، در میان آغیل و گنجورها روشن میگردد که این مراسم نیز نمودی از دوره آتش پرسی میباشد. چراغهاییکه به این مقصد روشن میشود چراغهای مخصوص هستند که باید از چوب ارچه خشک تهیه شوند چوب را به پخته پاک یا پارچه نخی سفید استفاده نشده پیچانیده با روغن زرد حیوانی چرب می نمایند تا قدرت بیشتر داشته باشد که همزمان با شعله ور شدن آن بوی خوش و معطر و مطبوعی از آن متصاعد میشود. برخی این کار را بدان تعبیر مینمایند که در شبهای عید ارواح گذشته گان برای دعا گرفتن آنجا ها می آیند. لازم است تا بوی مطبوع فضا را انباشته کند که ارواح گذشته گان در رنجش قرار نگیرند. و این مراسم در عصر حاضر نیز به جا آورده میشود. با این تفاوت که در عصر حاضر بازسازی گشته است. زیرا همزمان با شعله ور شدن چراغ در هدیره ها و درخانه ها توسط شخصی تلاوت آیاتی از قرآنکریم صورت میگیرد و به ارواح گذشته گان درود و دعا فرستاده میشود.

- 2- افروختن آتش در مراسم عروسی است که این رسم در آن زمان از وظایف مذهبی آتش پرستی بوده است . مراسم آتش افروختن در عروسیها به عصر ویدی میرسد و این مراسم در میان آریاییهای هند تاکنون برپا میشود .
از این مراسم برخی نمود ها در شغنان رایج است که در انجام عروسی که در مراسم نکاح برگزار میشود ، پیش از نکاح آتشی در بالا دیگدان خانه گذاشته و آن گاه بر بالا این آتش بته کوهی خشکیده و خوشبو ای را با روغن زود مالیده شده میریزند که این بته مالیده شده با روغن را (سته رخم) می نامند. از سته رخم به بالای آتش دود بالا میشود که این دود خوشبوی مطبوعی بلند گردیده و نکاح عروسی بسته میشود.
- 3- بوسیدن دیگدان توسط عروس و داماد این مراسم زمانی انجام میشود آن زمانی که مراسم عقد نکاح به پایان رسیده و عروس را از خانه پدر میبرند. نخست عروس به دیگدان خانه مراجعه و آنرا با دو دست بوسیده از خانه پدر میبر آید به همین طور داماد نیز از عقب عروس به دیگدان خانه احترام را به جا آورده ، با دو دست آنرا بوسیده و از عقب عروس از خانه خارج میگردد.
- 4- یکی از مراسم ها دیگر که در رابطه به اعتقادات مذهبی این مردمان باید در نظر گرفت ، رسم چراغ روشن میباشد. این رسم از رسوم گذشته گان است. به اساس این رسم برای هر متوفی پس از سه چار روز چراغ روشن میشود . روشن کردن چراغ برای تذکیر روح متوفی صورت میگیرد. برخیها معتقدند که این عنعنه از آن رسومات قدیمی آریایی است که تاکنون درین محیط باقیمانده است. برخی دیگر آن را ره آورد اسلام می شمارند. محتوای رسم چراغ روشن متکی به آیات قرآنکریم است و در آن برای متوفی از بارگان خداوند طلب آمرزش صورت میگیرد.
- 5- بوسیدن دیگدان در هنگام سفر بیرون از شهر کسی که عازم سفر باشد در نخست بر بالای دیگدان سته رخم افروخته شده دعای سفر خوانده میشود و سپس سفر کننده به دیگدان خانه احترام به جا آورده و از خانه می بر آید. و پشت سر مسافر تا یک روز نباید خانه را جاروب کرد تا به سلامت برگردد.(خوش نظر پامیری)

۲-۲-۶. جماعتخانه

جماعت خانه، مکان مذهبی و مقدس اسماعیلیان است. اسماعیلیان افغانستان مناسک مذهبی، دعا و عبادت شان را در مکانی به نام "جماعتخانه" انجام می دهند. جماعتخانه به لحاظ ارزش مذهبی همان جایگاهی را که "خانقاه" برای پیروان مذهب اهل سنت و حسینیّه" برای پیروان مذهب شیعه اثناعشر/ دوازده امامی دارد، برای اسماعیلیان دارا می باشد.



(شکل ۱۴)

زنان و مردان اسماعیلی مذهب در افغانستان و در سراسر جهان، عبادت شان را به گونه مشترک در جماعتخانه ها انجام می دهند، انجام کارهای رضاکارانه در میان اسماعیلیان به یک فرهنگ تبدیل شده است. از این رو، صدها تن از جوانان و بزرگان با پوشیدن لباس های مخصوص در جماعت خانه ها فعالیت های داوطلبانه انجام می دهند. (شکل ۱۵)

البته، برخی اسماعیلیان افغانستان در نهال شانی، پاکي شهر، ارائه خدمات پزشکی و آموزش های مالی اقتصادی به سایر شهروندان نیز به گونه داوطلبانه مشارکت می کنند. اسماعیلیان جهان روزهای تخت نشینی



شهزاده کریم آقاخان که به روز امامت معروف است و روز تولد وی را با برگزاری برنامه های تفریحی در جماعت خانه ها، کمک به فقرا، نذر و قربانی جشن می گیری. بیشترین مراسم ها مذهبی این منطقه در جماعتخانه صورت می گیرد. جماعتخانه مرکز مهم تجمع مذهب شیعیان اسماعیلیه است که در آنها فعالیت ها مذهبی گوناگون، از بحث های حقوقی، قومی و مادی گرفته تا مراسم و برنامه های مذهبی صورت می گیرد. جماعتخانه ها مراکز تصمیم گیری راجع به

تمامی مسایل هستند. این ها در مراکز هر روستا قرار گرفته اند؛ به طوری که برای همه قابل دسترس هستند. در بسیاری از روستاهای پامیر در سابق جماعتخانه را به عنوان مهمان خانه برای مسافری نیز بکار میبردند ولی امروزه نی بخاطریکه در هر روستایی مسافرخانه یا هتل وجود دارد.

اسماعیلیان افغانستان ۱۰ درصد درآمد ماهانه شان را که آن را مال واجبات می گویند، به نام امام نور مولانا شاکریم الحسینی در جماعت خانه می سپاریم. این پول، بعدن از طریق افراد مسوول به کریم آقاخان داده می شود. آقاخان این پول را برای پروژه های مختلف بشردوستانه در سراسر جهان برای اسماعیلیان و غیر اسماعیلیان مصرف می کند.

۲-۳- سنت ها و آیین ها

پامیریان آداب و رسوم های زیادی دارند که میتوانیم به چندی از آنها اشاره می نمایم، مراسم های، برتخت نشینی امام چهل و نهمین، سال روز وفات حضرت محمد(ص) و همچنان جشن های مردمی که از جمله عید نوروز، عید قربان، عید سعید فطر و... میباشد.

۲-۳-۱- مراسم تخت نشینی

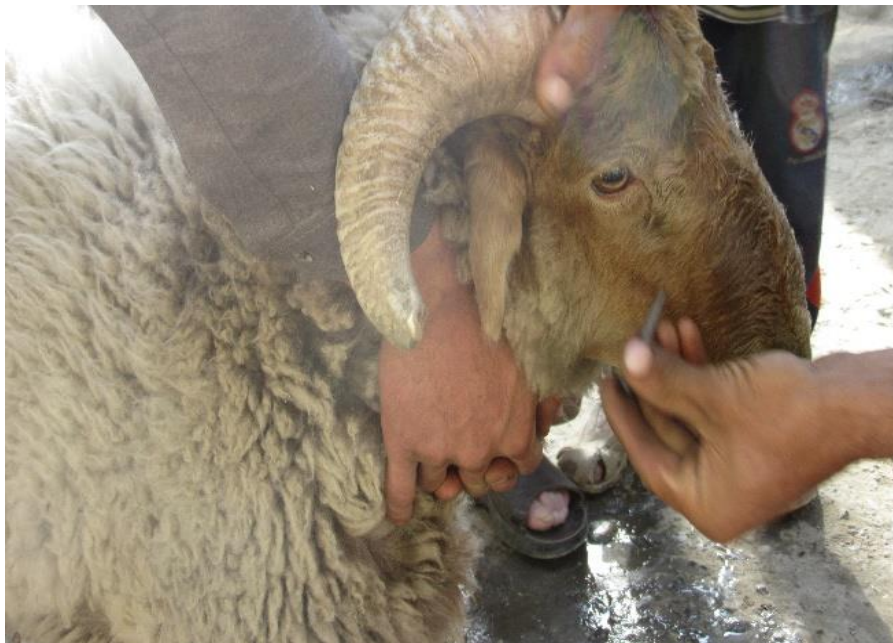
مذهب شعیه اسماعیلیه که معتقد به امامت از نسل حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (ع) به طور مسلسل، بدون انقطاع و بلافصل که اکنون به چهل نهمین امام حضرت نورمولانا شاه کریم الحسینی می رسد. این فرقه یکی از خردگرا ترین مذهب اسلامی می باشد. اسماعیلیان حضرت امام (ع) را جانشین حضرت محمد (ص) دانسته و امام را موجود روحانی و عاری از هر نوع خلا می دانند، و معتقدند که جهان هیچگاهی عاری از امام برحق نیست. تاریخ این فرقه نشان می دهد که پیروان مذهب اسماعیلیه در هر عصر و زمانی و در هرکجا مورد لعن و طعن سایر مذاهب اسلامی قرار گرفته و بر آنان اسم های رکیک و زشت نسبت داده و حتی در بسیاری موارد کشته و قتل عام شده اند، اما طوری که دیده می شود از میزان عقیده آنان چیزی کاسته نه بلکه افزایش یافته است. سالروز تخت نشینی والا حضرت شهزاده کریم آقاخان در اکثر کشورهای جهان به شمول افغانستان تجلیل به عمل می آید والا حضرت شهزاده کریم آقاخان، چهل و نهمین امام موروئی شیعیان اسماعیلی جهان شصت سال قبل از امروز در ۱۱ جولای ۱۹۵۷ به عمر بیست سالگی مسند امامت را از پدر بزرگش، سلطان محمد شاه (آقاخان سوم) به ارث برد که پس از آن پیروان فرقه اسماعیلیه همه ساله، سالروز تخت نشینی امام حاضر خویش را در اجتماعات بزرگ مردمی جشن میگیرند با قربانی نمودن ها، ختم و خیرات های وسیع این روز را به عنوان یکی از بزرگترین جشن های مذهبی گرامی میدارند والا حضرت آقاخان چهارم در طول بیش از نیم قرن که عهده دار رسالت مقام امامت مذهب اسماعیلیه است به عنوان یکی از رهبران متجدد و پر نفوذ جهان اسلام شناخته شده و امروزه دارای روابط دیپلماتیک با بیش از چهل کشور جهان بوده و همچنان در امور خدمات بشردوستانه در اکثر کشورهای جهان فعالیت های مثمر و سودمندی را انجام داده است. شبکه انکشافی آقاخان در بیش از ۳۵ کشور جهان در بخشهای انکشاف پروژه های زیربنائی، اقتصادی، بهداشت، تعلیم و تربیه، ترمیم آثار باستانی، قرضه های کوچک برای پیشه وران و خدمات بشردوستانه برای خانواده های بی بضاعت، فعالیت دارد. در طول تاریخ، اسماعیلیان به تمدن های

اسلامی و زندگی فرهنگی، فکری و مذهبی مسلمانان خدماتی ماندگاری را انجام داده اند. طوری که امام سلطان محمد شاه در پنجا سالگی امامتش با طلا و در شصت سالگی امامت به الماس وزن شد، این جشن به عنوان سنت مذهبی قبول گردید. چنانکه حضرت امام شهزاده کریم آغاخان در سال 2007 که پنجاهمین سال امامتش می شد از طرف پیروان خویش با طلا وزن گردید که به گولدن جوبلی معروف است. و اکنون شصتمین سال امامت امام حاضر رسیده که سال وزن کشی امام در مقابل الماس است که دایموند جوبلی نامیده می شود.

۲-۳-۲- عید قربان

در ولسوالی ها پامیر (شغنان) قربان قسمی است که هنگامیکه می خواهند گوسفندان را قربان کند این گوسفند باید خانه زاد باشد نه اینکه از بیرون خریداری شود. سن این گوسفند باید 3 ساله باشد اینرا قسمی پرورش میدهد که در این مدت سه سال باید این گوسفند را به اندازه پرورش بدهند. (شکل ۱۶)

به گفته مردم روستا باید مثل تخم شود و هنگامیکه عید قربان فرا میرسد این گوسفند را پیش از آفتاب برآمد باید آرایشگا داده شود و باید تا آفتاب برآمدن این را زب بکند. صبح بر وقت گوسفند را آورده پا، دست، سر و شاخه ها را شسته و چشمان گوسفند را سرمه کده و با ریسما مخصوص بسته میکنند و این گوسفند را در بام خانه



برده و دیواریکه طرف غرب یا قلبه است بالا میکند تا خون گوسفند قربان به دیوار خانه بریزد تا کسی این خون را زیر پا یا کسی از سرش تیر نشود و در هنگام ذب کردن ملا امام و مردم به خواندن آیات از قرآن کریم شروع میکند تا این گوسفند را زبه بکند. و در هنگام زب باید تمام حل قریه باشد.

(شکل-۱۷)

هنگامیکه زب شد تمام مردم میروند بکار ها خود تا چاشت آن روز و پنج یا شش نفر همسایه نزدیک میباشند در خانه ای که قربانی میشود و گوشت قربانی را باید تا چاشت با دلیه گندم پخته کند. و هنگامیکه پخته شد عموم مردم قریه از خورد تا بزرگ به خوردن گوشت و دلیه قربانی می آیند.

۲-۳-۳- عروسی

سنت جشنواره عروسی، یکی از کهن پای ترین رسم قدیم مردمان شغنان و سرزمین زیبا پامیر است که در فرآیند سده ها، بادر نظر داشت فراز و فرود زمان و مکان تاریخ گذشتگان ما، تغییر و تحول یافته و با به میان آمدن شرایط بهتر زیست اجتماعی و خانوادگی شیوه زندگی مدون و بیشرفته رادر آغوش کشیده و با حفظ اصول بنیادین محیطی و محلی، به جهات کامل تر و پذیرا تر برای همگان، سوق داده شده است.

برای همگان واضح است که این گونه سنت ها از زمانه های نهایت باستانی و کهن به ماهابه میراث گذاشته شده که در ذات خود بازتاب دهنده شیرازه های فرهنگی و سیاق زندگی اجتماعی و باور های انسانی هستند، بامسایل و سنت های دینی، مدغم گردیده و مشترکا در تبارز غنای فرهنگ اجتماعی مردمان این سرزمین، نقش می آفرینند. دربسا از مناطق بدخشان امروزی، در برخی از مراسم عروسی، نشانه ها و علائم ناهمگونی برگرفته از سایر آیین های قبل از اسلام، به ویژه آیین زردشتی و مهرپرستی، به مشاهده میرسد که خود سیال بودن فرهنگ ها و مناسبات انسان ها را در بستر تاریخ دنیای بشریت، نشانم داده است. بطور نمونه میتوان از دور خوردن دوجفت دلبنده، (عروس و داماد) و یا منورسازی چراغی از قتیله در خانه و منزل عروس و داماد، نوشیدن شیر و روغن مخلوط شده، احترام، و تقدیس آتش، بوسیدن دو گوشه و کنار تحتانی تندور، آتشدان و یا اجاق هنگام برآمدن هر دو جفت و سایر افرادی که اراده سفر را داشته باشند، معطر و خوشبو سازی منازل به شمول امان مقدسه، مانند زیادت گاه ها، توسط گیاهان صحرایی و برگه درخت های به اصطلاح تقدیس و تکریم شده، یادآوری شد، که اکثر این سنت ها را در مراسم عروسی سایر مردمان همجوار و هم تبارمان که در بدخشان حیات به سر می برند، قابل مشاهده نیستند.

در این مختصر سعی میورزیم تا برخی از واژه ها، عباره ها، و ساختار ها لفظی و زبانی مراسم عروسی را که در میان مردمان و محیط شغنان بدخشان، معمول و کاربرد گسترده دارند، با خواننده ها و مشتاقان این سنت و رسم، در میان گذاریم:

گهواره بخشی: این در حقیقت آفریندی است که باعث نامزاد کردن پسر و دختر میشود، و این نام واژه در میان پامیری ها بدخشان کوهی تاجکستان کاربرد بیشتری دارد، اما در میان شغنانی های بدخشان افغانستان نیز وجود دارد، مگر برداشت و تفسیر دیگری از آن باید داشت و آن اینکه در گذشته هاطبق معمول، مادامی که نوزادی در خانواده ای دیده به جهان می گشود و هنوز در گهواره قرار میداشت، براساس قول و لفظ مادر و یا پدر، این نوزاد محیط گهواره برای شخصی، و یا خانواده ای منحیث تحفه ای برای آینده آنها به قول و قرار داده می شد که آنها در آینده ها حق داشتند، در صورت ابراز انکار جانب پدر و مادر، در زمینه ادعای حقوق و امتیاز نمایند. یکی از نکات با اهمیت اینگونه قول و قرار این است که خانواده ها شرکای زندگی آینده همدیگر خود را درست میدانند، و هم در حقیقت تکلیف فرآیند خواستگاری میان آنها را سهل ساخته و تشویش عدم شناخت از همدیگر را نیز مرفوع می سازد.

جستجوی عروس: هدف از این مطلب این است تا که عروس مورد نظر باید مطابق خواست، سلیقه، تمایلات، مقام و موقف اجتماعی والدین پسر باشد، که اکثرا در مورد داماد این گونه میلانکه از کدام خانواده است، دارای کدامین مقام و موقف اجتماعی است، و از چه شهرتی در میان اجتماع برخوردار است، مدنظر گرفته نمیشود، اما برخی ها که فرزندان شان رادر مجموع دوست دارند، بدون

تردید به این امر نیز ارزش قایل میشوند. حتی بعضا در زمینه هر دو جانب در تلاش آن هستند تا بدانند که داماد و یا عروس به کدام قوم، تبار، نسل، ذات، نسب و غیره متعلق هستند و دارای کدامین موقف اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی خانوادگی هستند. در شغلان بدخشان معمولاً فرزندان، شیخ‌ها، رعیت‌ها، سیدها، خواجه‌ها، میرها، شهبازها، پیرها، و خلیفه‌ها که از دیدگاه موقف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و عقیدتی در میان دیگران دارای برتری زندگی‌های نا همگون هستند. مراسم ازدواج و خویشاوندی را در میان خود محدود می‌سازند و بدون تردید هر کدام از این افشار اجتماعی به ندرت آماده خواهد شد تا فرزندان شان در عقد نکاح افرادی قرار گیرد که دارای مقام موقف پایین‌تر اجتماعی و شهرت خانوادگی باشند. بعد آنکه خانواده داماد عروس آینده‌شان را بعد از جستجوی دقیق دریافتند، فرآیند خواستگاری آغاز میگردد، که از دیدگاه عوام آن را کارهایی برای مصلحت یا مشوره خواستن می‌گویند که در برخی مناطق مفهوم گسترده‌تر را می‌رساند و ارتباط دارد با فرآیند همه مشوره هادر امر پیشتر تمام کارکرد ها و فعالیت ها خانواده ها در راستای اجرای این رسم یادشده به شمول، مراسم تشریفات، مصارف، پذیرایی مهمانان، دوستان و غیره امور وابسته به این اقدام دوستانه و مخلصانه در میان جمعیت ها، برای بار اول پدر، پدر بزرگ، ماما، کاکا، و یا فرد معظم دیگری از خانواده داماد و یا هم چند تن از همسایه ها، خویشاوندان و اقارب شان، به نزد خانواده دختر و یا عروس میروند تا موضوع را در میان گذاشته و آندای کاری را برای خواستگاری بعدی بیافرینند. خانواده دختر مطابق سنت محیط از آنها پذیرایی می‌کنند، و شاید هم از موضوع آگاهی قبلی نداشته باشند، مهمانان را به چای نوشی و صرف غذا دعوت میکنند. بخاطر آنکه میگویند مهمان دوست خدا است. اما اگر آگاهی قبلی داشته باشند که فردی و یا گروهی به این مقصد تشریف فرما می‌شوند، در آن صورت اگر تمایلاتی در زمینه جهت تفاهم و توافق وجود دارند، مهمان شان را حتماً به چای دعوت میکنند اگر شرایط برای تهیه غذا محدود باشد و یا هم اگر وقت برای غذا خوری مناسب نباشد، در غیر آن طعام رانیز تهیه می‌نمایند. اما اگر این چنین میلان وجود نداشته باشد، در آن صورت نحوه برخورد خانواده دختر، صحبت شان، به شمول حرکات آنها متفاوت بوده و هرگز چیزی را بنام ناشتا، چای نوشی و صرف غذا، تهیه و تدارک نخواهند دید که این خود بازتاب دهنده شانس کام گاری، عدم پیروزی یا دسترسی آنها به موضوع یاد شده خواهد بود. وقتی که خواستگاران به خانه والدین دختر می‌روند، بعد از یک مدتی، از ایشان پرسیده میشود که هدف تشریف آوری آنها از چه قرار است. بدون تردید شخص موظف و موکل که باید از نقطه نظر سن و سال و موقف اجتماعی و خانواده خود را باید یک فرد متواضع، محترم و واجب الاحترام باشد، هدف حضور شان را بیان نموده و تکلیف شان را روشن ساخته و اظهار می‌نمایند که "ما نزد شما بخاطر طلب زندگانی آمده ایم" به این معنی که دست دختر تان را می‌طلبیم تا در اختیار فرزند ما قرار گیرد و بعد از انجام مراسم ازدواج به دنیا آمدن بهره زندگی مشترک آنها در آینده، که فرزندان شان خواهد بود، زندگی جدید در خانواده ما ادامه خواهد یافت و باعث مسرت و شامانی والدین، دوستان، و نزدیکان همه ما و شما خواهد گردید. والدین دختر برای ابراز رضایت موافقت نشان خواهند داد، مهلت خواهد خواست تا سایر دوستان، خویشاوندان و اقارب دور و نزدیک خود را نیز، در جریان بگذارند و یا جواب رد خواهند داد، بعد آن مدت زمان برای مراجعه بار مجدد تعیین خواهد شد و خواستگاران خویشان را آماده خواهند ساخت. بعضا حتی از واسطه وسیله نیز دریغ نمی‌ورزند تا فرآیند خواستگاری سهل‌تر و زود انجام‌تر شده باشد.

برای خواستگاری معمولاً به تعداد 5 الی 10 تن و یا هم کمتر به خانه پدر عروس فرستاده میشوند، که بعضا در بین آنها یک تن از روحانیون، خلیفه‌ها، آقسال، ارباب، و یا هم از افراد با نفوذ دهکده حضور

داشته باشند. معمولاً زمانی که برای خواستگاری میرود، بدون آنکه نتیجه مثبت و یا منفی باشد، مقداری از تکه باب را با خود به خانه پدر عروس میبرند. بعد از ضیافتی که در خانه پدر عروس به مهمانان داده میشود یک تن از بزرگسالان خانواده یا اقارب داماد، هدف حضور شان را به میزبان بیان میکنند. در صورت ابراز رضایت از طرف خانواده عروس آینده، خلیفه که شخصیت روحانی در میان مردم است، دعای مربوط به این رسم را میخواند. پدر و مادر عروس آیند و جانب داماد آینده همدیگر را به آغوش کشیده و با دست بوسی پدر و مادر عروس از طرف داماد و سایر مهمانان که تبارز دهند رضایت جانیین است، محل را ترک میگویند.

بعد از این هر دو جانب در تلاش آماده سازی فرآیند ازدواج میشوند و خریداری اجناس و مواد مورد ضرورت خود را که شامل لباس عروس و داماد میباشد، آغاز می نمایند. بعد آنکه هر دو طرف آمادگی کامل خود را داشتند. در جستجوی آن میشود تا زمان و مکان را برای به اجرا در آوردن این رسم نهایت قومی و مردمی، تعیین نمایند، که به اصطلاح خیلی میهنی آن را "ساعت و زمان" یاد میکنند که صلاحیت این مطلب تنها در اختیار پیر، خلیفه، روحانیون، سیدهای قوم میباشد. آنها مطابق رسم و سنت عقیدتی به کتاب ای در زمینه معلومات وافر و نهایت درست در اختیار میگذارد، مراجعه می نمایند و مطابق موقعیت و یا جایگیر شدن آفتاب و مهتاب، در منطقه البروج (موقعیت زمانی برج ها و ماهها) روزی را تعیین می نمایند تا سعد و نحس بودن آن برای همگان واضع شده باشد، و در آیند برای هر دو جفت و خانواده هایشان، به شمول دوستان و اقارب نزدیک شان، دارای فال نیک و حسنه باشد.

تعیین زمان، ساعت سعد و نیکو: مطابق روایات محسن سفیدان افراد اهل نظر، خلیفه ها و روحانیون معزز، برای بسته نکاح و جفت و جوان در کتاب آسمانی و سایر اسناد و مدارک دست داشته که از اولیا الله باقی مانده است، گویا ساعت و زمان معینی در نظر گرفته شده است که باید جهت حفظ و حراست سنت دیرینه عقیدنی و باور های دینی، و به منظور خوشبختی و سعادت عروسی و داماد به شمول اطرافیان آنها که هدف از اقارب و خویشاوندان شان است، این بینش را از نظر نباید دور انداخت. دلیلی که می آورند این است که گویا در این هنگام فرشته ها و ملائکه مقرب که گره دهنده گان این عقد ازدواج هیند، هنگام عقد نکاح حضور دارند و بر اعمال، کردار و پندار گردانندگان این رسم و سنت پذیرفته شده نظارت دارند. تا اینکه فرآیند و شیوه کاری این سنت الهی، خلاف علایق و رغبت یکی از طرفین صورت نگرفته باشد. و هم برای شان در این وقت هنگام عقد نکاح فرشته های مقرب خود دست دعا را برای سعادت دینی و دنیوی شان، به درگاه خداوند (ج) بلند می کنند و طلب سعادت و ارادت می نمایند.

برش لباس (جامه بران): این رسم نیز مطابق روز، ساعت و زمان موافق، که معمولاً روزهای چهارشنبه و پنج شنبه صورت میگیرد. مطابق سنت و رواج مردم، یک یا دو روز قبل از عروسی، خانواده عروس زنان روستا را گرد هم آورده و محفلی را بنام همین مناسبت برپا میکنند و لباس های عروس مطابق سنت برش می کنند و بعد به دوستان، خویشاوندان و افراد شایسته ای که در مسلک خیاطی از شهرت خوبی برخوردار هستند، تسلیم میدهند تا به دوخت آنها آغاز نمایند و برای روز موعود و ا پس به خانواده عروس بسپارند. در زمانه های پیشین که مردمان دارای امکانات مالی چندانی نبودند، برای عروس 3الی 6 جوره پیراهن و پاجامه تهیه میدیدند اما اکنون رقم این موضوع به 10الی 15 نوع تکه های مختلف النوع رسیده است که نشان دهنده امکانات مادی و زندگی اقتصادی آنها است. زمانی البسه های عروس دوخته شدند، به یک جامه دان، صندوق و به اصطلاح شعنائی (بخدون) که معنی صندوق بزرگ را میرساند، گذاشته و برای عروس آماده می کنند. برش پارچه های مربوط به عروس، دارای رسم

وسنت ویژه است که باید همواره مورد رعایت قرار گیرند، بطورمثال مادامی که میخواهند پارچه های تکه مربوط به عروس رابه برش گیرند، آنها را در داخل غربال (غربیل) که به شغنایی (غلبیل) نامیده میشود، میگذارند و در داخل آن مقدار توت را نیز می گذارند که در حقیقت غربال بازتاب دهنده ثروت و سرمایه و فراوانی در محصولات و توت نیز بازتاب نمادین شیرینی، خوشی کامی و نشاط در زندگی انسان ها و مردم محل ای که دارای مشترکات فرهنگی و عقیدتی هستند، میباشد. باید گفت که مادر عروس نخستین شخص باصلاحیت و اختیار است که تکه ها و پارچه های البسه عروس رابه داخل غربال گذاشته و با ادای احترام در بیستروی زنان دهکده که منیث مهمان در خانه عروس حضور یافته اند، میگذارد و در صورت امکان یک کاسه مملو از توت و چهارمغز را بدست خود گرفته و بروی البسه ها میزیزاند تا نیت نیک شان از طریق اینگونه دعا و ثنا، برآورده شده باشد.

پارچه های یاد شده را زنی خوشبخت، نیکو صورت و سیرت، و دارای فرزند زیاد، که پدر و مادرش هنوز حیات باشند، پارچه ها را یک یک بیرون آورده و شیرینی های داخل ظرف را برسر عروس می پاشند. باید گفت که در خانه داماد هم تقریباً عین مراسم صورت میگیرد، اما با کمی تفاوت که داماد به آن نیاز بیشتری مانند عروس ندارد.

لباس داماد: در اواخر سده 19 و اوایل سده 20 پیراهن و تنبان (شلوار) داماد را از پارچه نخی مخصوص که به زبان شغنی (شوینچ) یاد میشد و از کشور های هند و پاکستان و ترکستان و چین وارد می شد و بعد ها در داخل افغانستان به ویژه کنذ، تخار، بغلان و درواز به بافت گرفته می شد، تهیه می نمودند، و برای داماد پیراهن سفید، عمامه و پای افزار چرمی سرخ رنگ که به شغنایی آن را (پخ) می نامیدند، بابت مخصوص ساخته و بافته از پشم گوسفند که به شغنایی (پخ بند) میگویند تهیه میکردند. مزید برآن برای داماد چکمن و یا چین تهیه میکردند و اطراف آستین های چکمن را گلدوزی می کردند و میگفتند این نقش و نگار آستین داماد باعث دور سازی، دیو، جن، و سایر موجودات سحر انگیز گردیده و داماد را در روز برگزاری مراسم عروسی و مسرت از همه آفات ارضی و سماری، مصون و در امان نگه میدارد.

لباس عروس: لباس عروس شامل رخت خواب، نوعی روسری سرخ رنگ، پیراهن اطلس (رشت کرته) که زمانی در میان مردم زیاد مروج بود، و همچنین نم که از پشم حیوانات ساخته می شد که نحوه تهیه و تدارک آن زیاد طولانی و تقریباً طاقت فرسا است، به ویژه برای قشر نسوان که مسولیت تدارک آن را بدوش دارند. که باید اضافه نمود که بعضاً خانواده عروس قبل از آنکه دختر شان به سن بلوغ خود برسد و برای ازدواج آماده شود، آنها قبل از قبل در تهیه و تدارک این وسیله که آن را نم گفتیم، اقدام می ورزند. در قدم اول باید پشم بیشتر از 50 الی 60 گوسفند را تهیه میکنند و بعد آن توسط کمانک خورد تمیز نموده، نرم و ملایم می سازند و بعد مقداری از آن پشم را رنگ میکنند. این پشم ها را در خریطه های بزرگ گذاشته و در جایی مصون و محفوظ جابجا می کنند و بعد زنان دهکده به ویژه همسایه های دور و پیش خود را به منزل دعوت نموده و به تهیه و تدارک نم که حیثیت فرش سنتی را دارد، اقدام می ورزند. پشم موجوده را روی آستانه خانه (نهخ) فرش نموده و روی آن آب گرم میزیزند، بعد پشم های رنگ شده را مانند گل و یا سایر گونه های نقش و نگار روی پشم های عادی قرار میدهند. برخی ها میگویند و شهادت میدهند که گویا در زمانه های نهایت قبل حتی نام عروس را بر روی این نم یاد شده می نوشتند و بعد آنرا به تهیه و تدارک میگرفتند. بعد آن خانم ها پشم فرش شده را در یک فرش قوی و ضخیم تر یا به اصطلاح وطنی گلیم (پلهس) پیچانده و بعد خانم های دعوت شده همه

به گونه دسته جمعی پشم لوله شده راکه در داخل گلیم گذاشته شده و توسط تار و تناب محکم بسته شده است، به زیر زانو های شان گذاشته و توسط آرنج های شان به حمایه زانو ها، به تابیدن و یا بهتر گفته شود، به مالیدن آن آغاز گرمی شوند. باید گفت مدت زمان تهیه نمد حدود شش الی ده ساعت را در برمیگیرد، و بعد از آنکه به پایه اکمال رسید آنرا بر روی سنگ ها بزرگ که بیرون از منزل در میدان های بزرگ سنگ زار، به زیر آفتاب قرآز میدهند تا خشک گردد.

کلچه پزی: باید گفت که دو یا سه روز قبل از مراسم جشن عروسی دوستان، خوشاوندان و همسایه ها دور و نزدیک بخاطر رسم کلچه و حلوا پزی جمع می شوند. خانواده عروس باید برای خانواده داماد، صد کلچه و مقدار معین حلوا در داخل یک کاسه چوبی که اکثرا به نام (رکیبی) یاد میشود تهیه میکنند و مادامی که عروس به طرف خانه آینده و دایمی خود حرکت میکند، آن چه را که در تهیه دیده بودند در منزل عروس همزمان با عروس انتقال داده میشود.

خبرسازی (جهیت چید): بادر نظر داشت شرایط زمان و مکان برای خانواده های منتظم کننده سنت و مراسم عروسی شرایط آگاه ساختن مردمان دهکده ها به منظور اشتراک در مراسم، هر دو جانب در نتیجه تفاهم مشترک با همدیگر، یک الی دو روز قبل از عروسی یک فردی از افراد دهکده را موظف می کنند تا مسولیت آگاه ساختن مردم دهکده را بدوش گرفته و همگان را باید در جریان قرار دهد. این شخص را "جهتگر" میگویند که معمولاً بچه های جوان و نوجوان را می فرستند تا خانه به خانه رفته و همه آنها را به عروسی دعوت نماید.

مادامی که این فرد به داخل خانه فردی داخل شود، عباره زیر را زمزمه می کن "سلام علیکم مهشنگ آتش" یعنی سلام بر شما و شما را برای نوش جان نمودن آش باقلا (باقلی) دعوت میکنم و صاحب خانه در پاسخ مذکور با اظهار این عبارت چنین میگوید "و علیکم بر سلام پینجینک خوشپه" یعنی ما میخواستیم اتاله (آرد داله) ارزنی بخوریم و به تعقیب آن مقداری آرد گندم را بدست راست خود گرفته و برشانه راست شخص دعوت کننده میریزاند و بخاطر دعوتش، چیزی را باید در اختیارش بگذارد که بنام مزد دعوت یا به زبان شغنائی (جهتونه) یاد میشود که میتواند شامل پول نقد، محصولات دستی، آرد، گندم، و غیره باشد.

جشن عروسی کوچک: این جشنواره و گرد هم آیی خود مانی فقط یک روز قبل از مراسم اصلی عروسی بزرگ، هم در خانه عروس و هم در خانه داماد گرفته میشود تا باعث جمع آمد خویشاوندان، اقارب و نزدیکان هر دو جانب گردیده و برای فردا باید برخی از وظایف را که عبارت از تمیز نمودن برنج، ریزه کردن پیاز، ذبح حیوانات برای مراسم روز بعدی، و سایر مکلفیت هارا در میان خود تقسیم نموده و برای هر شخص (همسایه) از طرف بزرگان قوم برای ایشان وظیفه ایی داده میشود تا در روز عروسی بزرگ کار خویش را انجام بدهند و افراد و اشخاص را توظیف می کنند و با رقص و پایکوبی مختصر خانه میزبان را ترک میگویند.

جشن عروسی بزرگ (کته سور): روز جشن عروسی بزرگ برای خانواده عروس و داماد بخاطر مصارف گزافش خیلی تشویش آوراست. صبح روز جشن بزرگ عروس را ملبس میکند، جوراب های پیشمی سرخ و سفید را برایش می پوشانند و هم در اطراف سرش تکه سرخ را که بنام سربندک یاد میشود بسته میکنند. بعضا لباس های استفاده شده عروس را به دوستان و خوشاوندانش در میان لباس های مستعمل شده عروس رابه تن کند در حقیقت به زودی و به خوبی به سوی ازدواج موفقانه میرود. بعد



یکی از زنانی که خوشبخت است، دارای فرزندان زیاد و خوش سیرت است موهای عروس را شانه میزند و بعد به موی ها سر عروس "کاکل بند سرخ ششله دار- آویزن دار" که بزبان شغنی آنرا "پیچک" میگویند را می بندد. باید گفت که گونه های ناهمگون آرایش و پیراهن زنانه ای که در دهات مروج است به ویژه در برابر موی سر، بافت ها زیبا، شکل و گونه های مقبول وطنی را به اجرا در می آورند. (شکل ۱۸)

به گوش و گردن عروس زیورات زیبا و گران قیمت و مهره های گردن به شمول انگشتر می پوشانند. در شغنان زمانی که برای عروس انگشتر می سازند باید از سنگ های ویژه انتخاب شود. زیرا این سنگ ها هر کدام دارای برازندگی و ویژه گی های خودی هستند. مثلا انگشتر با نگین یاقوت سرخ گفته میشود که باعث دوری هر گونه بیماری های میشود. انگشتر با نگین زمرد بازتاب نمادین بخت زنان است.

و یا هم میگویند اگر سنگ زمرد در بدن زن وجود داشته باشد فرآیند زایش فرزند را سهل و آسان ساخته و فراهم کننده اسباب خیر و برکت در خانواده میشود. همه داشته های عروس را به شمول زیورات اش بنام (انجام) که به شغنی آنرا "انجوم" تلفظ میشود یاد میکنند.

مهمان ها دعوت شده ها از طرف روز در خانه پدر عروس جمع میشوند. برای آنها بازی ها سنتی از جمله بزکشی (گچ تیزد) را ترتیب و تنظیم می کنند و همه گان را به این بازی که واقعا نهایت دلچسپ است دعوت میکنند. آنهایی که در این مسابقه برنده می شوند و یا از خود مهارت درستی را نشان دهند به آنها چکمن را که از محصولات محیط شغنان می باشد منحیث تحفه پیشکش میکنند. ثر بعضی از نواحی غیر از بزکشی مسابقه کشتی و یا پهلوانی را نیز به راه می اندازند. بعد از اشتراک کننده ها به خانه پدر عروس می آیند و مصروف صرف غذا های عروسی در هر جشن و در هر خانواده متناسب به شرایط و وضعیت زندگی اقتصادی آنها از هم متفاوت میباشد. هم زمان در خانه داماد نیز این جشن عروسی برگزار میگردد. دوستان و اقارب داماد او را غسل داده و بعدا وی بدوش نموده و داخل خانه می سازند یا در برابر اجاق میگذارند تا سرما خورده نشود و یا هم به جای معین دیگری در خانه قرار می دهند و به تعقیب آن با پوشاندن لباس های سفید که نماد صداقت و مصونیت فکری و خانوادگی است مراسم را ادامه میدهند و بعد از آن الی ختم عروسی و حتی برای سه روز داماد را شاه یا به گونه ساده (شه) میگویند.

سرتراشان : در ساعت زمان و مکان مناسب "شاه" را برای سرتراشان آماده می کنند و رسم سرتراشان را آغاز می کنند. روی داماد را بسوی قلبه کرده و بدنش را با تکه نومی پوشانند و سرسلمانی، سروصورت داماد را تمیز نموده و با تراشیدن ریش و کم ساختن موی سر که به اصطلاح محیطی (پریت) میگویند مراسم را ادامه میدهند و در این اثنا شخص سرتراش بعضا توقف می کند و میگوید که "تهغ" یا "پل" نهایت کند است و یا هم میگوید که آب سرد است تا از جانب دوستان و یا اشخاص دور و بر برایش پول و یا هدیه ای داده شود و باز دوباره شروع بکار می کند هنر مندانی محلی به سرایش:

شعر: امروز چه روز سر تراشان است سرک شه تربوز غیلان است میپردازند بعد آنکه موی سر داماد تمیز د لباس های داماد اش را که شامل چکمن سپید، دستار یا لنگی سپید، پای افزار چرمی به رنگ قرمز، پیراهن سپید ، دست کش پشمی رنگارنگ ، دستمال گلدوزی است، به کمک شخص موظف ای که بنام "پموکگهر" (ملبس کننده) می نامند، به تن می نماید. در وقت پوشاندن لباس شخص همکار همواره واژه های : لباس ها تنگ هستند، جوراب درست نیست، و سایر مسایل رایج آور می شود. تاجیزی را منحنی پاداش از والدین، دوستان، اقارب و خویشاوندان داماد، و مهم تر از همه، خواهران و برادران، بدست بیاورد. بعد آنکه داماد بالباس های دامادی اش ملبس گردید مهمان ها داخل خانه شده و ملای محیط به خوانش دعای ویژه که با مناسبت یاد شده وفق داشته و اکثرا به نام دعای سفر یاد می شود. به خوانش می گیرد. و بعد غزل سرایان به سرایش : (شاه ما در سفر است ، پادشاه ما در سفر است) باشاه حرکت میکنند. داماد قبل از آنکه از خانه اش برآید باید طرف دیگران یا تنور رفته و دو کنار آتشدان را به علامه تقدس تماس نموده با بوسیدن آنها میخواهد که از خانه بیرون شود. در این اثنا بدون تردید بوته خوشبویی را که به شغنایی "سترخم" می نامند و یک نوع بوته کوهی است مانند لوبان هندی، مشتعل بوده و همگان آنرا به علامه احترام بوسیده و بسوی دروازه حرکت می شوند باید گفت که این سنت بوسیدن دو کنار آتش دان را به شغنایی "زینگک دریافت چید" می گویند.

شاه(داماد): شاه و همراهان وی بعد از انجام این سنت عازم خانه عروس می شوند. هنگامی که داماد از خانه بیرون می شود الی هفت قدمی کسی نباید در جلو وی قرار داشته باشد. تا به اصطلاح محیطی، شخص شوم، نحس و بدبختی با شاه روبرو نه شده باشد. در این اثنا شاه را باید دو وزیر: وزیر دست راست و وزیر دست چپ همراهی کنند و داماد را به خانه عروس می رسانند. در زمانه های سابق وقتی که شاه سوار بر اسب به خانه عروس روانه می شد. وزیران وی نیز سوار بر اسب به دو طرف او قرار میگرفتند.

مادامی که شاه بطرف خانه عروس روانه می شد جوانان دهات راه رفت و آمد داماد و همراهانش را بسته نموده و میخواستند پاداشی بدست بیاورند و با خواندن این دعا: "دوام دولت پادشاه به دم گرم شاه اولیا و اوصیا، تیغش برا زبانش گویا دشمنانش زیر پا" که با واژه آمین همراهی می شد راه را باز میگذاشتند و هر قدری که راه طولانی تر می بود امکانات این چنین حرکات بیشتر به نظر می رسد.

قافله داماد با خوانش سروده "شاه ما آمد ، پادشاه ما آمد " وارد خانه عروس می شوند. داماد و همراهانش در خانه عروس در ابتدا با چای و شیرینی و بعد با خوراک دیگری که به شغنایی آنر (قماچ تریت) که بنام فارسی آنر نان مالیده با روغن زرد میگویند. مورد پذیرایی قرار میگیرند و بعد خوراک سنتی را به همگان به سفره میگذارند.

مراسم بستن نکاح: مراسم تشریفات نکاح بعد از خوردن غذا آغاز میشود. نکاح دوشیزه ها معمولاً از طرف روزبسته میشود تا داماد و عروس بتوانند زود تر به خانه اصلی شان برسند اما اگر عروس قبلاً ازدواج نموده است نکاح او در پیشین یعنی بعد از نشست خورشید بسته میشود. و این مسئله تاحدی بامسایل سنتی و برخی نظریات آغشته است که گویا یک نوع تفکیک و شناخت از سابقه عروس نیز است. مراسم نکاح را ملای موظف و ندرتا خلیفه محل که شخص روحانی است، به پیش میبرد. در آغاز یک کاسه چوبی در برابر نکاح خوان گذاشته میشود که در داخل آن یک دانه نان فطیر گوشت ران گاو و یا گوسفند و یک کاسه آب که در داخلش توته های گوشت و ریزه ها نان ریخته شده است. در (شکل ۱۹) فرآیند بسته کردن نکاح توسط یک تن نکاح خوان یک وکیل و دوتن از گواهان که یاری رسان برای شخص نکاح بسته کننده هستند صورت میگیرد. وکیل بعد از خواندن دعا ظرف آب نکاح را به نزد عروس که در جای دیگری دور از نظر سایر مهمانان قرار دارد می برد. در این اثنا اگر دایه و یا عمه عروس شیر بها را نگرفته باشد وکیل را اجازه ورود به اتاق عروس نمیدهد و جلو وکیل قرار میگیرد و حق شیرباشیر بها را می خواهد. مادامی که دایه و یا عمه عروس حق شیر را گرفتند و یا شخص حق شیر دهنده عهده دار پرداخت آن شد و به وکیل اجازه داده میشود که با ظرف آب نکاح نزد عروس برود. وکیل باید رضایت عروس را برای بستن نکاح بگیرد و در صورت ابراز رضایت عروس باید از داخل ظرف نکاح یک توته گوشت و پارچه ای از نان و هم کمی از آب را از ظرف گرفته نوش جان نماید. بعد آن وکیل دوباره نزد نکاح خوان آمده و در حضور داشت دوتن از گواهان ابراز رضایت عروس را برای نکاح خوان و داماد اعلان میدارد. بعد از این دوگواه ابراز نظر و شهادت وکیل را تایید نموده و نکاح خوان به خوانش خطبه نکاح آغاز می کند. بع از به سر رسانی فرآیند نکاح دوجفت آینده عروس و داماد به همدیگر دستمال میدهند که باعث استحکام پیوند این دوجفت آینده گردد و هر دوی آنها باید الی آخر مرحله زندگی شان بدی ها خوشی های روزگار را مشترکاً میان خود تقسیم کنند. بعد از ختم نکاح یک تن از زنان ای که قرابت بیشتری به عروس را داشته و دارای فرزندان زیاد است و در عین زمان پدر و مادرش هم زنده هستند. عروس را آرایش میکند.



اولاً بر سر عروس میوه های خشک و شیرینی را پاشانیده لباس های عروس را که در هنگام مراسم جامه بران تهیه شده هستند. به عروس پوشانند و در عین زمان جهت بوی خوش بوته کوهی را نیز مشتعل می سازند. بعد از آنکه لباس عروس را برایش پوشانند. عروس نوک انگشتان دست راست خود را برای سه بار به کنار آتشدان تماس داده و برپیشانی اش مالیده و می بوسد.

(شکل ۱۹)

سپس عروس و داماد هر دوشترکا به نزدیک آتشدان آمده کمی خاکستر را گرفته به داخل پای افزار های خود میریزند تا از آفات زمینی و آسمانی در امان باشند. پس از انجام این رسم داماد و عروس یک جا با مهمانان و اشتراک کننده های مراسم عروسی با نواختن دف، چنگ و نی و سایر وسایل موسیقی با سرایش آهنگ های محلی عازم خانه و کاشانه داماد میشوند. عروس و داماد را داخل خانه ساخته و جای ویژه ای که برای شان در صفا بزرگ خانه که به شغنائی آنرا "شه شن نهخ" میگویند در نظر گرفته شده است قرار میدهند. هر دو عروس و داماد هنگام نشستن سعی میورزند تا یکی زورتر و دیگری دیرتر بنشینند زیرا می گویند و باور دارند که گویا هر کسی که زود تر به زمین نشست آن فرد نسبت به شخص دیگر قوت و حاکمیت کمتر در زندگی مشترک آیند خواهد داشت از این سبب هر دو برای این مسئله در سعی و تلاش قرار میگیرند تا یکدیگر را در تغافل قرار دهند. در خانه داماد سنت دیگری نیز صورت میگیرد و آن عبارت از این است که یک تن از افراد در ستکارشایسته و دارای پدر و مادر باید روی عروس را که با چادر ویژه پوشانده شده است با ابراز واژه سه پدر و سه مادر برای سه بار توسط وسیله ای که به نام کمانک یاد میشود بر میدارد و در حقیقت صلاحیت پدر معنوی را پیدا میکند و گفته میتواند که من (پدر معنوی) نیز شامل پدر و مادر تو هستم و برای آیند پدر خوانده "پد" و خانمش مادر خوانده یاد میشود. بعد آن مطابق سنت خویشان عروس طفل خورد سالی را روی زانوی عروس میگذارند تا این دوجفت در آیند صاحب فرزندان زیاد شوند. بعد آن نان را با روغن زرد مالیده برای داماد و عروس میخورانند و معنی آن این است که زن و شوهر در آیند در زندگی زنا شوهری شان باید اختلاط یابند و دارای زندگی شیرین و پر از مزه شوند. پیش از آنکه غذای اصلی را پیش روی عروس و داماد بگذارند. کاسه غذای آنها را دور ستونی به نام "شاه ستون" یاد میشود دور میدهند و بعد در برابر این دو جفت میگذارند تا با نوش جان کنند. صرف خوراک و اقوات (جمع قوت) پدر و مادر، خویشان و دان، همسایه ها تحفه ای را برای عروس میدهند که بنام "روی بینک" یاروی نمایی میگویند. حتی در این هنگام برخی از زنان دهات نیز بخاطر دیدن عروس می آیند و با خود تحافی را نیز می آورند.

کهل زنده (سرشویی): سنت است که باید بعد از سپری شدن هفت روز از مراسم عروسی برگزار شود. در این وقت پدر و مادر عروس با پدر خوانده عروس و همسرش (اگر زن نداشته باشد با مادرش و یا یک تن از زنان خانواده اش) به خانه داماد میروند و هر کدام شان برای عروس هر چه که لازم باشد به ویژه مسایل و وسایل آرایش و پیرایش منحیث تحفه پیشکش میکنند. در خانه داماد ضیافتی ترتیب و تنظیم میگردد و همه مهمان ها در ازراف سفره خانواده گرد هم می آیند و بهم صرف طعام نموده و کسب آشنایی میکنند. خانواده شاه مطابق امکانات و سنت محیطی شان برای پدر و مادر عروس به شمول پدر خوانده اش تحایی را نیز تقدیم میکنند. و بعد از مدت زمانی که لازم است همه مهمانان خانه شاه را ترک گفته و با همگان خداحافظی نموده و برای عروس و داماد زندگانی پر از محبت، دوستی، همدیگر فهمی و ایجاد فضای درست خانوادگی دعا و ثنا را نثار میکنند. (پیکار)

۲-۴- خانواده

واحد اساسی در جامعه سرزمین پامیر یا بام دنیا بزرگترین فرد خانواده ریس خانه میباشد مانند پدر متباقی زیر امر پدر اجرای فعالیت میکنند. اما در این ساختار زنان نقش جداگانه دارند که بزرگترین خانم خانواده ریاست زنان خانه ره بیش میبرد زن در امور خانه فعالیت میکنند و مرد بیرون از خانه به حیث نان آور خانه است. تعداد انسانهاییکه در یک خانه زندگی میکند مربوط هر خانواده میشود و مربوط به رهبریت و مدیریت درست تعلق دارد و در بعضی مناطق مربوط به مجبوری اعضای خانواده هم میشود که مکانی برای زندگی کردن جداگانه نداشته باشند چند نسل باهم زندگی میکنند.

ولی در شرایط فعلی کمتر این موضوع قابل تحمل است. زمانی که اعضای فامیل یک نسل هم زیاد شود جدا میشوند اما با وصف این در یکی از قریه های شغنان بطور مثال یاد میکنم که سه نسل در یک فامیل زندگی میکنند که این امر مربوط به محبت و علاقمندی خانواده است. در یک خانه خانواده یک شخص از ۱۰ نفر بیشتر باشد و هر ده متایل هی باشند پدر و مادر شخص هم زنده باشند ریاست خانه متعلق به پدر و مادر شخص است پدر فرزند خود و نواسه هایش را ریاست میکنند و خانمش ریاست زنانها خانه در امور کاری خانه تنظم توسط زنان بطور ذیل است. ریس خانه برای زیر دستان خود وظیفه می سپارد. مثلاً تربیه حیوانات را برای یکی بخت و بز به دیکه کلید گنجینه را برای یکی به این ترتیب همه امور خانه را تنظم میکند و مردهم تمام زیر دستان خود پسران و نواسه هایش به دهقانی مالدار و شغلای دیگر تنظم می کند.

۲-۴-۱- جمعیت و بعد خانواده

هر خانوار میانگین ۱۲ تن می باشند قریه سه نورگ تا ۱۲ سال پیش به تعداد ۴۰ خانواده زندگی می نمودند اما در سال ها اخیر با رشد جمعیت این قریه به ۷۰ خانواده می رسد. با وجود این هم در هر خانه به تعداد ۹ و بیشتر از این زندگی میکنند در این سرزمین بیشترین برادران با هم زندگی میکند با وجود اینکه تعداد جمعیت شان هم هر قدر زیاد شود باز هم میخواهد با یک دیگر زندگی بکن تا یک خانواده خوب تر و از همه بهتر بسازند. هر برادری میخواهد به برادر دیگر خود زیر یک چت زندگی کند. و در کل این قریه نشان دهنده رشد جمعیت را داشته اند.

۲-۵- روابط همسایه گان

شریک، قوم خانه (همسایه) واژه های میباشد که در مناطق کوهستانی افغانستان (پامیر) بکار می برند. همسایه گان روابط خوبی به همدیگر دارند. این روابط طوری میباشد که بزرگان گفته اند که غم همسایه را غم خود و شادی همسایه را شادی خود می داند. در مراسم عروسی و فوت یکی از همسایه گان همه کارها به دوش همسایه گان قریه مربوطه می باشند. در مناطق شغنان زمین کارها دسته جمعی صورت میگیرند و اهالی هر قریه توسط کارهای دسته جمعی در قریه فعالیت میکنند. مانند حشرهای عمومی، کارهای عروسی، کمک ها مالی و دادن ابزار کار برای یکدیگر و غیره.

پایه اجتماعی بیشتر همسایگی است چون خوشیان دورند ولی همسایه نزدیک همیشه در پهلوی هم دیگر اند مثل همسایه نزدیک بهتر از برادر دور مصداق این امر است.

۲-۶- ساختار اجتماعی (میرها، سیدها، شه ها ، اعوام)

۲-۶-۱- **میرها:** میرها با همان خان ها که در مناطق کوهستانی پامیری (شغنان) زندگی می کنند. میرها دارای زمین ها زیاد میباشد. میرها این مناطق خود در طبقه اشراف می گفتند که این خان ها دارای چندین دهقان (خدمت کار) بودند. ولی امروزه اینها به مانند مردم ها عادی زندگی میکند چون دیگه مثل خان های سابق کسی به آنها نیازی ندارد. خانه ها میرها یا همان خانه ها هم مانند خانه مردم عادی میباشد اما با اندکی تفاوت که خان ها چون مهمان دار بودند خانه هایش کلانتر نظربه سایل خانه ها اما بدون تفاوت معماری چون معماری شان یکی بود.

۲-۶-۲- **سیدها:** سید ها این مناطق کوهستانی خود را از نواسه های امام زین العابدین امام چهارم شیعیان می شمارد این سیدها از نظر قیافه با مردم دیگر فرقی ندارد اما طرز زندگی شان متفاوت بود یعنی بیشترین زندگی و رفتار شان با سیدها بود. چون این سیدها در زمان ها پیش خود را از نواسه ها امام زین العابدین میگفتند مردم برای شان احترام داشتند. اینرا نمیگویند سیدها دخترشان را به بچه سید بدهند نه فقط سید ها میتواند دخترخویش را در نکاح خانها یا بچه ها دهفانان در آورند.

۲-۶-۳- **شه ها:** یکی دیگه از ساختار ها اجتماعی در این سرزمین (شغنان) شه ها بودند و تعداد این اقوام خیلی کم بوده ولی رقابت شان با میر ها بوده زندگی شه ها از همه اقوام یا ساختار اجتماعی دیگر بلندتر و خوبتر میبود و خانه ها شان با همان معماری میرو سیدها و مردم عادی میبود و بیشتر خانه شان کلان و با فضاها بازتر و مانند قلعه بودند.

۲-۶-۴- **عوام :** پایین ترین کسی هایکه در این روستا زندگی میکردند این طبقه بود که از نظر اقتصادی که تقریباً 70 فیصد آنها دارای زمین خیلی کم و 30 فیصد آنها دارای زمین نسبت خوب داشتند زندگی می کردند. ولی ساختار زندگی شان در حدی خوب است. مثلاً: خانه ایکه همان شه ،میرو یا همان سیدها می ساختن همان خانه را هم همین رایت می ساخت با همان معماری ولی به اندازه کوچک تر می ساخت.

۲-۷- اعیاد و آلات موسیقی

اعیاد اصلی مردم روستا پامیر ، عید نوروز ، عید قربان، عید فطر می باشد. ولی ولادت حضرت محمد (ص) ، حضرت علی (ع) و امام چهل و نهمین را جشن میگیرد.

۲-۷-۱- فرهنگ نوروز در شغان بدخشان

مردم شغان نوروز را عمدتاً سال نو میگویند و از آن با احترام خاص استقبال می‌گیرند. نوروز را در منطقه با نام شاگون، خیدیر ایام، جشن بزرگ و یا جشن بهار نیز یاد میکنند و آماده‌گی به استقبال آن زمان طولانی را در بر می‌گرفته است. در حال حاضر تجلیل نوروز در ولسوالی شغان سه روز را در بر میگیرد. در انتظار "ساعت سعد" نوروز زمانی گرفته میشود که شب و روز برابر میشوند در تقویم محلی که "آفتاب در مرد" نام دارد. آفتاب از دیگر عضوها بدن حرکت کرده به مقام دل میرسد که از همه گرم‌تر و محض در همین دوره دانه در زمین ریخته میتواند، سبزش پیدا میکند. هر چند مردم فرا رسیدن نوروز را میدانند ولی برای مشخص ساختن تحویل سال به خلیفه یا ملا قریه مراجعت میکند. خلیفه بر اساس کتب نجوم ساعت و لحظه فرارسید نوروز را به اهل ده اعلان میکند. هدف اصلی ساعت پرسی از جانب ساکنان ده، جلوگیری از ساعت یا روز نحس و استقبال از نوروز در روز ساعت سعد" بوده است. خلیفه با اعلان ساعت سعد" به مردم بستن و آماده کردن "ویدیرم" (جارو) و خانه پاکی را نیز اعلام میکند.

روز اول نوروز:

غذای نوروزی شاید مهمترین چیز باشد. صاحب خانه صبح بروقت از خواب بر خواسته همه را بیدار میکند. خورد وکلان تا بر آمدن اولین نورهای آفتاب از خواب میخیزند. پس از "شاگون بهار مبارک" کدبانو؛ سنت خانه تکانی آغاز میشود. معمولاً صاحب خانه و کدبانوی خانه، آرد خمیر کرده به آماده کردن نانهای. مخصوص نوروی که قماچ qamach نام دارند. این نانها از چهار مغز؛ توت، و آرد بدست می‌آیند. سپس آنها را در آتشدان با خاکستر گرم میپوشانند. آتشدان را معمولاً برای این کار مردها روشن میکنند. بعد چای صبح مرد خانه رستنی مخصوص که از کوه ها چیده است، گرفته و بیرون میرود. در بیرون او دو نوع جارو را میندد، یکی را که چوب دسته دراز دارد "سوار جارو" مینامند، و دیگری بی دسته "پیاده جارو" نام دارد. وقتی جاروی ها در بیرون آماده میشوند، صاحبخانه از بیدی دو شاخه حتماً جفت باشد، گرفته جاروها را در دست گرفته در خانه میدراید و میگوید، "شاگون بهار مبارک" صاحبخانه زن در استانه در خانه استاده به کف او گرد آرد میپاشد و میگوید "بروی شما مبارک" از این جا سنت خانه تکانی شروع میشود. در این لحظه ها در آمدن کسی در خانه ممکن نیست. بلاخره خانه و فرش خانه را تازه پاکسازی میکند. وقتی خانه کاملاً پاک شد صاحب خانه به گلکاری خانه مشغول میشود، او در دیوارها و ستون های با دستش و در چهارخانه اتاق که بلند است با شکلی که در چوب دسته بسته شده است گل میپرتابد. و گلهای دیوارها و شفت خانه از آرد سفید پرتافته میشود. در شغان سه نمود گلهای آردی نوروزی معمولاً صاحب خانه زن با پنجه دستش گشاده در آرد انداخته سپس در دیوار یا ستون خانه میزند بعد این عمل پی دستش میماند. گل دوم توسط طاقی و گل سوم توسط از چوب دایره شکل، در مراسم خانه تکانی خورد تا بزرگ شرکت میکند. این گلها بیشتر به آفتاب شباهت دارند، وقتی پاکاری انجام میشود صاحب خانه زن چنگ و غبار پارساله را در تشتی جمع آورده از درون صدا میکند که همه از پیش راهش دور شوند.

وقتی از خانه بیرون آمد کسی از پیش رویش نبراید، زیرا امکان دارد از این کدورت به آن آدم آفت برسد. زن کدورت پارساله را در یک جای پناهی پرت کرده سپس آبازی کرده بعداً لباس تازه و عیدانه را در بر کرده به خانه می‌دراید و در لعلی آرد گرفته منتظر خانواده اش می‌شود تا این زمان اعضای دیگر خانواده در بیرون پلاس و نمد را خوب میتکاند، و خوب پاک‌شان میکند. زمانیکه پاکسازی خلاص شد اهل خانواده یکتایی فرش یا ظرف و یا چیزی دیگر در دست به خانه می‌درايند در دست هر



(شکل ۲۰)

یکی آنها شاخه بریده است پوست آن از هر طرف کارت زده شده و بالا خمیده زده شده است و آن باقلا پرگل را بخاطر می‌آورد هر یک از آنها وارد خانه شده صاحب خانه زن را با آمدن. بهار نازنین تبریکباد میگویند. صاحب خانه سر کتف آنها گل آرد پاشیده نیز تبریکباد میگوید. باگذشت بعضی رسم و رواج دیگر میرسد "به عید طلبان" شب نوروز رسم "کلا غوز غوز" این رسم رسم عید طلبان است در این روزها حتی کسی از کسی دیگری دخترش را خواستگاری میکند.

و یا اسپ، برز هگاواش بخواهد و کسی حق ندارد رد کند. بسیاری از جوانان که عاشق دختر میشوند و به پیروزی خود کمتر باور دارند محض امید شان را به همین روز فیروز مینندند "عیدی طلبان" فرصتی برای جوانان عاشق است زیرا والدین دختر به خواستگاری در این زمان رد نمیکند. رسم این طور است. طلبنده وقت شام بالای خانه کسی که می‌خواهد از او چیزی طلب کند می‌یراید و رویمالی را داخل خانه میکند این ابیات را میخواند:

(شکل ۲۱)



نوروز شد و لاله خوش‌رنگ برآمد
 بلبل به تماشای دف و چنگ برآمد
 مرغان هوا جمله بکردند پرواز
 مرغ دل من از قفس تنگ برآمد
 روز نوروز است و عالم سبزه زار
 زنگ دل را میبرد بوی بهار
 ای پدر بز خیزو نوروزی بده
 تا ترا رحمت کند پروردگار
 باجک بیا کر کر بکن
 روغن بیا شر شر بکن
 طاقی بیا بر سر بکن
 شاگون بهار مبارک

از پایان صاحب خانه مطلبش را میپرسد. شخص طلبنده هر چه خواست صاحب خانه ناچار است رضایتش را دهد.

روز دوم نوروز "

بام بریان" یا دشید نختید:

در این روز مردم ناحیه در یکی از بامها جمع میشوند و هر کس به توان خود غذا را آماده و با خود میآورد و این مردم تماماً باهم غذا را نوش جان میکند. بعد از صرف طعام رقص و ساز شروع میشود که در تمام اهل شرکت میکند و کودکان مصروف بازی خود میباشند.

در شب روز دوم تمام خانواده غذای را بنام باج را آماده میکند، برای پختن باج بهترین گندم را آماده میکند گندم در بلبلا سنگ کوفته شده، کوفته های درشت از نرم جدا میشود و همچنان کله پاچه با این باج حتی است. وقتی شب فرا میرسد، برای پختن باج مرد خانه با سطل برای آب میرود. از روی تصورات مردم شغنان این مرد طوری آب را آورد که کسی از همسایه یا رهگذر او را نبیند. صاحبخانه زن دیک را روی آتش میماند و گوشت و کوفته گندم درشت را در دیک میاندازد. تا به جوش آمدن باج برآمدن کسی از خانه ممکن نیست. وقتی دیک باج به جوش میآید، مرد خانه بیرون میرود او در بیرون از درخت میوه دار شاخه ای را گرفته به خانه میآید و به همه گی "شاگون بهار مبارک" میگوید و شاخه را به آتش دان میپرتابد. باج را تا دیر جوشانده سپس در کوزه کلان گلی میریزد و کوزه را درون آتش دان بالای لخچه ها میماند. باج نرم تا صبح میجوشد، صبح قبل از به ظرفیت کشیدن باج مرد از خانه بیرون میآید و وقت بازگشت، زمانی شرفه پای او از پشت در شنیده میشود، صاحب خانه زن میپرسد، گفتگو به زبان فارسی انجام میشود، (شکل ۲۲)



کیستی ؟

منم اعطار

چه بار کردی ؟

اشتر به قطار

چه آوردی ؟

غله بسیار

از کجا آوردی؟

برکت زیباک و اشکاشم

باز چه آوردی؟

نمک کلوگان

بعد این خانواده همدگر بکر را تبریک و شاگون بهار مبارک میگویند. و به دستار خان مینشیند.

روز سوم:

اگر سال کم برف باشد در روز سوم نوروز کوهستانیان بدخان (شغان) معمولاً جشن دهقان را استقبال میگیرند.

این جشن ادامه نوروز بوده ویژه گی ها خود را دارد. مردم ولسوالی شغان نوروز را از دوستداشتی و محبوب ترین جشن های ارزیابی میکند.

۲-۷-۲-آلات موسیقی

اگر به آلات موسیقی پامیری نظر به اندازیم خیلی ها سنتی و بومی میباشد که از جمله ، دف، دمبوره ، رباب ؛ غزیک، اسپک، نی یا توله و غیره میباشد . (شکل ۲۴-۲۵)

که از این آلات موسیقی در عروسی سنت ها فرهنگی محفل ها و غیره مورد استفاده قرار میگیرد. امانکته مهم است پامیریان در هنگام عروسی یا عقد نکاح شان چه سید ها ، خانها ، عام مردم باشند عروسی شان یکی است



(شکل ۲۵)



(شکل ۲۴)

۲-۸- ویژگی های سیاسی - اجتماعی روستا

نهاد های سیاسی اجتماعی روستا ها شامل شوراهای همبستگی ملی که توسط وزارت احیاء و انکشاف دهات ساخته شده است. ملا های، قریه دار ها، ریشسفیدان میباشد. بزرگ ها قریه یا روستا از نظر اجتماعی ملاها قریه دار ها و ریشسفندان میباشد که اختلافات احتمالی در روستا ها را بر طرف می کند. اگر این اختلافات توسط این اشخاص حل نشد میتواند در مرحله بعدی به ولسوالی مراجعه کند. مکان برگزاری این گونه نشست ها در جماعتخانه یا هم در خانه بزرگ ها و یا در خانه خود همان اشخاص قریه برگزار میشود.

۲-۹- معیشت روستا - کشاورزی و دامداری

۲-۹-۱- کشاورزی

ولایت بدخشان از نظر هوا سرد سیر بوده و برف ها سنگین تمام صحرا ها و کوه و دره های آن را می پوشاند که حتی رفت و آمد مردم در فصل زمستان در بسیاری از مناطق بخصوص در ولسوالی پامیر به کندی صورت می گیرد و در بعضی نواحی آن شش ماه و یا هم بیشتر از آن زمستان میباشد وزیر پوشش برف سنگین قرار دارد. در اثر سرمای شدید و برف سنگین آن بعضی از مناطق زراعتی شان به ثمر نمی رسد و حتی علف های بیابان از سرمای مسوون نمی مانند و در برخی از مناطق پامیر مانند واکان، یک منطقه از شغنان (شیوه) که در تابستان هم برف وجود دارد.

در ولایت بدخشان آن چه رونق دارد و بیشتر مردم ما روی آن تکیه می کند کشاورزی و زراعت کاری است بیشترین کشاورزی این منطقه گندم، جو، لوبیا، جواری، باقله، کچالو، ارزن، و غیره بصورت دایمی و آبی صورت میگیرد. سرانجام مواد غذایی خود را تامین و نیاز های اولیه خود را از این طریق تهیه میکند.



ولسوالی شغنان یکی از ولسوالی ها بدخشان کوهی می باشد که زراعت بشکل سنتی همان گندم، جو، جواری، باقله و ارزن بشکل دایمی و آبی زرع میشود. که با گاو ها نر قلبه میکند.

قولبه: قولبه یکی از سنت ها قدیمی است که برای کشاورزی و زراعت میباشد قولبه در ولسوالی شغنان قسمی است که دو جوار گاو نر را باهم با ابزار شان میبندند. (شکل ۲۶)

گاو ها را در یک روز خاص ایکه بعداز نوروز در روز دهقان که این روز را مردم پامیر بنام (شیج ز وسیت) یاد میکند واین گاو ها را با نان هاخاص به سر زمین میبرند و از این روز تجلیل میگیرند.

گاو ها را قسم جور میکند. که شاخه ها آنها را اول میشیوند و بعد آنها را با روغن زرد و سیاهی دیک را گرفته سیاه میکند تا کمی شاخه ها آنها به قول بزرگان نرم تر شود که در هنگام قولبه کدن میده نشوند و در این روز هر ناحیه یا هر روستا چند خانه ایی در یک جا با گاو ها شان جمع میشوند و هر نفر از خود یک دانه گاو نر دارد. صاحبان این گاوها را با همدیگر همسایه ها خود جوره میکند تا به نوبت قولبه نمایند. این روز را یکی از ریش سفیدان روستا شروع به پاشیدن گندم میکند و میگویند .

بسم الله الرحمن الرحيم الله اوم یا مولانا یا حضرت بابا دهقان از یک دانه هزار دانه از هزار دانه بیشماره نصیب حلال خور به سال آیند گردان و نفر دیگه شروع به قولبه میکند. بعد از این روز دیگه روزها کاری دهقانان شروع میشود.



(شکل ۲۸)



(شکل ۲۷)

وسایل قلبه را میتوانیم نامبرد که عبارت اند از: یاغ، اسپارن، فلو هیواد، تجریک، سپین، قطلمه، ماله، و غیره میتوانیم نامبرد.

۲-۹-۲- دامداری

مالداری (نگهدار گاو ،گوسفند، بز، اسب، خر) در مناطق کوهستانی پامیر (شغنان) در درجه اول قرار



دارد و نگهداری گوسفند را میتوانیم از اهمیت ویژه برخوردار باشد و شاید خدمتوسط و میانگین نگهدار گوسفند و بز در هر خانواده در حدود بیست گوسفند یا بز باشد. پرورش گاو ها را میتوانیم به درجه بالایی تعریف نمود. و منافع زیادی در وجود گاو ها نهفته است علاوه از فروش آن میتوانیم از بهره گیریها بطور اجمال می پردازیم روغن زرد، تولیدات لبنیات از قبیل دوغ، ماست، چکه، شیر، قروت، و قیماق که از شیر گاو ها نشانه می گیرد.

(شکل ۲۹)

۲-۹-۳- صنایع

با توجه به اینکه ولایت بدخشان ظرفیت بالایی در ایجاد برخی از صنایع مانند: صنایع تبدیلی غذایی، صنایع ماشینی، صنایع ساختمانی و غیره دارد. (شکل ۳۰-۳۱-۳۲)

اما تا کنون اساس هیچ نوع صنایع مایشنی در این ولایت گذاشته نشده است. از این رو مردم روستا ها ما ناچار در این مبحث تنها از صنایع دستی این ولایت اشاره نمود. صنایع دستی از گذشته ها نقش تعیین کننده و مهمی در معیشت مردم داشته و عده ای از ساکنان این ولایت به علت محدود بودن بخش کشاورزی و بیکاری فضلی ناشی از آن کوشیده اند تا از امکانات موجود و مواد اولیه که در طبیعت در



اختیار آن قرار داده است، بعنوان وسیله ای برای تامین نیازها اولیه در آمد بیشتر و تمرا معاش استفاده کند و برای تولید محصولات دستی از جمله: شال، گلیم، نمد، قالین (پلاس) جاکت، واسکت، کرتی، جوراب، گلدوزی، خامگ دوزی و غیره که این صنایع ها دستی بیشتر در روستا پامیر بدخشان (شغنان) یافت میشوند و بیشتر این کارها صنایع را زن ها تشکیل میداد چون زن ها این

روستاها در زمستان و تیرماه بیکار هستند میتوانند تا در این کارها خود را مصروف نمایند. گلیم نمد یکی از مشهورترین صنایع دستی روستاها شغان میباشد.

تولیدات دیگری که از آن در صنایع چوب تراشی استفاده فراونی می گردداز تولیدات مهم اقتصادی در صنایع دستی بشمار می آید که قسمت عمده آن توسط مردان تولید میشودآن صنایع عبارت است از: بوتها (کفک)،کاسه ها،قاشق ها چوبی که برای خوردن آش از آن استفاده میشود،قفس ها کبک ها، که با نقشه ها مختلف که چوب ها چارمغز و بیدها سیاه بوجود میآید. در زمان ها قدیم بیشتر از این صنایع استفاده میشد که تا حالا هم از این ابزار استفاده میشود.



(شکل ۳۲)



(شکل ۳۱)

۲-۱۰- ویژگیهای منطقه خاص روستا

۲-۱۰-۱- مکان روستا

علت قرار گیری این روستا (قریه) روی زمین زراعتی و روی زمین هموار قرار گرفته است به دلیل این که تسلط داشتن روی زمین های زراعتی و نداشتن مکان مناسب در دامنه کوه ها میباید که کوه ها این مناطق بیشتر سنگی و شیب تند دارد که امکان آمدن برف کوچه در زمستانهای و برف زیاد می



بارد و در بهار امکان سیلاب و سنگ پر را دارد، ولی محدود زمین های در دامنه کوه ها وجود دارد. که بتوان روی آن خانه ساخت ولی خانه سازی روی این زمین ها صاحب آن زمین نمیتواند دست رسی آسان به زمین ها زراعتی خویش داشته باشد. (شکل ۳۳)

دلیل عمده که برای قرارگیری این روستا ها میشود وجود چشمه ها چشمه ها میتواند عدم تجمع در یک روستا باشد.

۲-۱۰-۲- وجود چشمه ها

چشمه های خروشان که در این روستا (قریه) وجود دارد که در هر کیلوی متر یا کمتر میتوانیم گفت که این چشمه ها در سالی که سیربرفی و باران باشد این چشمه ها زیاد و تمام زمین ها زراعتی را آب



بیاری میکند ولی در بعضی از سالی که به گفته مردم قریه خشک سال باشد چشمه ها کم شده و زراعتی خویش را کشت نمیکند. این چشمه ها از دامنه کوه ها سرچشمه می گیرد. و در هر قریه بیشتر از سه یا چهار چشمه وجود دارد میکند. (شکل ۳۴)

۲-۱۱- مکان یابی روستا

(شکل ۳۵) فاصله روستا مورد مطالعه را از مرکز ولسوالی شغنان را نشان می دهد. این در ۵ کیلومتری ولسوالی شغنان به طرف جنوب قرار گرفته است . (شکل ۳۷) مورد مطالعه میباشد . که در (شکل ۳۶) موقعیت قرار گیری ولسوالی شغنان را نشان می دهد.



(شکل ۳۵)



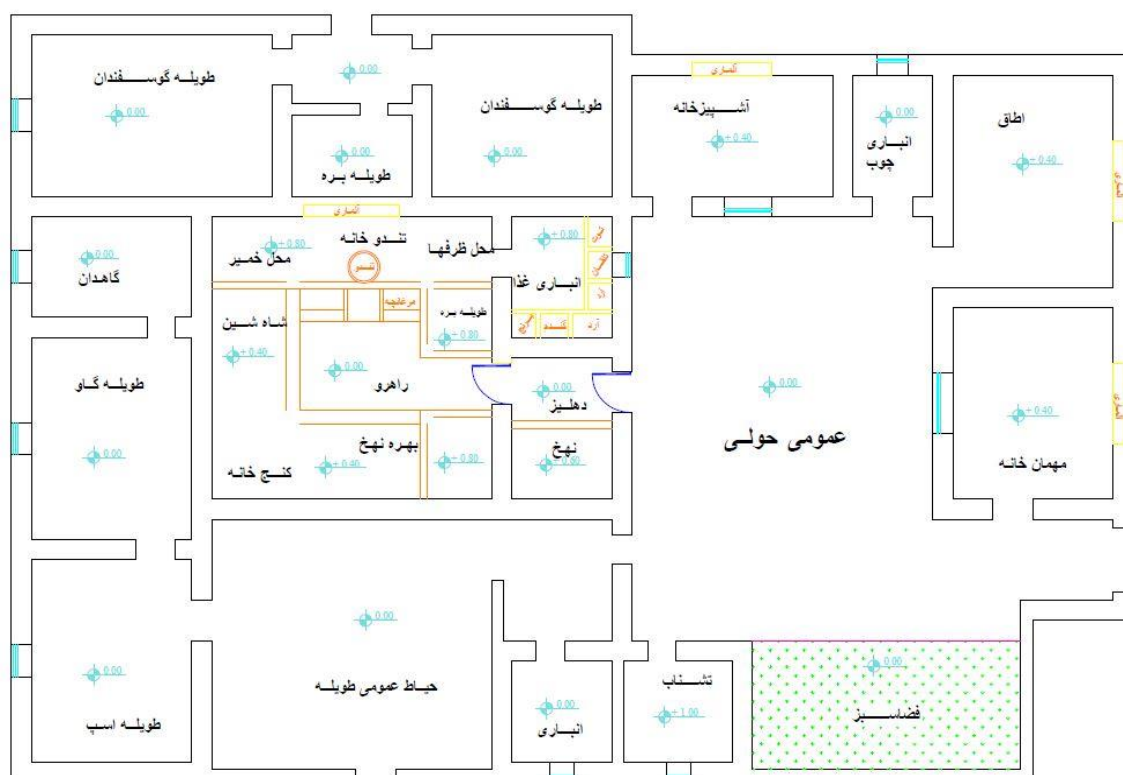
(شکل ۳۷)

(شکل ۳۶)

معماری روستا

۳-۱- عناصر فضایی معماری

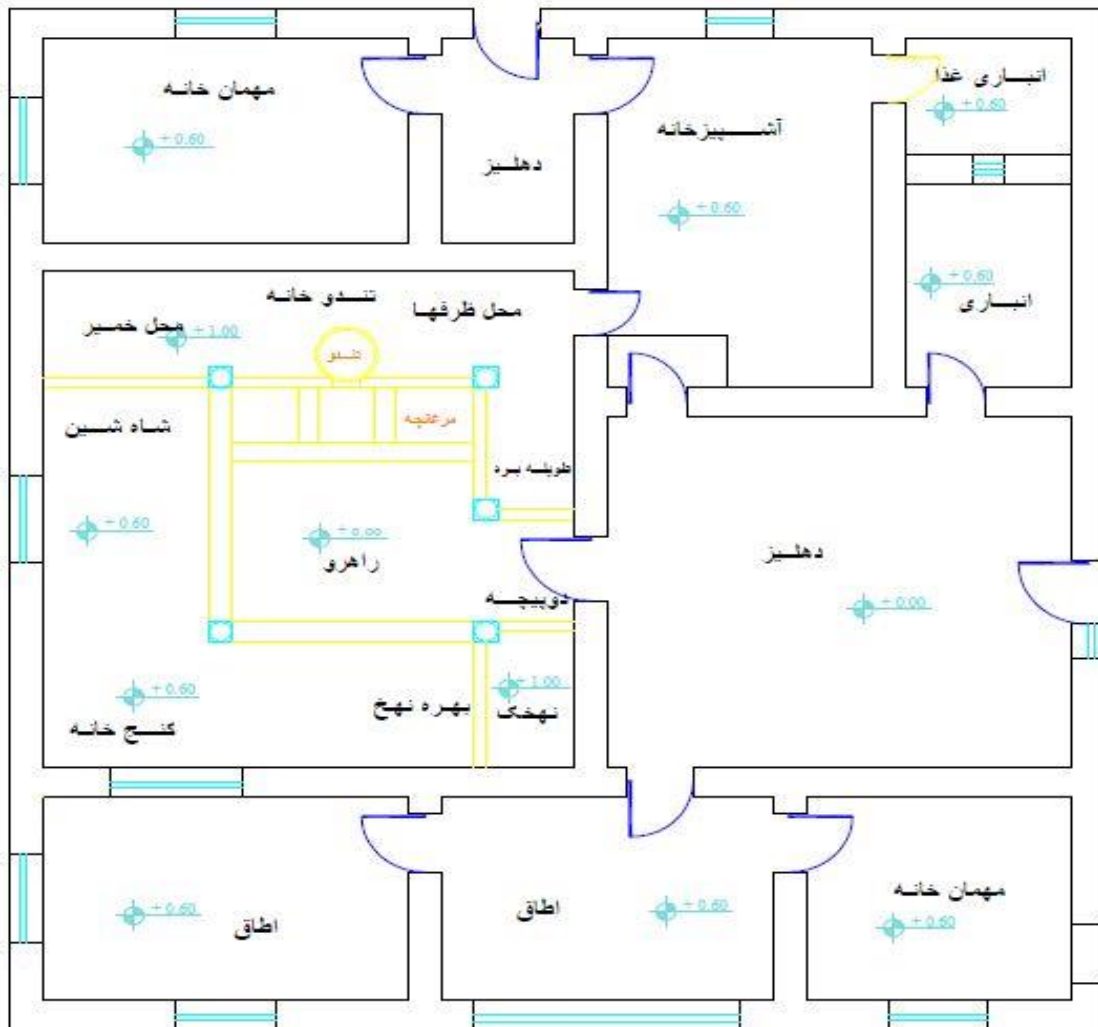
اگر به معماری پامیریان نظری به اندازه خیلی ها متفاوت است نظر به معماری دیگر ولایت ها و ولسوالی ها و حتا کشور ها ،خانه هایکه در روستا ها پامیر ساخته میشود از سه عناصر طبیعت (سنگ ،چوب ، خاک) میباشد. و این خانه قسمی طراحی میشود که دارای یک فضا عمومی بوده و این فضا به بخش ها مختلف از خانه تقسیمات میشود که عبارت از (تنورخانه، مهمان خانه، گنجینه (زدان) ،دهلیز، انباری مواد سوخت، حمام ،طویله خانه برای چوپه گوسفندان) میباشد که مساحت آن حداقل 42متر مربع و حداکثر 81 مترمربع مساحت داشته باشد.



(شکل ۳۸)

در اطراف این خانه میتواند ضرورت برای دیگر چیزی بسازند که از جمله؛ طویله خانه گاو ها، طویله خانه برای گوسفندان ، گاهاهدان ، طویله خانه برای اسب و غیره در اطرافش میسازند که این خانه ها در زمستان گرم باشند. و این خانه بیشتر دارای یک منزل و حتا نمیشوند در زیر یا ده بالا این خانه ها چیزی ساخت شود چون در زمان ها قدیم تنها روشن ایکه داخل خانه میشد از بام بود و این روشن دانی هم در حدی بود تا هوای بیرون داخل و هوای داخل بیرون برآید .

این بخاطر کلان نمیگذشتند که سردی زمستان و برف از این طریق داخل خانه نشود روشن دانی را با ارتفاع بلندتر از بام میساختند تا از رفتن آب باران و برف داخل خانه جلوی گیری شود. و این خانه بیشتر در زمین ها همراهی ساخته میشدند.



خانه یکی از سیدها

(شکل ۳۹)

۳-۲- نظام فضایی

۳-۲-۱- قلعه (سرای):

دارای فرم چهارضلعی و یا چهار برجی میباشد این نوع خانه ها را خان ها (میرها) می سازند چون این میرها دارای بیشترین زمین بوده و برای مقام خود قلعه را میسازند ولی هنگامی که داخل معماری داخلی شوی با همان فرم چهار ضلعی و با اندکی مقیاس کلانتر میباشد.



(شکل ۴۰)

۳-۲-۲- دیوال:

نظام معماری در پامیر عمومی یک ساختار دارد که از نظر معماری آگه معماری داخلی را ببینیم یک طرح ساخته میشود ولی چیزیکه این معماری را تغیر میدهد ساختار اقتصادی و هر شخص نظربه اقتصاد طراحی میکند. (شکل ۴۱)

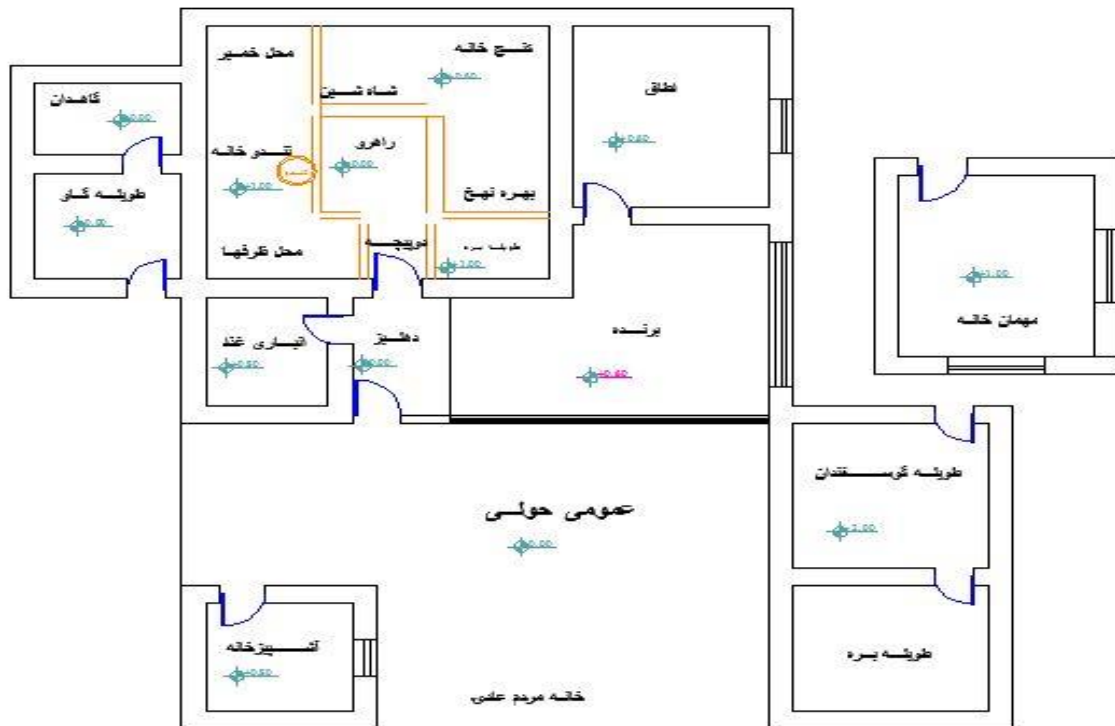
بیشترین فرم معماری روستا چهار ضلعی است و بیشتر از چوب در این خانه ها استفاده میشود این خانه در جاها هموار ساخته شده و کمتر در جای ها شیب دار چون آگه زمین شیب داشته باشد اول تپه



بی شیب دار را هموار ساخته بعدا این خانه را ساخت، پیش از اینکه ما داخل فضا اصلی این خانه شویم باید اول داخل یک دهلیزیکه هم شکل فضای ما است میشویم و این فضا همانند خانه اصلی است با این تفاوت که اندازه اش کوچک و دارای یک فضا نشیمن (نیخ) میباشد و از این فضا میتوانیم در زمستان انبار چوب و در تابستان میتوانیم جای غذا خوری استفاده کرد.

۳-۲-۳- دیوال گواره دار:

فرم این دیوال دارای فرم چهار ضلعی که دارای یک طبقه می باشد که این فرم هم در زمین شیب دار هم در زمین هموار ساخته ولی بیشتر در زمین هموار می سازند. که خانه بیشتر بنام خانه برنده دار معروف هستند. این فرم خانه در آخر تی چند سال رواج یافته این قسم خانه ها را بیشتر مردم های میسازند که از نظر اقتصادی خوبتر باشند. (شکل ۴۳ و ۴۲)



۳-۳- سازمان فضایی روستا

بطور کلی ساختار روستایی سه نور متأثر از عواملی نظیر جهت تابش آفتاب و نحوه قرار گیری زمین ها زراعتی میباشد. به همین دلیل شکل روستا تأثیر گرفته روی ساختمان ها همیشه بطرف شرق و جنوبی بوده و اگر منطقه را از نظر سایت ببینیم از طرف شرق این روستا شهر خاروغ و دریا آمو بوده است. (شکل ۴۴-۴۵)



(شکل ۴۵)



(شکل ۴۴)

۳-۳-۱- بافت پر روستا

روستا سه نور دارای چند محله بنام میانه باغ که در مرکز، سرماچیدی که در ضلع جنوبی، تیربونه گان در ضلع غربی و شمالی، پایین سه نور که در ضلع شرقی قرار دارند. که این محله در سابق از یک خانواده بودند که مردم ها مرکزی و شرقی این روستا بیشتر ها عادی هستند و مردم ها جنوبی روستا شه ها میباشد خان ها این روستا در ضلع شمال غربی ساکن شدند.

اگر به گذشته این روستا نگاه بکنم این روستا متشکل از ۱۰ الی ۱۲ خانه مسکونی و یک جماعتخانه خیلی کوچک بودند. ولی امروزه جمعیت این روستا به ۷۶ خانه رسیده و دارای یک جماعتخانه بزرگ در خود داشته است.

وجود این جماعتخانه اهمیت این روستا را آنقدر بالا برده که به غیر از مراسم ها مذهبی و قومی اکثراً جلسه ها ولسوالی و روستاها همجوار نیز در این جای برگزار می شود..

۳-۴- ساختار فضایی خانه های روستا

۳-۴-۱- عوامل موثر بر شکل گیری فضا ها مسکن

معیشت (اقتصاد)، جغرافیا، اقلیم، فرهنگ و اجتماع، خان و رعیت شش عوامل است که در شمول گیری کالبدی مسکن تأثیر گذار در روستا پامیر میباشد. که ارتباط تنگاتنگ میان این شش عامل سبب میشود که نمیتوان توسط پنج عامل نظیر معیشت (اقتصاد)، جغرافیا، اقلیم، فرهنگ و اجتماع بطوری

مجزا به تاثیر هریک نگر نیست اما میتوان خانه ها خان هارا در بین خانه ها رعیت مجزا ساخت، خانه ها خان ها بصورت قلعه ای است. از آن که در روستا مسکن نه یک سرپناه که به منزله یک ستاد عملیاتی بحساب آید. تغییری که در یکی از این عوامل به شدت در معماری بناهای روستا انعکاس یافته سبب ایجاد تنوع بیش از آن چه که در شهرها می بینیم و نیز دخالت مستقیم صاحب خانه خود به نمونه های ساده تر، انسانی تر، و از نظر عملکردی پاسخگو بر میخوریم. از آنجا که ساختن قضاهاای اندرونی و بیرونی به طوری مجزا قبل از هر چیز نیازمند وسعت بیشتر خانه و طراحی تعداد قضاهاای آن مسئله نیز تابع اوضاع مالی روستایی است .

غالب خانه های برداشت شده دارای قضای بنام مهمان خانه میباشند که روستایی بهترین وسایل خود را از فرش گرفته تا تزیینات را در این اتاق قرار می دهد .

۳-۴-۲- شناخت مفاهیم کالبدی

پیش از ارائه نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل کمی و کیفی چند نمونه برداشت شده به بیان و معرفی ویژگی های کالبدی خانه های روستا و در یافت از حاصل باز حاصل بازدید حدودا ده مورد از خانه های روستا پرداخته میشود.

۳-۴-۳- سازماندهی فضاهاای پروتهی

در ساماندهی فضاهاای پروتهی در خانه مناطق کوهستانی پامیر بدخشان (شغنان) دارای آب و هوا سرد و خشک که لزوم حفاظت در برابر آب و هوا سرد و خشک منطقه به حیات نقش نداده که این فضا فقط بنام پیش خانه که با لهجه محلی (درگاه) نامیده میشود نقش مهمی را دارا میباشد. خانه بدون حیاط ساخته تا از سرمای شش ماه در امان باشد.

۳-۴-۴- ساختار بنا

اختلاف ارتفاع خانه ها پامیریان پیش از 40 یا 50 سال قبل خیلی ها زیاد بود چون در آن زمان ها وسایلی که امروزه در دسترس مردم ویا نجار ها قرار دارد در آن زمان این وسایل موجود نبوده و در زمان ها سابق با طبیعت نمی جنگیدن و همان قسمی که بود می ساختند. ولی اگه نظری به داخل خانه ها پامیریان به اندازیم دارای ارتفاعات خیلی زیاد بوده که این ارتفاع به پرتیشن محل ها را مشخص میکند تا داخل خانه یا محله که نام ها متفاوت را از هم جدا میکند. خانه های که پیش از دو قرن قدمت تاریخی دارد این خانه بنام خانه پنج ستون خانه پامیری (پامیری چید) نیز یاد میشود و این خانه را بخاطری پنج ستون میگویند چون این ستون ها از خود نام دارد که بنام ها (محمد، علی ، فاطمه، حسن و حسین) میباشد. مردم پامیر (شغنان) که 98 فیصد این روستا اسماعلیه هستند از این خانه استفاده میکند. شغنان یک منطقه کوهستانی و زمستان آن پوشیده از برف میباشد و در زمستان تمام برادران که از یک فامیل هستند در این خانه جمع میشود تا از سردی زمستان با کمی از مواد سوختی در امان باشد.

۳-۴-۵- جهت گیری خانه

خانه ها پامیریان (شغنا چیدی) همیشه روی به آفتاب و پشت آن به طرف غرب می باشد. و این خانه ها را اگه نظر به جهت گیری ببینیم داریم؟ ورودی خانه ها همیشه از طرف جنوب یا شمال می باشد. نیشیمن مهمان از طرف شرق و آشپزخانه آن از طرف غرب است. بیشترین خانه ها بالین فرم میسازید. (شکل ۴۶)



مردم ها روستاها بدخشان بیشتر درون گرا هستند و همیشه می خواهد خانه ها آنها از داخل مجال باشد در زمان ها قدیم بیشتر این خانه ها پنجره نداشته و به مرو زمان این خانه رنگ دیگری به خود گرفتند و آهسته آهسته بر خانه ها پنجره و فرش گذاشتند و ولی در زمان ها 60 یا 80 سال پیش این خانه ها هیچ روشن دانی نداشت به جز یک روزن داشت که آنها با چوب می ساختند.

۳-۴-۶- تغییر در مسکن و سیمای روستا

با دفت در روند تغییرات خانه روستایی در سال اخیر متوجه شویم آنچه که در حال حاضر در روستاهای پامیریان اتفاق می افتد. تعویض به جای ترمیم است. اگر مداخله به موقع دریافت قدیمی روستا ها بخصوص روستاهای که با ارزش تاریخی صورت نپذیرد به مانند آنچه که در شهرها رخ می دهد، خانه ها و سنت های روستاهای نیز فریبانی جلوه های ورداتی از شهرها خواهد شد. با این وجود نمیتوان به نیازمندی روستاییان به داشتن خانه ها جمع و جور چشم دوخت و تبدیل به اوج خواسته روستایی برای هرچه شهری تر کردن خانه اش خواهد شد. تحول ساختار خانواده ورود اسباب و وسایل تامین آسایش و راحتی ساکنین، خشک سالی و ورود مظاهر شهرنشینی از جمله هستند که موجبات تغییر در ساختار فضایی خانه روستایی را فراهم نموده است. ولی اصل مردم داری اگر چه در خانه های شهری امروزه از یاد رفته است و خانه ها هرچه بزرگتر، ابعاد فضاهایش هم وسیعتر می شود تا جایی که صاحب خانه در ندشت خود احساس رو در بستی دارد چه رسد به مهمان در روستا ها به مدد تفکر قناعت و همه چیز به اندازه چه در خانه های کوچک قدیمی و چه در خانه های بزرگ امروزی می توان این تفکر ارزش مندی را مشاهده کرد. روستاییان که شیفته شهر شده و شهرنشینی را با ارزش می شمارند خود در صدد حذف کلیه مظاهر روستایی از رفتار و زنده گی خویش برمب آیند. در جامعه ای که روستایی بودن، نوعی تحقیر و معدل "دهاتی بودن" عقب ماندگی و نادانی تلقی می شود، برخی از روستاییان تلاش برای فرار از روستایی بودن و آنکار آن را دارد. اغلب مردم روستایی حسرت خانه های شهری را میخورند، بی خبر از مزیت خانه های شهری می باشد که تنها یک سرک وک چه دارد و یا هم در بلند منزل های که

امروزه ساخته می شود برای یک دهاتی اصیل زندان بیش نیست. یکی از عامل می باشد که مردم این منطقه را ترک نموده شهرنشینی را انتخاب میکند اما شهر تنها میتواند خواسته خانه را که میخواست برآورده کند اما مردمان روستایی که شهرنشینی میشود مجبور سخت ترین کارها را انجام دهد. اشکال ذیل تغییرات سیمای روستایی را از ۲۰۰ سال پیش تا امروز نشان می دهند.



(شکل ۴۷) ۱۹۰ سال پیش از امروز



(شکل ۴۸) ۱۵۰ سال پیش از امروز



(شکل ۴۹) ۱۲۰ سال پیش از امروز



(شکل ۵۰) ۸۰ سال پیش از امروز



(شکل ۵۱) ۴۰ سال پیش از امروز



(شکل ۵۲) خانه ایکه در سال ۱۳۹۵ ساخته شده

۳-۵- تجزیه و تحلیل اندام ها خانه های روستا

مطالعات در پیش آمده به منظور فهم هرچه بیشتری ساختار خانه های پنج ستونی روستاهای بدخشان شغنان صورت گرفته است حتی الامان تصویر ساده ای از خانه روستایی را با کمترین عناصر ممکن ترسیم کند.

۳-۵-۱- اصول فضایی اندام ها

با دقت در فضاو زندگی جاری در خانه ها روستا مفاهیمی مشابه مفاهیم وحس های تجربه شده در تمام خانه ها روستایی میتوان مشاهده کرد .

خوانای فضا و تشخیص فضایی درون و بیرون آماده کردن فرد برای ورود از طریق اختصاص فضایی پیش خانه، جداکردن اتاق های از فضا اصلی خانه توسط درگاهی و ایجاد قلمرو خصوصی.

۳-۶- معرفی اندام ها خانه های روستاها پامیر

۳-۶-۱- حولی یا پیش خانه (درگاه)

عنصر اولی در معماری پامیریان (شغنان) میباشد. که عموماً برای استفاده شخصی همان خانه میباشد. آنچه که رایج در بین محل قریه رواج دارد. این حولی را برای زیبایی خانه میماند کاربرد حولی در ماه ها حوت و حمل برای استفاده حیوانات مثلاً در ماهها حوت و حمل حولی ها دارای آفتاب خوب و نظر به جاها دیگر زودتر خشک میشود و گاو ، گوسفندان و حیوانات دیگر را در اینجا از طرف روز بند میکند. تا آنها در آفتاب و در فضا آزارد کاه خود را بخورند و در تابستان این فضا برای کاشتن تیرکاری استفاده میشود. (شکل ۵۳)



چون این فضا برای کاشتن تیرکاری خیلی کم میباشد ولی برای رفع مشکلات تابستانی و بخاطر نزدیک بودن در هنگام شام برای آش، غذا و غیره از این جا استفاده میکند. چون این فضا برای آماده کردن تیرکاری ها تازه و نزدیک و میتوان گفت تیرکاری سییار ولی تیرکاری که برای زمستان و دیگر وقت ها بکار میشود در یکی از گوشه ها از زمین خود میکارند. در زمستان میتواند از حولی برای فضا باز بیرونی و یک

فضایکه برای نفس کشیدن تازه زمستانی و هنگامی از خانه طرف بیرون قدم میماندن یک فضا آزاد و بدون برف و باران را ببیند. و میتوانم گفت در زمستان از این فضا برای انبار کردن فصله دامها میباشد تا فصل بهار فرابرسد که این فصله ها را بالای زمین ها زراعتی انتقال بدهد.

۳-۶-۲- خانه اصلی (چید)

خانه هایکه در پامیر بدخشان (شغنان، اشکاشم، زیباک) و ولسوالی هایکه مربوط به پامیر میشود. خانه ها هستند که یک خانه چهار دیواری که تقریباً 49-56 متر مربع است که این فضا به چندین بخش یا فضایی تقسیم میشود که این خانه از زمان ها بسیار قدیم که تقریباً بیش از 14 قرن از این خانه ها میگذارد در این ولسوالی ها ساخته شدند و به گفته مردمان منطقه این خانه ها را بیشتر به مذهب اسماعلیه روابط نزدیک دارند. (شکل ۵۲) خانه در این روستا بنام خانه پنج ستون (چید وطنی) نیز شهرت دارد. فضا خانه متشکل از راهرو (پایگه)، مهمان خانه (بهرنخ)، نشیمن شاه و عروس (فشانهخ)، تندوخانه، حمام، انبار کال (نخک)، انباری چوب (جیخک)، انباری مواد غذایی (زندان) و غیره... و میباشد مواد تشکیل دهنده آن سنگ، چوب و گل میباشد. بیشترین استفاده از چوب ها (سفید دار، بید، چوب چهار مغز، چوب توت) که 65 درصد چوب استفاده میشود که 10 درصد گل و 25 درصد از

سنگ استفاده میشود خانه دارای دو تیرکلانی که در تمام خانه از شرق به غرب به نظر به اقتصاد شخص و بار آنرا خانه انداخته میشود. و دارای پنج ستونه است که این ستون ها از نظر مردم ها شعیه اسماعلیه مراد از (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) میباشد.



(شکل ۵۴)

در داخل خانه فضاها را میتوانیم با اخطاف و ارتفاع از هم جدا کنیم و بدهیم ورودی از تمام خانه ها از شمال یا جنوب میباشد. در این فضا ها خیلی کوچک میتواند بیشتر از 3 یا 4 خانواده زنده گی کنید به خصوص در فصل ها تیره ماه زمستان چون پامیر از نظر آب و هوا مناطق سرد و کوهستانی است مردم این مناطق به مشکلات مواد سوختی روبرو هستند. تمام برادران یک خانواده در این ماه ها باهم جمع میشوند تا با فامیل ها شان این ماه ها را به خوشی و خنده تیرکنند. و از سردی ها زمستان و کمبود مواد ساختی نجات پیدا کنید.

این خانه ها در زمان ها قدیم هیچ پنجره ای نداشتند تنها روشنی خود را از بام روزن (میگرفت ولی امروزه این خانه ها را با معماری ها متفاوتی بیرون گرایی و دورنگری می سازند در زمان ها پیش این خانه ها را در وسعت ها میساختن تا از نفوذ سردی هوا خود داری شود که چهار اطراف اینها اطاق ها جداگانه برای مهمان ها بیگانه و گاوخانه برای حیوانات و گوسفندان و سایل ختنه میساختند تا هیچ نوع سرد ده دیوار ها خانه نیاید.

۳-۶-۳- فضاهای داخل خانه (چیدرون)

۳-۶-۳-۱- دروازه (ورودی)

ورودی یک عناصر اصلی هر خانه است که از طریق میتوانیم داخل شد. هنگامیکه از ورودی داخل فضا اصلی خانه میشویم نخست داخل فضای بنام دهلیز میشویم این دهلیز فضاها را به هم تقسیم میکند این هم مثل فضا عمومی خانه میباشد که در تابستان میتوانیم از این دهلیز برای خواب کردن استفاده به عمل آید. در (شکل ۵۵) ورودی خانه ها در زمان قدیم از چوب ها توت، چهارمغزو بید میبود که این ورودیها خیلی با ضخامت و با مقاومت بودند.



در آن وقت چون وسایل تخریکی از جمله چپ راستی و میخ نبوده و به جای چپ راستی از مرغک ها چوبی استفاده میکردند. این دروازه ها به گفته نجارها این روستاها از سه بخش تشکیل میشود که بنام دستک، پندک، و پله اصلی دروازه میباشد. دستک ها به آنهای را گویند که از دوطرف چوکت (چپ و راست) قرار دارد. و پندک آنها را گویند که از دوطرف دیگر (بالا و پایین) توسط دستک ها به هم وصل شده اند و پله آنها را گویند که باز وبسته میشود در زمان

قدیم مرغکها را قسمی میساختند. که این پندک ها را سوراخ میکردند و دوطرف پله را اندازه 15-20 سانتی متر اضافه میماندن که این ماندگی را بنام مرغک یاد میکردند و این مرغک را در داخل سوراخی پندک تیر میکردند. ولی امروزه این بابیشترفت و ترقی جای مرغک ها را چپ راستی ها فلزی گرفتند و آهسته آهسته با گذشت سال دروازه ها چوبی از بین رفته جایشان دروازه ها PVC گرفتند.

ولی بیشترین استقبال مردم از همان دروازه های چوبی بود زمان ها پیش دروازه ها را خیلی خورد گذشتند بخاطریکه مناطق سرد و کوهستانی است زیاد سردی داخل خانه از راه ورودی نشود که تقریباً عرض شان 80-90 سانتی و ارتفاع شان از 150 الی 180 سانتی متر بوده است. خانه ها مردم شغنان بیشترین ورودی خانه ها از طرف شمال یا جنوب میباشد.

۳-۶-۲- نشیمن مردانه (بهرنخ)



در خانه ها پنج ستونی عموماً چندنوع فضایی وجود دارد که از نظر کاربرد از هم فرق دارند که از آن جمله نشیمن (بهرنخ) آنرا را گویند از طرف آفتاب برآمد میباشد کاربرد بهرنخ این است که نشیمن مهمان های بیرونی و یا بزرگ سالها، سیدها، خیل‌ها از این جا استفاده میکند. بهرنخ رامیتوان گفت یک فضا خیلی پاک و موثر نامید این فضا از راهرو به ارتفاع 60 الی 80 سانتی بلند میباشد. (شکل ۵۶)

۳-۶-۳- نشیمن زنانه (شه شین)

این خانه ها متشکل از دو نشیمن میباشد. که از آن جمله یکی همین شه شین است کاربرد شه شین برای نشستن خانم ها میباشد و این فضا را از این خاطر بنام شه شین میگه از زمان ها قدیم تاحال هنگامیکه عروسی میشد شاه و عروسی در این جای (نخ) میشیند با تمام دخترها و زنها در این نخ میباشد.

۳-۶-۴- تنورخانه (کسار)

در خانه ها پنج ستونی شغنان تنور خانه هم وجود دارد که در سمت غربی خانه میباشد که تنورخانه از فضا نشیمن خانه به ارتفاع ۸۰ الی ۱۰۰ سانتی متر بلندتر است. (شکل ۵۸-۵۹)

تنور دروسعت خانه در ضلع غربی وجود دارد در اطراف تنور خانه یا دوطرف آن فضاهایی وجود



دارد که یک طرف آن برای انبار کردن ظرفها و یا خمیه کردن و طرف دیگر آن برای شستن ظرف ها و یا هم برای انبار کردن چوب ها وجود دارد تنور خانه را از دیگر فضاها بخاطری بلند میکند چون دهن تنور باید برابر سعت دیگر فضاها باشد. در گذشته ها تنورخانه از خود هیچ نوع نل (دودکش) نداشتن هنگامیکه در خانه ها آتش یا دیک میکردند تمام خانه از دود پر میشد و این دود خانه را گرم میکرد و این دود تمام خانه را سیاه و در مدت خیلی کم خانه سیاه میشد ولی عمر بیشتر میداشت ،خانه هایکه در زمان ها

بیش از 80 سال برایشان گذشته باز هم میتوانیم از چوب ها استفاده کنم (سیاهی که در گذشته بالا میگن کشیده اگه آن را بتراشیم میتوانیم دوباره برای دروازه و پنجره از آن استفاده کنیم) ولی امروزه آهسته آهسته برای خانه دودکش ها را تیار میکند تا دود از خانه بیرون شود. (شکل ۵۹)



این دودکش را قسمی تیار میکند تا هم خانه گرم و هم سیاه نشود. بغل تنور یا یک گوشه از تنور را سوراخ میکند و همان جایکه مربوط تنور خانه میشود تونل یا نل جور میکند با این دود یا آتش تمام محل تنور خانه دوره بکن و از یک گنج خانه این نل را بیرون میکند. این تنور خانه میتوانم در زمستان برای خواب استفاده کنیم چون فضا خیلی گرم میباشد، بیشترین کس هایکه از این استفاده میکند ریش سفیدان یا همان پیرمرد ها یا پیر زن ها میباشد چون آنها باید

در این فضا گرم بخوابند تا ده سردی زمستان گرم باشد پس میتوانیم گفته در زمستان ها بیشترین فضا زندگی در همان تنور ها صورت میگیرد بخاطریکه تا از سردی نجات یابند در روزها سرد زمستان تمام خانواده اطراف این تنور جمع میشوند با قصه ها قدیمی یا دست دوزیها هم مصروف مارها دستی میشوند تا سردی زمستان را احساس نکند. در داخل خانه پیش رو تنورخانه یک فضا یک متری وجود دارد که این فضا به سه بخش تقسیم میشود که یک فضا ها مربوط به تنور میشود تا برای پر کردن تنور از چوب یا پاروی از این جای استفاده میشود که بنام (چهلک) یاد میشود که فضا دربین دو فضا دیگه میباشد که یک طرف این یک تنور خیلی خورد میباشد که در این تنور نان را پخته نمیکند ولی صرف برای جور کردن چای صبح و یا برای دیک کردن روزها که مهمان کمتر در خانه باشد طرف دیگه این چهلک خانه ککی وجود دارد که برای تربیه مرغ ها میباشد که این فضا برای زیستت مرغها میباشد.

۳-۶-۵- انبار ها

آگه به خانه ها نگاه کن میبینم که در دوگوشه آن به اندازه هامتفاوت با ارتفاع متفاوت انبار های وجود دارد که انبار ها یکی برای استفاده کالا(بستره) و دیگری برای انبار کردن چوب زمستانی میباشد.

در زیر این انبار ها فضایی وجود دارد که برای پرورش چوپه گوسفندان ها و چوپه گاوها وجود دارد. که این فضا را بنام(جیحک) یاد میکند . این خانه کک ها برای پرورش چوپه کک ها که در زمستان منطقه خیلی سرد میباشد میتواند این چوپه ها را در داخل خانه بپارند تا از سردی در امان باشند.



۳-۶-۴- اتاق (کوه ته)

اتاق یکی از مهمترین فضا زندگی در روستاها شغنان زمین میباشد که این مردم بسیار مهمان نواز هستند. این اتاق ها بیشتر در بیرون از حولی ساخته میشود بخاطریکه مهمان بیگانه ایکه بیرون از این ولسوالی که باشد نباید داخل حولی شخصی شود. ولی اتاق ها آنقدر ارزش خاصی در این روستا ندارد. چون از اتاق ها کمتر استفاده میشود. و میتوانیم گفت چندخانه ایکه در اطراف هم دیگر ویا چند همسایه یک مهمان خانه (کوه ته) دارد که این اتاق یکی از همسایه ایکه توان ساخت این را داشته باشد می سازد. (شکل ۶۱)



۳-۶-۵- آشپزخانه (وژره)

آشپزخانه یک فضا جدا از خانه پنج ستونی میباشد که از این آشپزخانه تنها در تابستان مورد استفاده



میباشد چون اگر در تابستان در خانه نان پخته بکند خانه خیلی گرم میشود و در تابستان از آشپزخانه استفاده میکند از ماه عقرب تا ماه ثور این آشپزخانه برای انبار چوب یا مورد استفاده قرار میگیرد. آشپزخانه هم مانند خانه پنج ستونی است ولی اندکی خوردتر از آن میباشد. ولی اگر تعداد فامیل یک خانواده زیاد باشد میتواند در هنگام خواب از آشپزخانه استفاده کرد. (شکل ۶۲)

۳-۶-۶- انبار مواد غذایی (زندن)

انبار یکی از فضا بسیار مهم و میشه گفت بسیار مقدس میباشد در اینجا مواد غذایی (آرد، گندم، برنج، روغن، توفان، توت، چهار مغز، ...)، کتاب ها مقدس (قرآن شریف، کتابهای مذهبی) و غیره میباشد. این یک نوع فضایی مربعی شکل که مساحت آن ۹ مترمربعی است که در وسعت آن یک راهرو و سه طرف آن پرتیش شده و جاها هریکی از دیگه فرق دارد یعنی برای آرد جای جدا، برای برنج جدا همین قسم بر هر کدام یک متر یک متر جدا شده است. (شکل ۶۳)



و این فضا به اندازه ۱-۱۵۰ سانتی متر از سطح زمین بالاتر است که زیر این فضا خالی ایی وجود دارد تا که نم نکشت و هنگامیکه داخل فضا میشیم داریم که این یک را به دو طبقه تقسیم کردن که یکی برای مواد غذایی و دیگری را برای کتاب ها مقدس و اجناس قیمتی میباشد.

نباری در کنار خانه اصلی قرار گرفته تا دروازه اش طرف تنورخانه خانه باز شود و این فضا برای این مردم ها اینقدر مقدس میباشد که حتا بچه ها را نمیگذارند تا در بام شان بالا شود و بازی کودکان بکن گویا در این فضا برکت خانه تماشا در همین جای میباشد.

۳-۶-۷- کناراب (توالت)

توالت یکی از عناصر اولیه خانه ها پامیریان میباشد که هر یک از خانه ها داران یک تشناب جداگانه میباشد. این توالت در بعضی از خانه ها به خانه متصل و بیشتران توالت ها از خانه دورتر هستند تا



(شکل ۶۴)

بوی شان داخل خانه نیاید توالت رابخاطر از خانه دورتر میسازند که این توالت ها نه چاه سیپتیک نه چاه جذبی داشتند و این کنارابها دارای دو طبقه میباشد.

که طبقه اول یا پایین آن برای مواد فاضلاب و طبقه دوم آن فضا اصلی میباشد. باید گفت توالت ها همیشه بیرون از حولی ساخته میشود. ولی با پیشرفت زمان آهسته آهسته این توالت ها هم داخل خانه میآورند. ولی خیلی کم چون که مردم روستا ها این سیستم را قبول ندارند.

۳-۶-۸- طویله خانه

چون این روستاها بیشتر مردم آن مالدار و حیواندار و هستند و دارای حیوانات اهلی میباشد. و برای حیوانات اهلی باید جایی باشد تا شبانه ها آنها را در آن بند بکند. که آن فضا را بنام طویله خانه (غیچید) یاد میکند. این طویله خانه را جایی میسازند تا راه شان از فضا انسانی جدا باشد. ولی بیشتر این طویله خانه ها در پشت خانه میسازند تا داخل فضاخانه گرم بیاید. طویله خانه به چند دسته تقسیم میشود: طویله خانه گاو ها، طویله خانه گوسفندان)



(شکل ۶۵)

دو نوع هستند یکی برای چوپه گوسفندان و دیگری برای گوسفندان کلان)، اسب خر، انباری و غیره... میباشد.

۳-۶-۹- کاهدان

در روستاها شغنان کاهدان خیلی مهم و ضروری است کاهدان ها را جایی میسازند در نزدیک طویله خانه باشد و دروازه اش باید طرف طویله خانه باز شود تا به آسانی بتواند کاه را ساده گی برای حیوانات به اندازند در روستا ها بیشتر دونوع کاه میباشد.

یکی بنام کاه سفید که برای حیوانات از جمله گاو، اسب، خر، و... که این را در کاهدان که چهار دیواری است ذخیره می کند و این کاهدان دارای یک دروازه و یک روزن است که کاه را از روزن داخل کاهدان پر میکند و استفاده آنرا از دروازه میکند. کاه سفید از گندم، جو، باقلا، و... بدست می آید. و دیگر بنام کاه سبزیاد میشود که این را بیشتر مردم بخاطر کم بودند فضا (جای سرپوشیده) آنرا در سربام ها طویله خانه ذخیره میکند. کاه سبزی برای گوسفندان، بز، گوساله و... موار استفاده می باشد. و این کاه را از جای هابدست میارند که از ماه ثور آن جایی را آب بیاری میکند تا علف سبز در آن بروید و بعد از 5الی 6 ماه آنرا دیرو میکند و آنرا خشک کردن تا ده یک فضایی و ره جمع میکند که یک فضایی باشد تا چیزی به آن نرسید. و در یک گوشه ایی از بام آنرا جمع میکند.

۷-۳- نظام ساختمانی



(شکل ۶۶)

در نظام باربری خانه ها سنتی، شکل واحد از نظام ساختاری در ساختمان های مسکونی معمول است. که بار ساختمان ها را دیوارها گلی و سنگی و سقف ها چوبی تحمل میکند. خانه ها پنج ستونی پامیریان از دیوار تا دیوار خیلی فاصله دارد. و این فاصله را با دوتیرکلان چوبی به سه حصه تقسیم کرد تا این دو تیر کلان بیایند و دیگران خودترکه به زبان مردمان این منطقه اینها را بنام (واس) یاد میکند. این دودانه چوب میتواند فضا ها داخل خانه را از هم جدا کند. فاصله اینها را از دیوار ها به اندازه دو الی دونیم متر و بیشتر از هم فاصله دارد.

که در زیر این تیرها دو تا سه ستون قرار دارد. و دیگر چوبی ها را به اندازه خوردتر و باریکتر میاندازه که بنام (سپپاشچ) یاد میشود که اینها را به فاصله ها نزدیکتر به همدیگر به اندازه 40 الی 60 سانتی متر است که یک طرف این چوبها بالا دیوار



و طرف دیگر ها بالا تیرها کلان می باشد. و بالا چوب ها خوردتر یا همان سپپاشچ ها دیگر چوب هایکه هستند که بنام (کیلندک) یاد میشود که طول آنها به اندازه 35الی 55 سانتی متر میباشد تمام سقف را با این قسم چوب ها می پوشانند و بعد از این چوبها کاه و یا برگ با خیمچ میاندانند و بالا این گلی می اندازند که زیاد تر نباشد. (شکل ۶۷)

اگر زیاد تر باشد باز میچکد و تمام چوبها را خراب میکند. ولی جایی که روزن است آنرا بلندتر از دیگر سقف میکند تا که آن چهارخانه تشکیل شود.

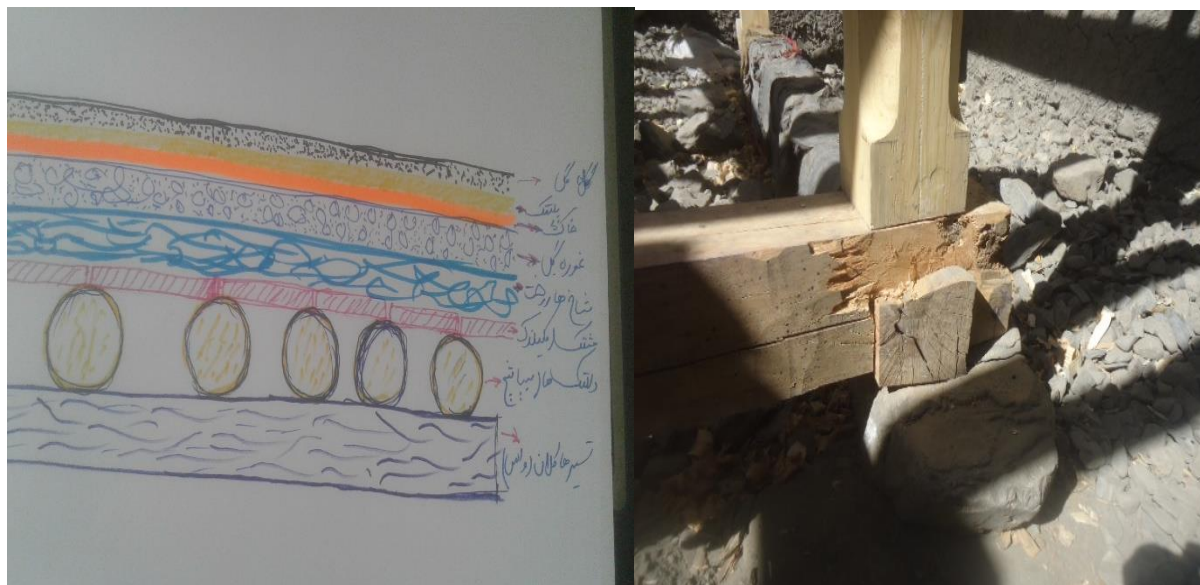
نوت: چهارخانه فضا و سطحی خانه پامیریان است که دارای چهارچوب میباشد که بگفته مردم ها این روستا از چهارعنصر گرفته شده است یعنی آب، خاک، باد و آتش است که آنرا چهارخانه میگویند و بعد از این چهارچوب روزن وجود دارد که روشنی خانه از همان قسمت تهیه میشود. (شکل ۶۸)



بار این خانه ها قسمی بر زمین منتقل میشود. که تمام بار بام به آن چوب هایکه بنام (کیلندک) هستند میرسد. و آنها بار را به سیپاشچ میدهند و سیپاشچ بار را تقسیم میکند که نصف آن به دیوار ها و نصف دیگر آن به تیرها کلان (واس) میدهد و واس ها بار را گرفته با ستونها میدهد تا ستونها بار را گرفته و به چوب ها دیگه انتقال میدهد که این چوب ها را به بنام (سنج) یاد میکند که اینها وظیفه شیناژ را انجام میدهد و بار خانه را مساوی به زمین منتقل میکند. و چوبهایکه

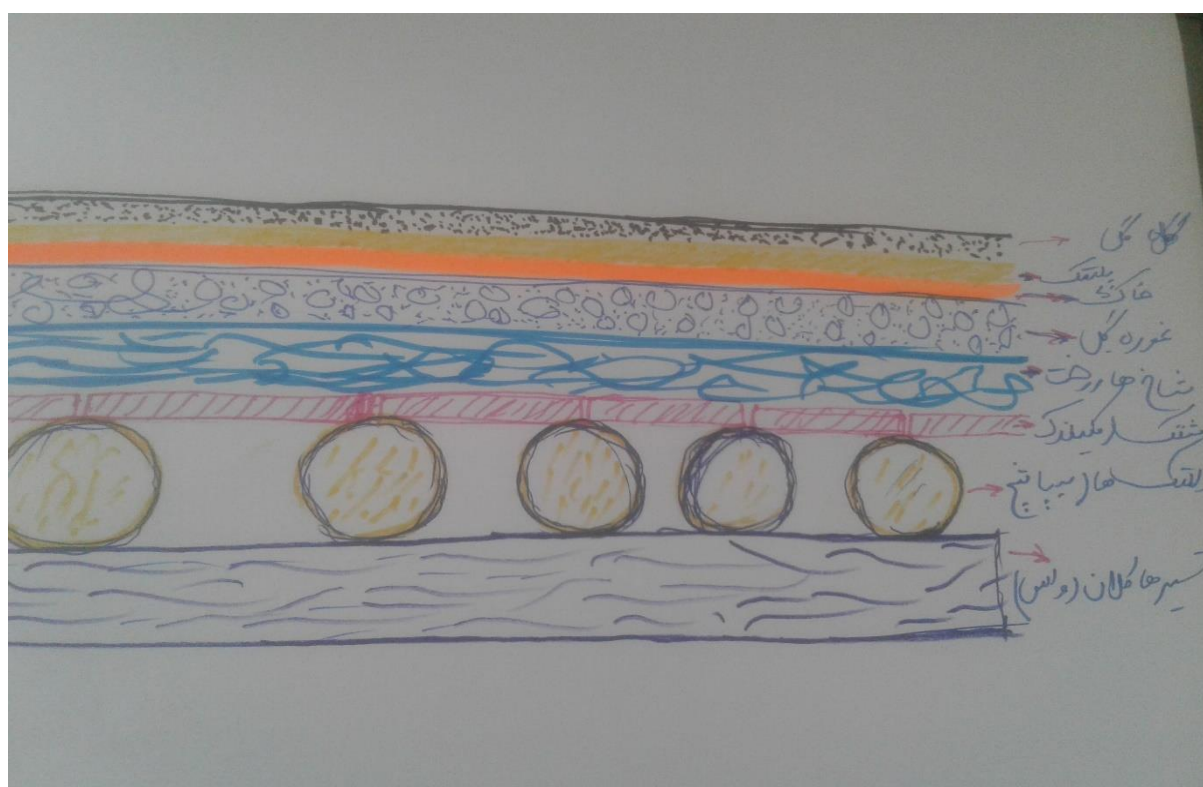
در این خانه ها بکار میرود بیشتر این چوبها از درخت ها سپیدارها میباشد و کمتر از درخت ها بیدا، چارمغز، توت، و... و این چوب ها را خیلی قشنگ میتراشند یا که گوشه ایی از چوب خراب نباشد. ایجاد سقف تختی یا استفاده از تیرها چوبی پیشینه زیادی در مناطق پامیریان (شغنان) دارد. و این ستیم از زمان ها قدیم برای این مردم روستا باقی مانده چون در این مناطق از سقف ها گنبدی هیچ خبری نبوده و استفاده هم نشده و نمیداند که چه قسمی استفاده میشود. درخت ها سپیدار از یک سو با شرایط آب و هوا محلی سازگار بوده و در این مناطق خیلی زیاد یافت میشود. برای پوشش بام ها همیشه از چوب ها سپیدار ها و شاخچه ها بیدت ها استفاده میشود.

شیوه های تیر یا چوب انداختن و اتصال آن به دیوار ها در شکل هازیر



(شکل ۶۹)

(شکل ۷۰)



(شکل ۷۱)

۳-۸- پی (تهداب)

تهداب نخستین سنگ بنای واحد مسکونی میباشد. پی یا دیوار علاوه بر انتقال بار سقف از طریق دیوار و پخش آن به زمین، در واقع ارتباط میان دیوار گلی و آسیب پذیر در برابر رطوبت و همچنین زمین یخ زده را برقرار میکند.

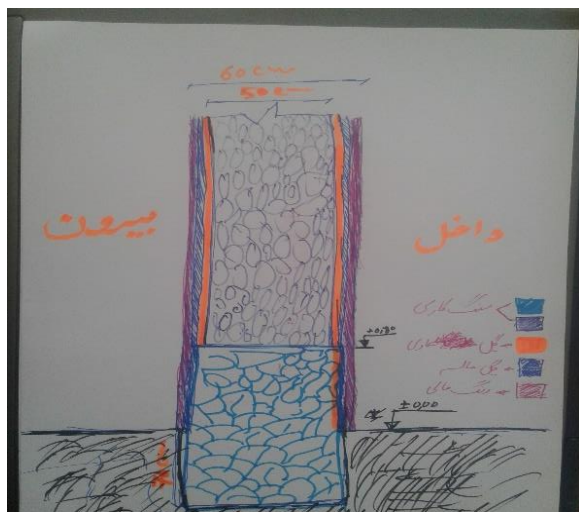
خاک ها مناطق پامیریان به خصوص این روستاها (شغنان) جز در موارد استثنایی مقاومت خوبی دارد. ایجاد پی ها در این مناطق قمسی است که به اندازه 60 سانتی عرض و به ارتفاعات متفاوت که از 80 سانتی کم نباشد زمین را چهار اطراف میکنند تا دیوار ها را از یک سطح مساوی شروع کند دیوار هایکه از تهداب تا سطح زمین و از سطح زمین به اندازه یک متر و یا بیشتر از آن به عرض 60 سانتی میگیرد و به از آن این دیواره ها را اندازه 50 سانتی متر تا بام میگیرند که تمام دیوار ها این خانه ها به اندازه 50 سانتی است و دیوار ها از زیر خاک تا چت با سنگ میباشد. (شکل ۷۲)



دیوار ها سنگی بسته به شرایط اقلیمی، موقعیت محلی و زمان ساخت، از 50 الی 70 سانتی متر ضخامت دارد. این حد ضخامت تنها به دلیل ضرورت های سازه ای نیست، بلکه شرایط اقلیمی سرد منطقه به لحاظ جلوگیری از نفوذ هوای سرد به داخل و محافظت هوای گرم داخل نقش موثری در ضخیم ساختن دیوار ها بازی میکند.

دیوار ها سنگی از لحاظ میزان کاربرد در ردیف اول قرار می گیرد. از آنجا که غالب مصالح به کار رفته در دیوار ها از مصالح طبیعی پیرامون واحد مسکونی میباشد. و تهیه آن نوع سنگ ها در داخل منطقه مستلزم نیست و هیچ نوع هزینه ای بکار نیست.

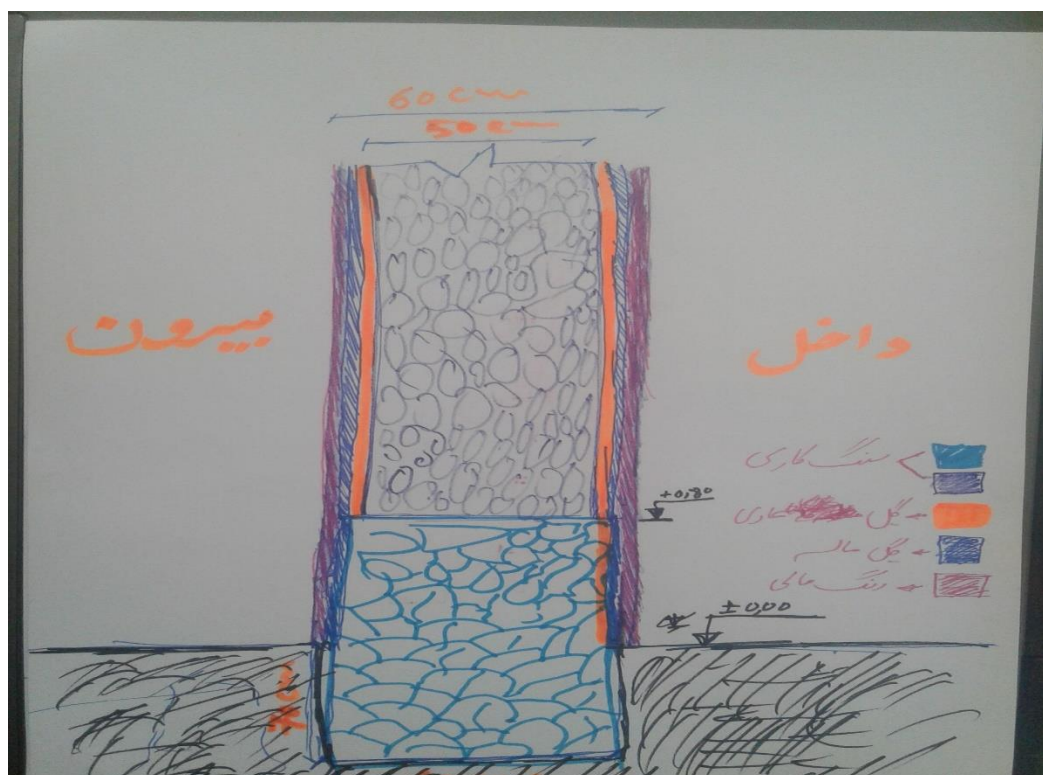
سنگ هایکه برای دیوار ها خانه ها بکار میرو تخته سنگ ها، سنگ ها کوه، سنگ ها دریایی و... و این دیوار ها را تا سطح زمین و بیشتر از آن یعنی تا سطح پرانه آنرا خشک دیوار یا بدون گل دیوار میکند. بخاطر گل را آگه نم بزند دیوار چپه میکند ولی بعد از یک متر بالاتر از سطح زمین با گل و سنگ دیوار میکند و قسمی دیوار میکند که یک ردیف سنگ (50 الی 60 سانتی) باز یک 5 سانتی گل می اندازند. (شکل ۷۳)



زمانیکه دیوار را خلاص کردن تمام دیوار دوطرفه هم داخل و هم بیرون گل به اندازه 5 الی 10 سانتی میزند. این گل را مدت چند روز میماند تا خشک شود و بعد از خشک شدن دوباره سر اش یک کاهگل با اندازه 4 الی 8 سانتی میزند که این کاهگل را بنام پلستر (گل مالاله) یاد میکند. زمانیکه این گل مالاله هم خشک شد آگه صاحب خانه امکانات اقتصادی خوب داشته از بیرون رنگ میکند و آگه

امکانات نداشت با یک نوع خاک سفیدکننده بنام (شیپل) یاد میشود داخل و بیرون را با این نوع خاک سفید میکند. (شکل ۷۴)

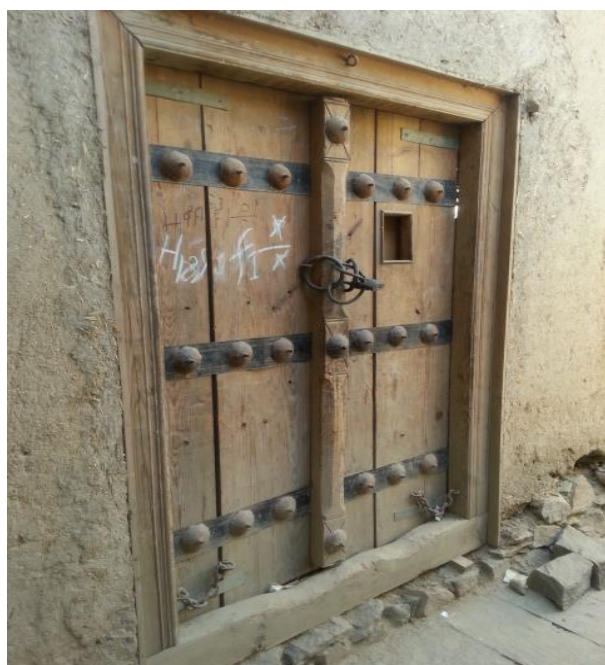
خاک سفید کننده یک نوع خاکی است که در بعضی از جایی که دشت ها کوه ها یافت میشود که از این خاک برای سفید کردن خانه ها، برای انوار ساختن بام ها، و ... و این خاک در این منطقه در کمی از روستا ها یافت میباشد.



۳-۹- اجزای معماری

۳-۹-۱- دروازه (دیفه)

در ها در معماری بسته و درون گرای در مناطق پامیریان بخصوص در ولسوالی شغنان جایگاه و منزلت خاصی دارند. از لحاظ عملکرد به دو دسته درهای اصلی (درهای بیرون) و درهای داخلی تقسیم میشود.



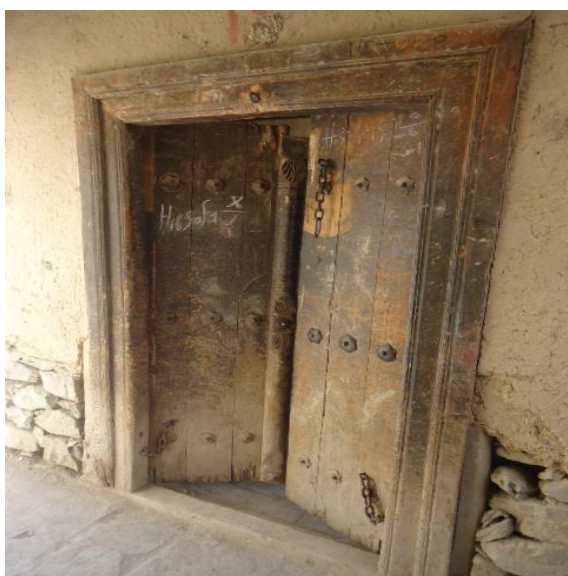
(شکل ۷۶)



(شکل ۷۵)

۳-۹-۱-۱- دروازه ها اصلی (دیف ها بیرون)

این نوع در ها ساده ترین در ورودی یک واحد مسکونی گشادگی است که ارتفاع اینها ۲الی ۲.۵متر و عرض آن تقریباً ۱.۲۰ الی ۱.۶۰ متر میباشد. که بیشتر ای درها در حوالی ها



طویل خانه کس هایکه اسپ دارد موارد استفاده قرار میگیرد. این دروازه ها را بنام درها دو لنگه (پله) یاد میکند. درها دو لنگه (پله) متشکل از تخته های چوبی ضخیم است، طوری بر دو بازوی چهارچوب وصل می شوند، که امکان حرکت در تاحد زاویه ۹۰درجه را در حول خود فراهم سازد. یکی از لنگه (پله) ها با داشتن زائده ای از چوب چهارتراش، در نمای اصلی تکیه گاه لنگه (پله) دومی است. گاهی برای استحکام بیشتر تخته های چوبی (لنگه) ها، بر روی نمای اصلی تسمه های فلزی کوبیده می شود. در حالی که در

نمای داخلی برای همین منظور از تکه های چوبی (بازو) استفاده می شود. برای جلوگیری از پوسیده شدن درهای چوبی که برای حولی ها استفاده میشود، از روق ها آهن چادر استفاده میشود. به علت این که درها با قیمتی بیشتری ساخته میشوند. برای قفل کردن این درها از نوع زنجیرها و زلفی که جزو از عناصر اصلی اند. که بروی نمای درهای معمولی قرار می گیرند.

۳-۹-۱-۲- در داخلی (دیف داخلی)



درها داخلی درها هستند که برای خانه ها، اطاق، آشپزخانه و... موارد استفاده قرار دارد. این نوع درها با ارتفاع 1.8 الی 2 متر میباشد و عموماً در یک لنگه (پله) که عرض آن 80 الی یک متر میباشد. درهایی که برای انبار ها چوب استفاده میشود از تنه و شاخه های درخت ها است که از این درخت ها محلی به نامهای سرخ بید و جنگی بید توسط خود ساکنان محلی بافته میشود و در اصطلاح محلی درگه های تالی (شاخچی) خوانده میشود. یکی از چهارچوب به عنوان محور اصلی در زمین فرو برده می شود که امکان و چرخش بر حول محور به وجود می آورد.

(شکل ۷۸)

۳-۹-۲- کلکین ها (پنجره ها)

اگر نظری به معماری گذشته پامیریان (شغنان) بکنیم کلکین ها جایگاه خاصی نداشته است چون سرمای سوزان و خشن این نواحی، فشردگی زیاد بناها به هم و یا هم در مواردی جویی امنیتی باعث شده که بنا ها گشادگی کمی به بیرون داشته باشد. از این رو برای خانه از بام روزنه ها کوچکی که با ابعاد 80*80 الی 90*90 سانتی متر و برای اطاق ها پنجره های از هر ضلع یک که کمترین باد و بیشترین آفتاب می گرفت می ماندن و این پنجره ها به اندازه مختلف که ارتفاع آن یک متر و عرض شان 60 الی 90 سانتی متر میبود می گرفتند.



(شکل ۸۰)



(شکل ۷۹)

هنوز هم در این مناطق روزنه ها کوچکی روی بام ها و دیوار ها بنا بکار گذشته میشود، عمومیت دارد. روزنه ها به رغم گشادگی کمی که دارند، حداکثر نور و روشنایی را به داخل خانه ها راه می دهند. به همین دلیل هم روزنه ها تقریباً هم سطح جداره ها بیرون کار گذاشته میشود، آنگاه ضخامت دیوار ها اطراف و زیر روزنه ها در جهت زاویه مناسب عبور نور و روشنایی تراشیده می شود. این عمل سبب می شود که روزنه ها فاقد جلوه بیرونی در داخل وسیع تر و آراسته تر از یک سوراخ مربع شکل به نظر آیند.

اخیر به تبع رفع مشکلات حاد امنیتی پیشین و همچنان در پی شکوفایی نسبی اقتصادی جمعی منطقه، تحولات چشمگیری در عرصه بهبود کیفیت معماری نواحی شغنان رخ داده است. پنجره ها در میان سایر اجزا معماری تحول قابل توجهی کرده اند از جمله روزنه ها کوچک پیشین به یک باره ایی جای خود ره به کلکین ها وسیع و گشاده داده است. پنجره های بناها علاوه بر گشادگی قابل توجه الگوهای ساخت خود را از میان برداشته نمونه ها ساده و بی تکلیف شهری را انتخاب کرده است و براین مبنا به دلیل تقسیم حاشیه های شیشه دار اشکال متنوع و گوناگونی به خود گرفته است پنجره ها گشاده جدید ابعاد مختلف دارند. 150 در 180، 200 در 200، 180 در 200 سانتی متر و غیر.....



(شکل ۸۱)

۳-۹-۳- طاقچه، الماری

جزو اجزای اصلی خانه‌ها قدیمی شغنان هستند. که گاهی این دو عنصر به صورت مجزا و منفرد و گاهی به طور مشترک در خانه‌ها موجود می‌باشد.

۳-۹-۳-۱- طاقچه‌ها

طاقچه‌ها فرورفتگی درون دیوار است که جهت گذاردن اشیاء و ملزومات خانه استفاده می‌شود. طاقچه‌ها گاهی کوچک و محدودند، بعضی مانند سایر اجزای بنا نامنظم و دارای خط‌های انحنايي اند و در آنها آثار دستی انسان مشاهده می‌شود. و از طاقچه‌ها می‌تواند به عنوان ظرف دانی و یا کتاب دانی استفاده کرد. (شکل ۸۲)



طاقچه‌ها همیشه نامنظم و ساده نیستند، بلکه گاهی آراسته و منظم اند و طاق نماهای قوسی و تزئین شده دارند. با توجه به اینکه هر سطحی بالاتر از کف خانه، برای گذاردن اشیای گوناگون مناسب تشخیص داده می‌شود، از این رو کف پنجره‌ها و روزنه‌ها به عنوان طاقچه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۹-۳-۲ الماری

الماری نوعی تکامل یافته تری طاقچه می‌باشد، که به منظور گذاردن اشیاء قیمتی و ملزومات نسبتاً قیمتی و با ارزش ساخته می‌شود. به محض آن که طاقچه‌های منظم به خانه‌های

کوچکتر تقسیم می شوند، حالت کمد را به خود می گیرند. کمد های اولیه فاقد در می باشد. در حالی که بر روی کمد های دولنگه (دوپله ای) در شیشه دار کار گذاشته میشود. (شکل ۸۳)

بر روی کمد ها نوعی وسیله قفل کننده کوچک (قفلیک) قرار دارد، تا اشیای داخل کمد از گرد و خاک محافظت شوند و از دسترسی سایرین در امان باشند. بعضی از کمد ها به طور جالبی نقاشی و آرایش شده اند از آنجا که در شیشه دار به منظور نمایش اشیای داخل آن است، از این رو وسایل غذا خوری چای خوری داخل آن به خوبی پیدا است.



۳-۹-۴- نوه (ناودان)

در تمامی موارد به دلیل جلوگیری از شسته شدن دیوار های گلی و سنگی از چوب های که داخلش تراشیده شده بایرون زدگی حدودا ۹۰ الی ۱۲۰ سانتی متر از دیوار ها برای هدایت آب برف و باران استفاده میشود.

۳-۹-۵- لبه بام (سرپیگل)

به دلیل و هوای کوهستانی روستا و پرهیز از ایجاد سایه و یخ زدگی در زمستان خانه ها فاقد جان پناه می باشند. تنها برای خورده نشده دیوار های گلی و سنگی از پیک (سرپیگل) استفاده میکنند این پیک ها چهار اطراف خانه ها به اندازه ۲۰ الی ۴۰ سانتی متر از لبه بام بیرون می زند که این برآمدگی توسط تخته سنگ ها ایجاد می شوند. که در بالا آن به اندازه ۳۰ الی ۴۰ سانتی متر گل (غوره گل) میزند. (شکل ۸۴)



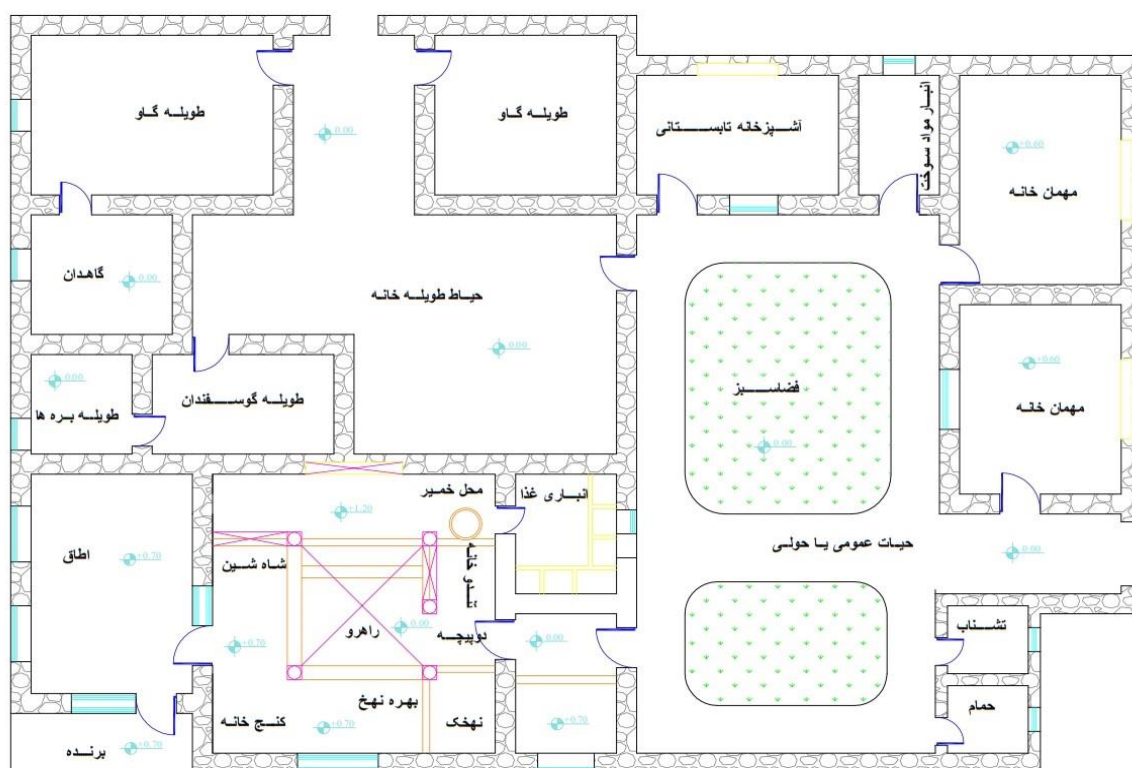
و ارتفاع این لبه را هم از بام کمی بلندتر میباشد تا میل (شیبه) بام طرف دیوار نباشد.

4- فصل چهارم

4-1- فرآیند طراحی

در ابتدا مطالعات درباره روستاهای ، خانه هامردم شغنان صورت گرفته، خانه های روستایی دارای چه مزایا و عملکرد های بودند ، روستاهای افغانستان بخصوص روستاها پامیربدخشان (شغنان) دارای چه اقلیم وچه معیشت میباشد.

طراحی خانه ها روستایی شغنان هم از خود داستان هداشت که جای مهمان خانه کجایاشد؟ آشپزخانه یا تندور خانه در چه محلی قرار بگیرد. و هسته خانه ها پامیری همان خانه پنج ستونی است. که آن خانه در کجا وچه قسم باید طراحی شود تا قابل قبول هال روستا باشد. و معیشت پامیریان کشاورزی و دامداری میباشد. و برای این معیشت شان باید طویل خانه و گاه دان را در کجا باید قرار داد. خانه های باید طراحی کرد که از کجا نور بگیرد و در فصل زمستان گرما را جذب کند ولی گرما را از دست ندهد. (شکل ۸۵ پلان یکی از خانه ها پیشنهادی)



باید قسمی طراحی شود که وروری انسان و حیوان ازیکجا نباشد همه و همه دغده های بودند که باید حل میگردید. (در شکل ۸۶ انتقال یکدان یا نندوخانه)

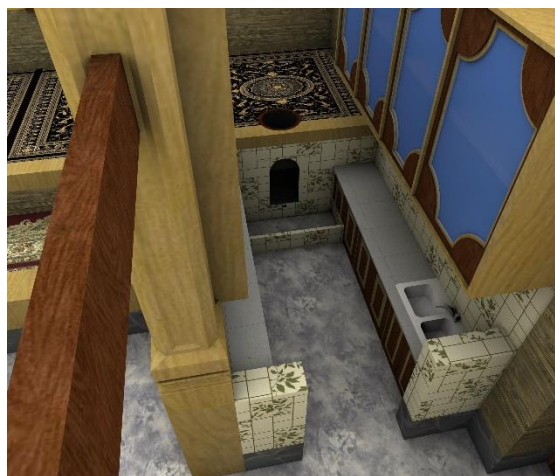
طراحی خانه ها شغنان خیلی قوی طراحی شده ولی چیزیکه در این خانه ها رعایت نشده مرامیت همان دیکدان میباشد. چون دیکدان در روبروی نیشیمند خانه یا همان (بهرنخ) قرار گرفته است هنگامیکه خانه مهمان بیاید زنها خانه نمیتواند از دیکدان استفاده بکند. ولی ما

میتوانیم دیکدان را جای دیگر انتقال بدهیم دیکدان را میتوانیم در گوشه ای از خانه که
بطرف ضلع شمالی دیکدان میباشد انتقال داد، تنها در این جای چیزیکه از بین میرود یک
طویله خانه چوچه حیوانات اهالی میباشد تخریب میشود.

|

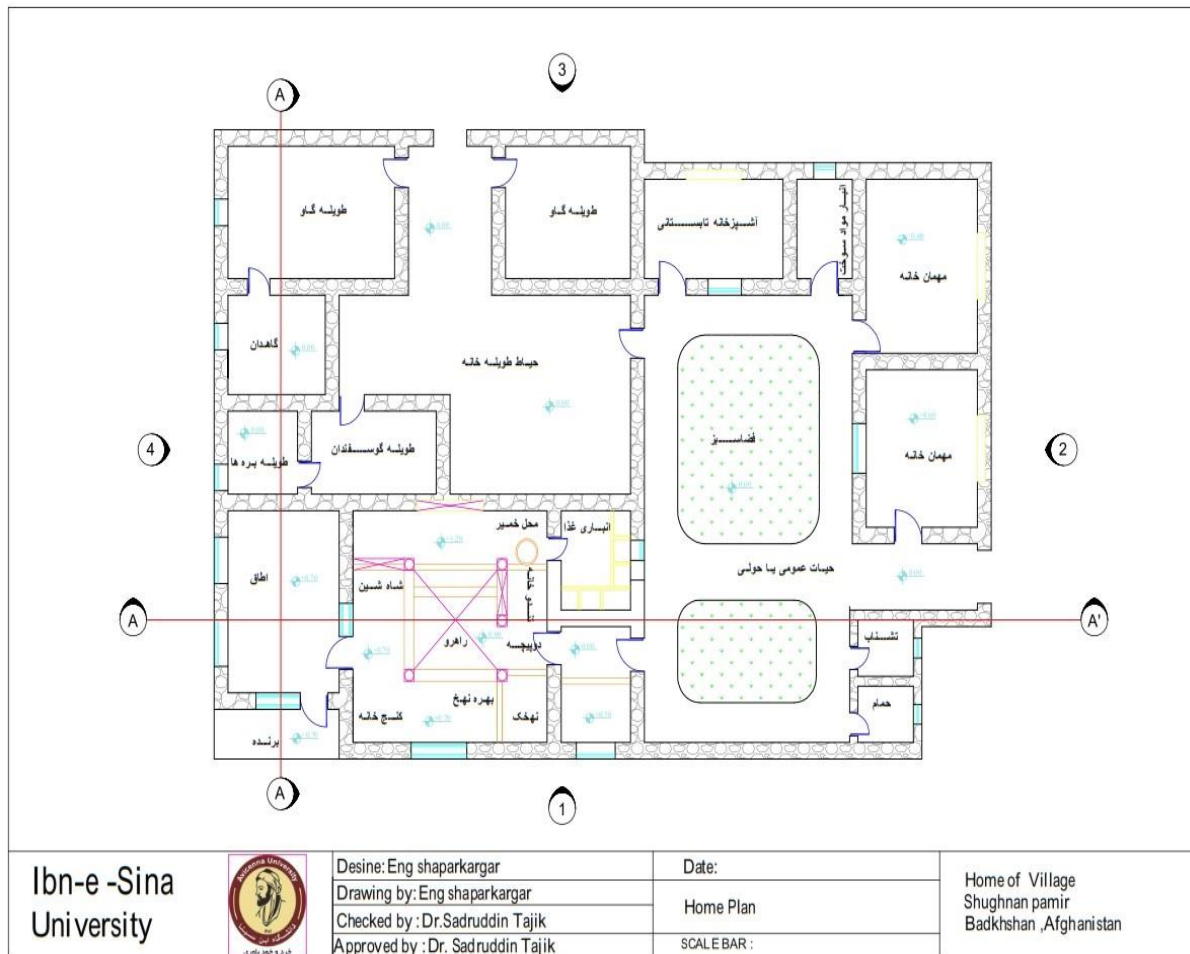


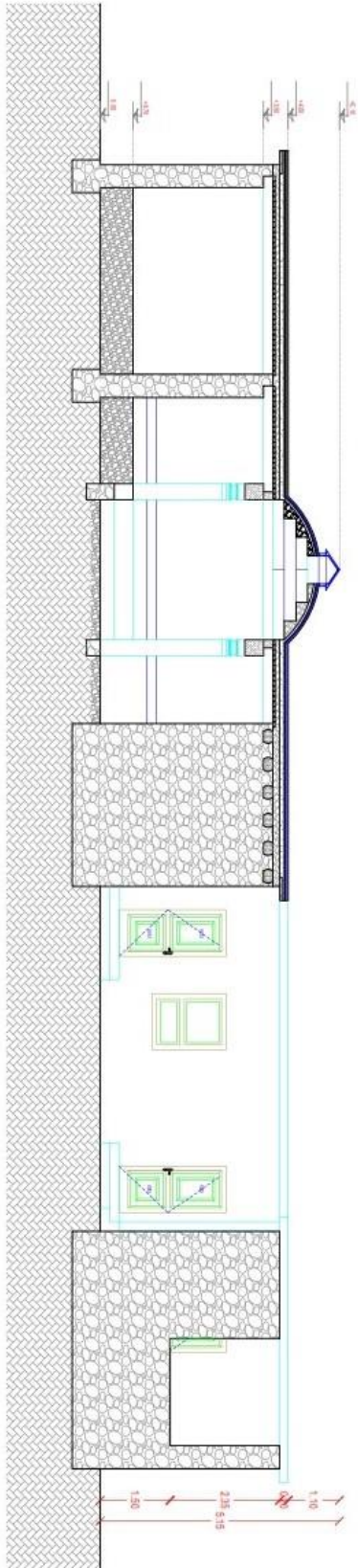
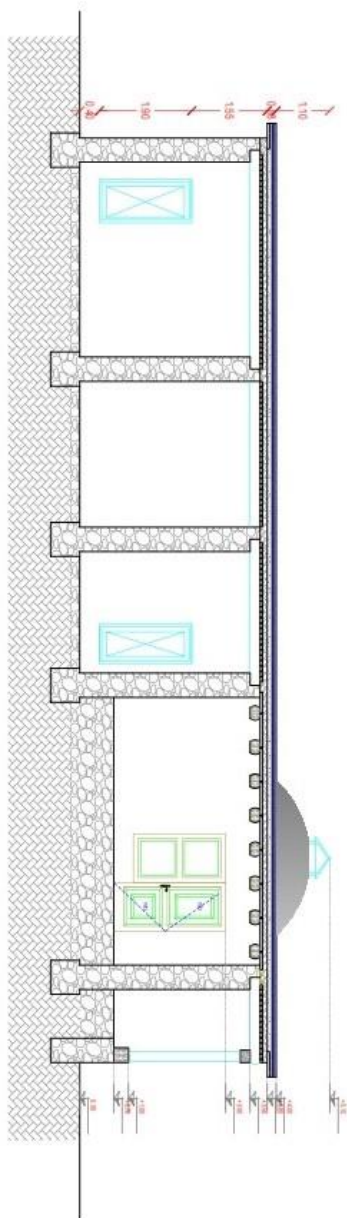
هنگامی که خانم ها داخل خانه میشوند نیازی نیست تا وارد حال عمومی یا از پیش روی مهمان بگذارد و به یکدان برود. دیگر نیازی به همچون حالت ها هنگامیکه از ورودی داخل میشوند میتواند مستقیم داخل و فضا آشپزخانه یا همان یکدان شوند. (در شکل ها ۸۷ و ۸۸)



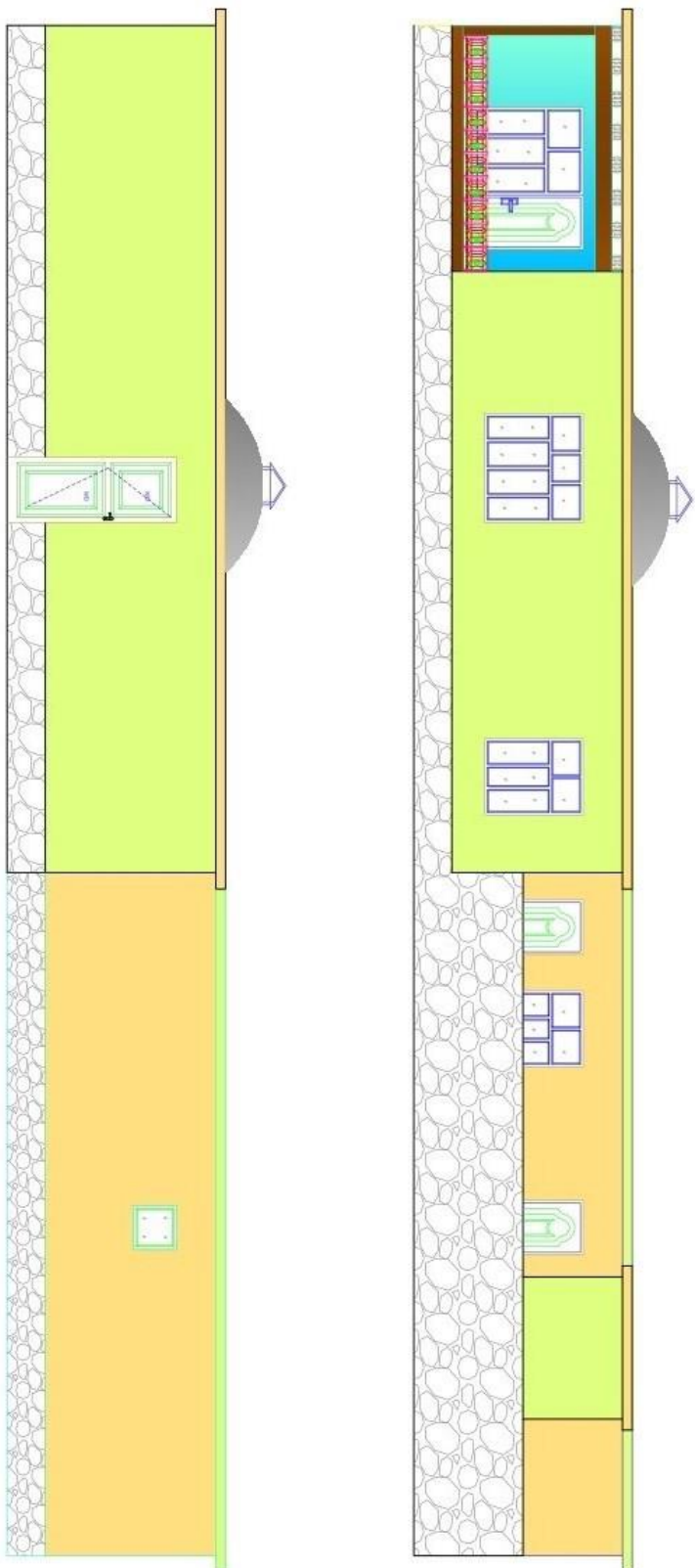
در زمان ها گذشته برای اطاق ها مهمان یا مهمان خانه ارزشی ندادند ولی بیشتر توجه مردم روی خانه ها پنج ستونی یا خانه ها پامیری بودند بخاطریکه در زمان ها قدیم مهمانی از بیرون یا مهمان بیگانه در این روستا کم بود. مهمان خانه هایی میساختند ولی خیلی کم که در هر پنج خانه یا بیشتر از آن یک مهمان خانه داشتند که از هر خانه ایی که مهمان بیگانه (بیرون از ولسوالی) میآمد مهمان اش را گرفته به مهمان خانه می برد پس ما میتوانم برای هر یک یابیشتر از آن مهمان خانه را ساخت و این مهمان خانه را در جایی قرار میدهم وقتی مهمان بیایند دست و پای خانواده را نگیرد. که در نزدیک ورودی اصلی احوالی (حیات) قرار میدهم.

۲-۴- مدارک و نقشه ها پیشنهادی برای خانه های پامیریان

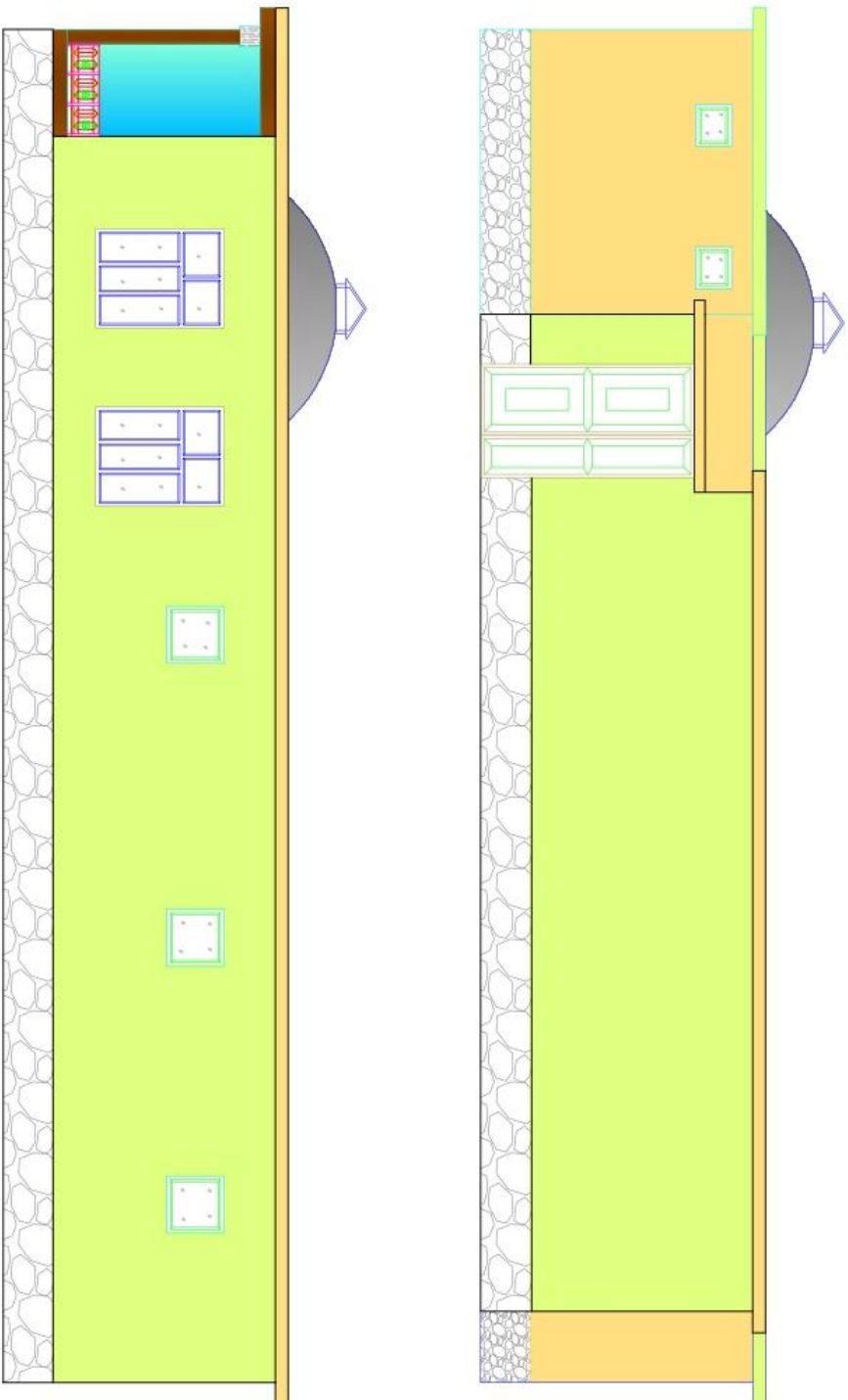




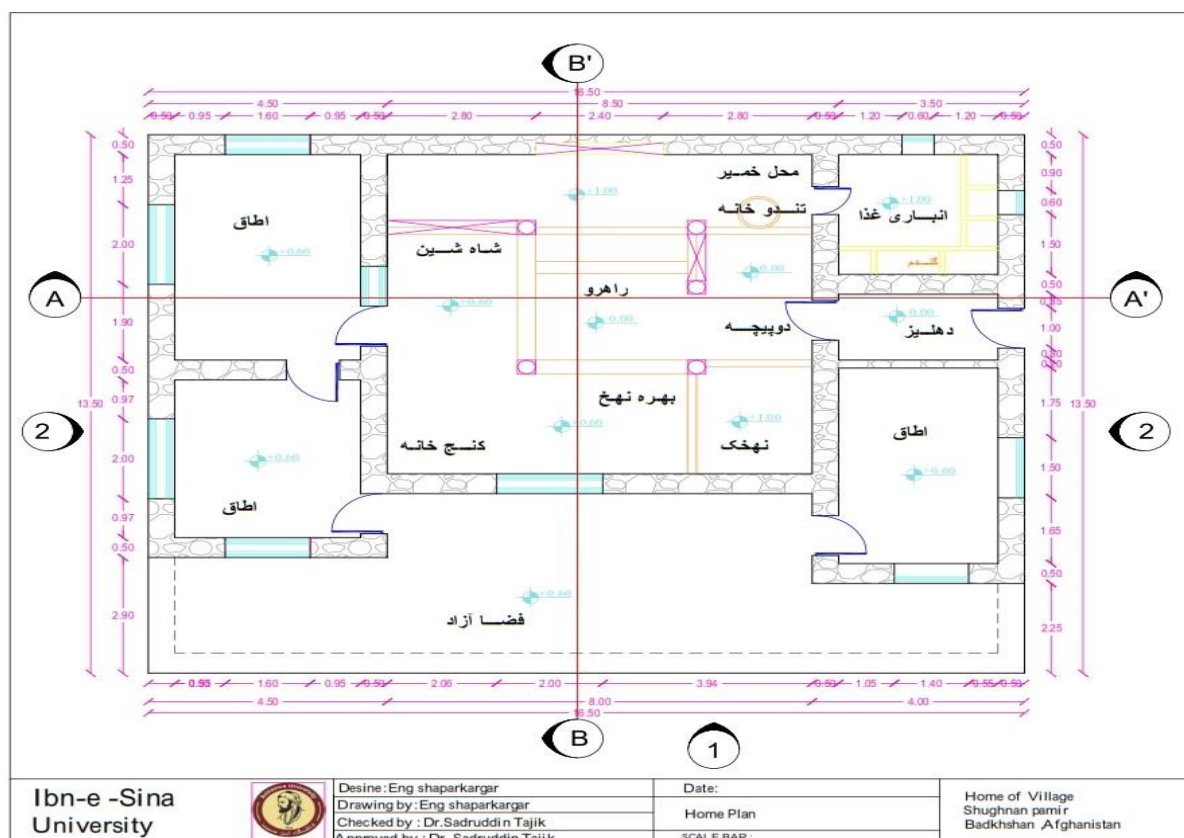
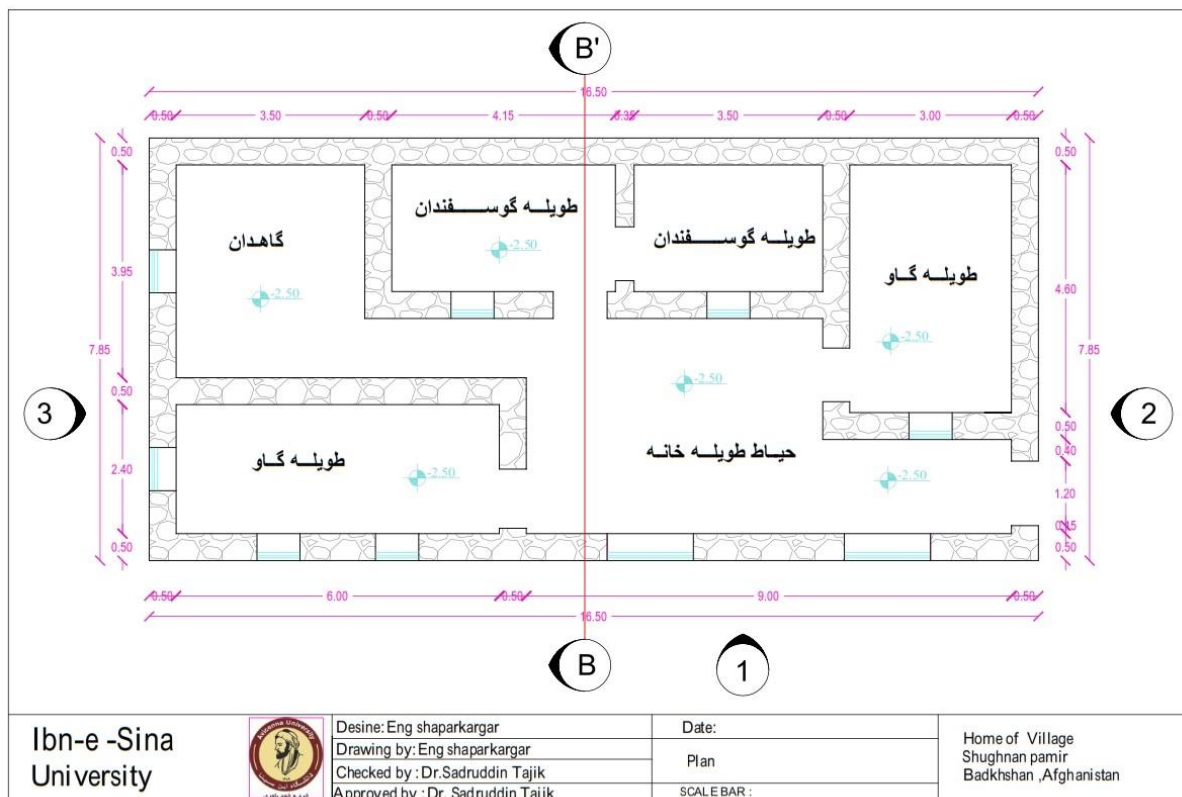
Ibn-e-Sina University 	Desine: Eng shaparkargar Drawing by: Eng shaparkargar Checked by : Dr.Sadrudin Tajik Approved by : Dr. Sadruddin Tajik	Date: Section A'-A & B'-B SCAL E BAR :	Home of Village Shughnan pamir Badkhsan ,Afghanistan

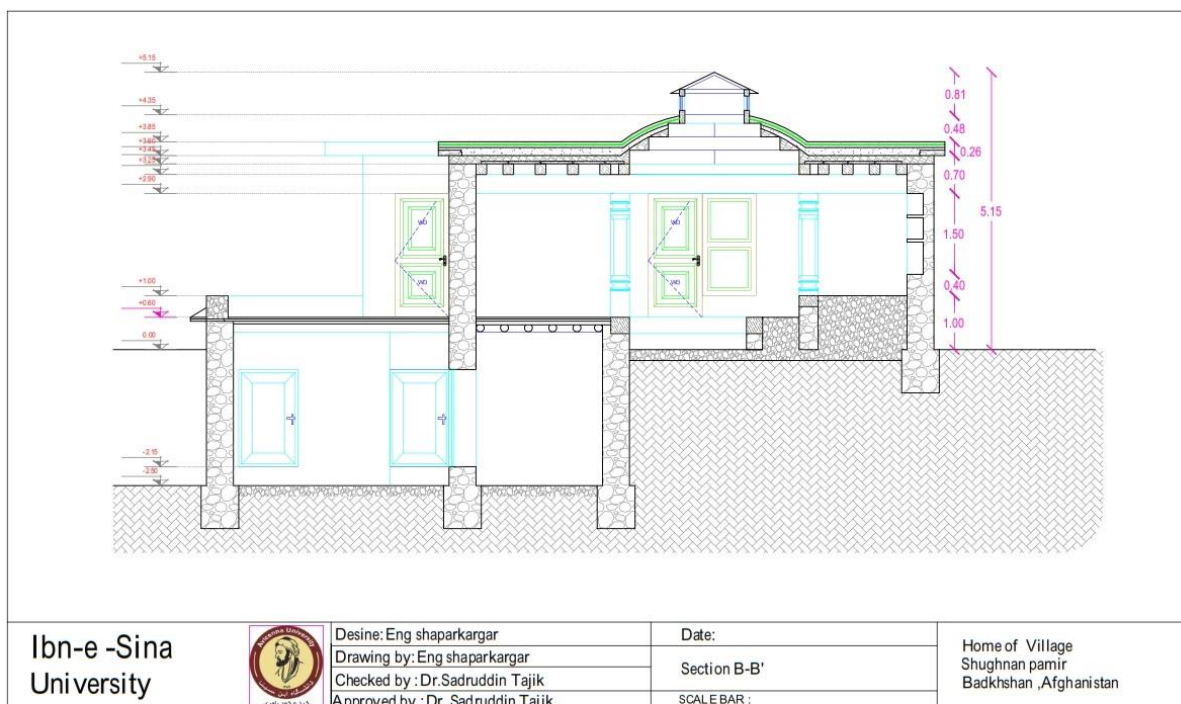
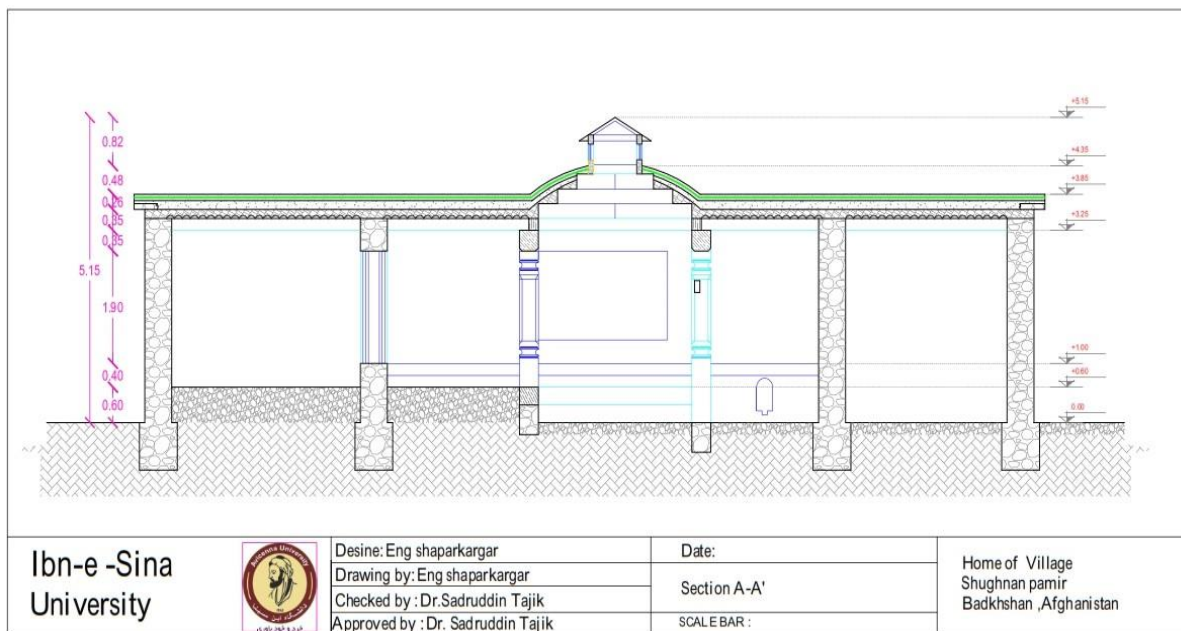


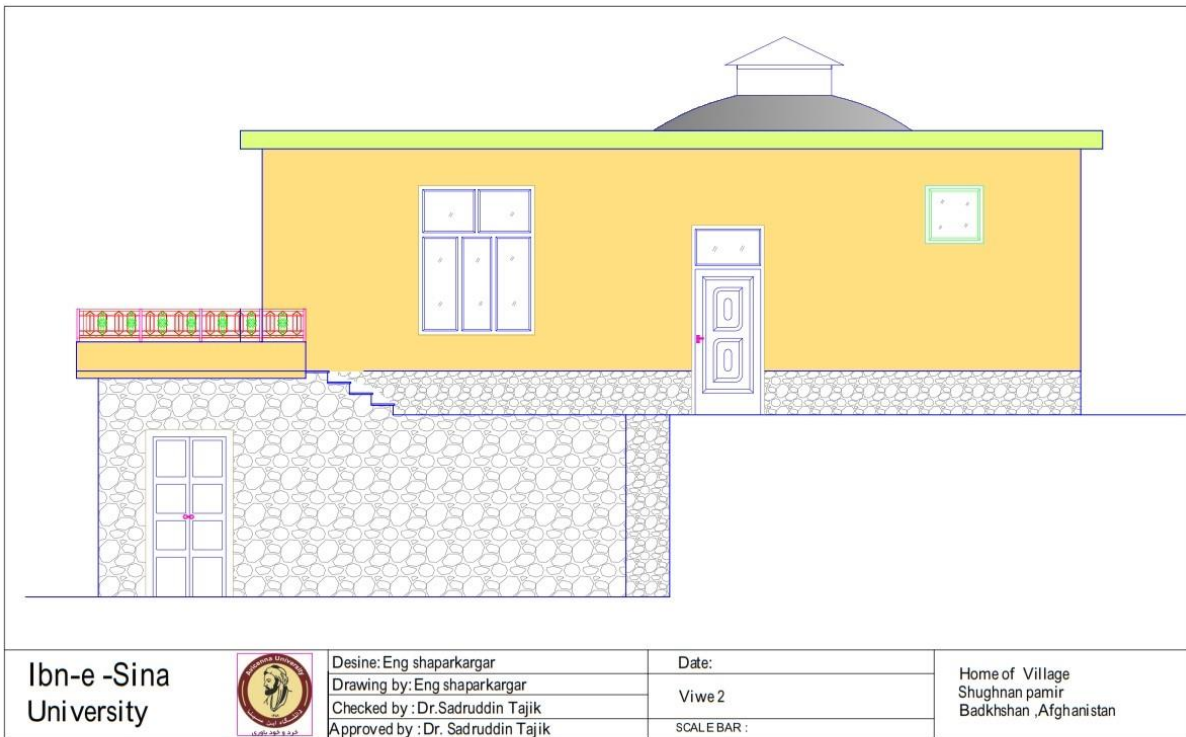
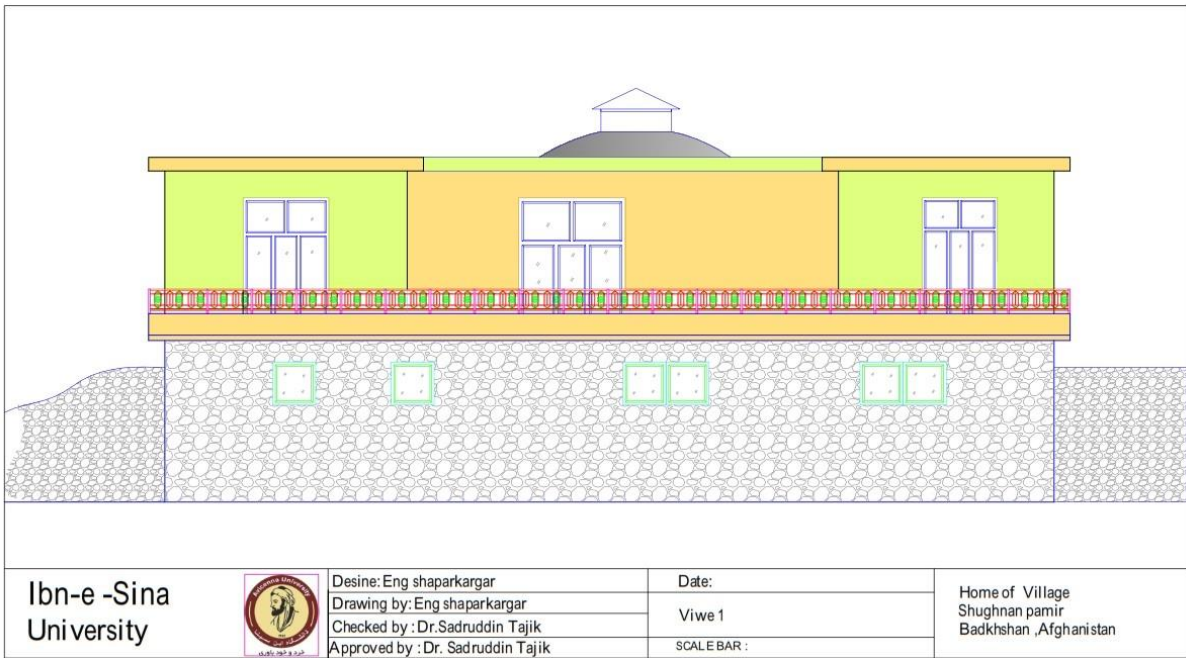
Ibn-e-Sina University		Desine: Eng shaparkargar Drawing by: Eng shaparkargar Checked by : Dr.Sadrudin Tajik Approved by : Dr. Sadrudin Tajik	Date: Viwe 1-3 SCALE BAR :	Home of Village Shughnan pamir Badkhshtan ,Afghanistan
------------------------------	---	--	----------------------------------	--

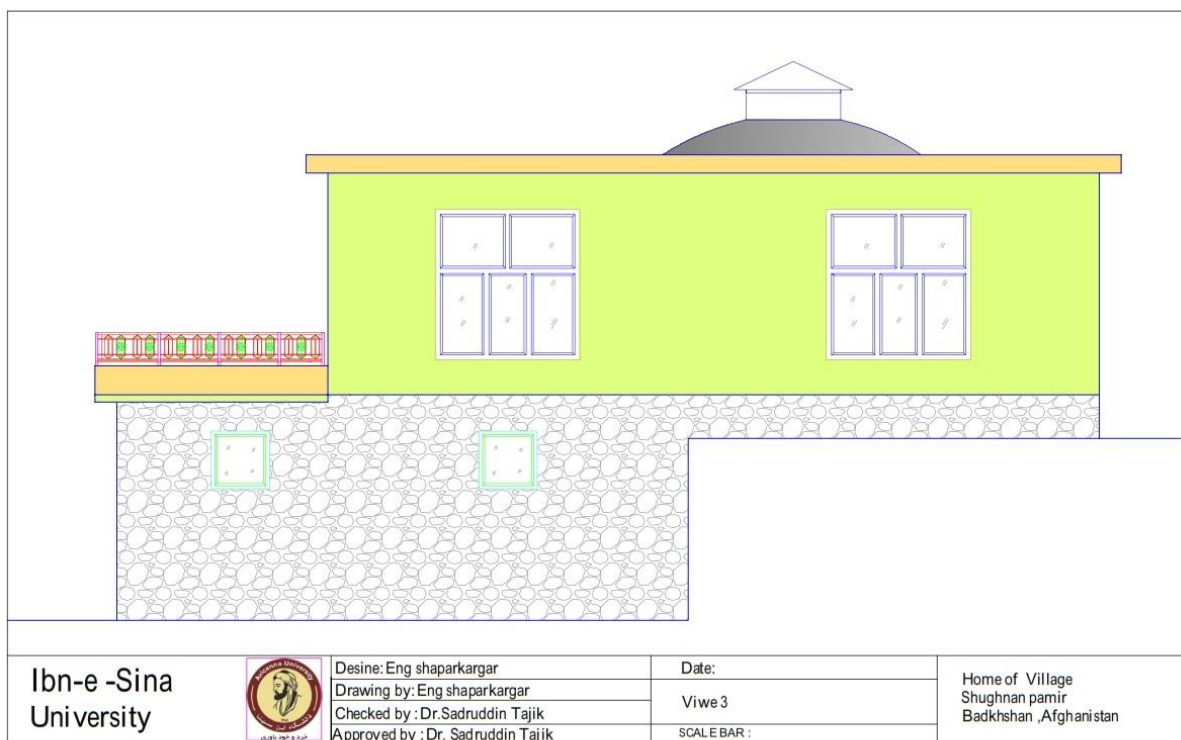


Ibn-e-Sina University		Desine: Eng shaparkargar	Date:	Home of Village Shughnan pamir Badkhsheh ,Afghanistan
		Drawing by: Eng shaparkargar	Viwe 2-4	
		Checked by : Dr.Sadrudin Tajik	SCALEBAR :	
		Approved by : Dr. Sadrudin Tajik		









نمای شرقی



نمای شمالی



نمای غربی



نمای جنوبی



نمای جنوب شرق

فهرست منابع:

1. ا.ن.بولدریف، س.ی.گریگوریف، فرهنگستان علوم روسیه، مسکو ۱۹۹۷.
- تاریخ بدخشان، اداره انتشارات «ادبیات خاور»
2. ابوالقاسم فردوسی. شاهنامه. کابل ۱۳۶۳ هـ.
3. انستیتوت تحقیقات اسماعیلی لندن همکاری موسسه با بنیاد زبان های در معرفی انقراض در کنفرانس تاجیکستان (جولای ۲۰۱۰)
4. حق شناس، علی محمد، آواشناسی (فونتیک) موسسه انتشارات آگاه چاپ هشتم ۱۳۸۲
5. خوش نظر پامیرزاد ۱۳۷۶ تاریخ باستانی شغنان انتشارت سیمای شغنان
6. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید چاپ اول انتشارات بهزار تهران ۱۳۸۹
7. مولانا جلال الدین بلخی منثوی معنوی دفتر اول
1. ناصر خسرو. دیوان قصاید و اشعار. کابل ۱۳۶۵ هـ.